

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
بِأَيِّهَا
بِأَيِّهَا



عَجَبٌ لِّلْمُعْتَالِي
فَرَجَمٌ لِّلشَّرِيفِ

نشانه ظهور امام زمان

مؤلف: عطيه صادق كوهستاني

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مژده دادند که بر ما گزندی خواهی کرد
نیت خیر کن که مبارک فالی است

روی تو کس ندید و هزارت زقیب هست
در غنچه‌ای هنوز و صلت عندهایب هست



شامہ
ظہور

امام زمان
عَنْكَ اللَّهُمَّ الْعَالِي
قَدْ جَمَعَتْ لِسِرِّهِ

مؤلف: عطیہ صادق کوہستانی

صادق کوهستان، عطیه

نشانه‌های ظهور، صادق کوهستانی، عطیه، قم - نسیم حیات ۱۳۸۶

IBSN ۹۷۸-۹۶۴-۴۹۲-۳۴۳-۲

۱۷۶ ص

قیمت ۱۸۰۰۰ ریال

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیا

نشانه‌های ظهور

- عطیه صادق کوهستانی: مؤلف
- نسیم حیات: ناشر
- بعفری: چاپ
- زهرا انصاری زاده: صفحه آرا
- ۱۳۰۰۰: تیراژ
- ۱۸۰۰۰ ریال: قیمت
- اول / ۱۳۸۶: نوبت چاپ
- ۲-۱۳۴۳-۴۹۲-۹۶۴-۹۷۸: شابک

مراکز پخش: قم، خیابان سمیه، خیابان شهیدین، پلاک ۸۷

تلفن: ۲-۷۷۴۹۷۵۰ / تلفکس ۷۷۴۹۵۳۴

تمام حقوق چاپ محفوظ است

اللَّهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا الْإِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ

الْقَائِمِ بِأَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَعَلَى آبَائِهِ

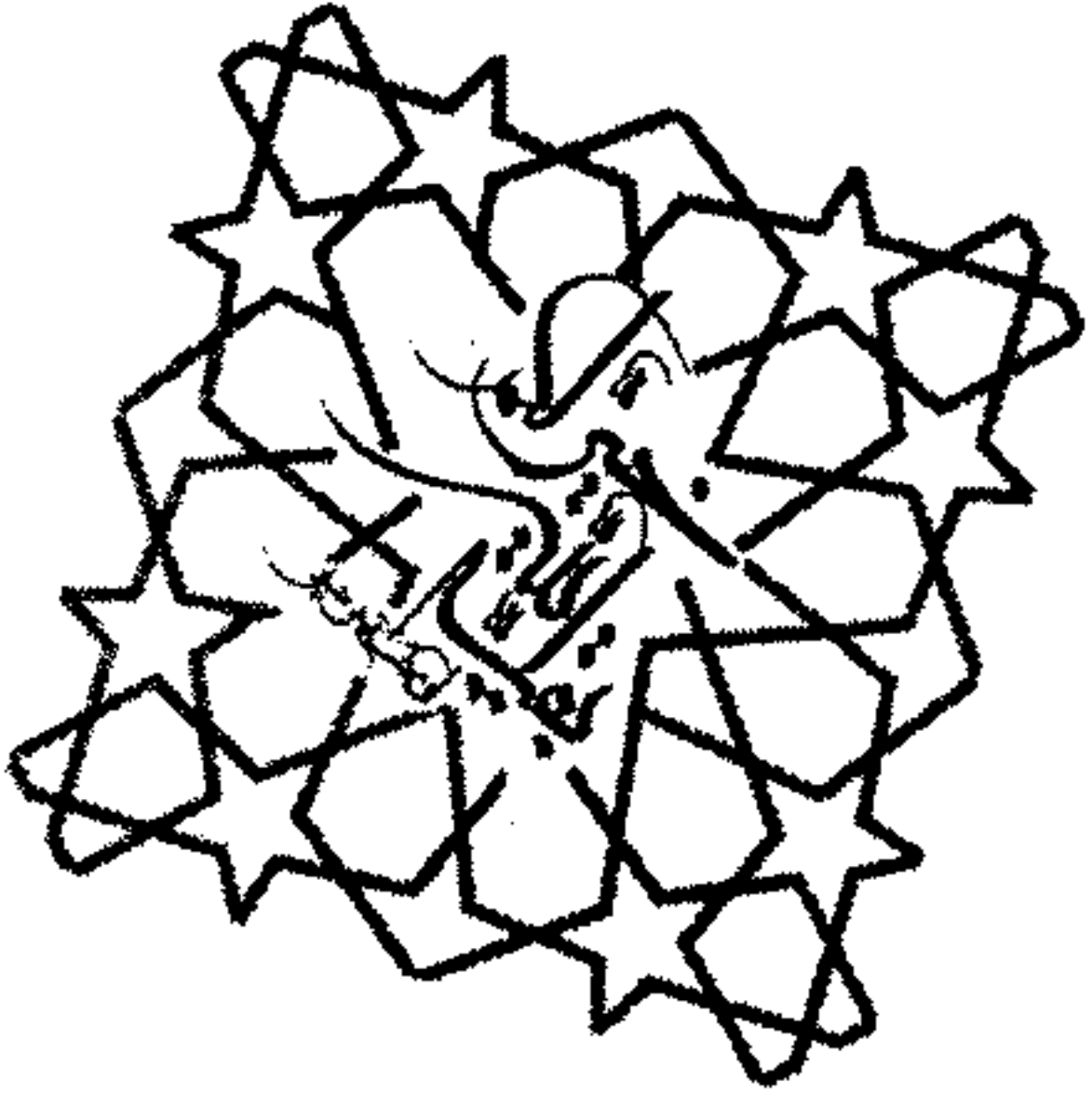
الطَّاهِرِينَ عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ فِي

مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا سَهْلِهَا وَجَبَلِهَا وَبَرِّهَا وَ

بَحْرِهَا وَعَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّْ مِنَ الصَّلَوَاتِ زَنَةَ

عَرْشِ اللَّهِ وَمَدَدِ كَلِمَاتِهِ وَمَا أَحْصَاهُ عِلْمُهُ وَ

أَحَاطَ بِهِ كِتَابُهُ.



گوی زمین دیوده چوگان عدل اوست
دین برکشیده گنبد نیلی حصار هم

فهرست مطالب

- درد دل..... ۱۳
- موقعیت منتظران حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور..... ۱۷
- علامات ظهور امام زمان..... ۲۹
- نشانه‌های ظهور..... ۳۱
- ۱- نشانه‌های عمومی..... ۳۲
- ۲- نشانه‌های نزدیک ظهور..... ۳۵
- بیان شیخ مفید..... ۳۵
- پنج علامت حتمی قیام امام زمان..... ۳۹
- سخنان امام باقر علیه السلام درباره ظهور ولی عصر علیه السلام..... ۴۰
- سفیانی چه کسی است؟..... ۴۲
- مدت حکومت سفیانی..... ۴۴
- سفیانی به دست امام زمان کشته می‌شود..... ۴۴
- ابن آکله الاکباد..... ۴۵
- نفس زکیه چه کسی است و چگونه کشته می‌شود؟..... ۴۵
- نفس زکیه و امام زمان علیه السلام..... ۴۶
- قم در زمان ظهور..... ۴۸
- ابی حمزه ثمالی و امام باقر علیه السلام..... ۵۷
- مخفی ماندن نام خدا..... ۵۸
- آتش در آسمان..... ۵۹
- غربت اسلام..... ۶۰

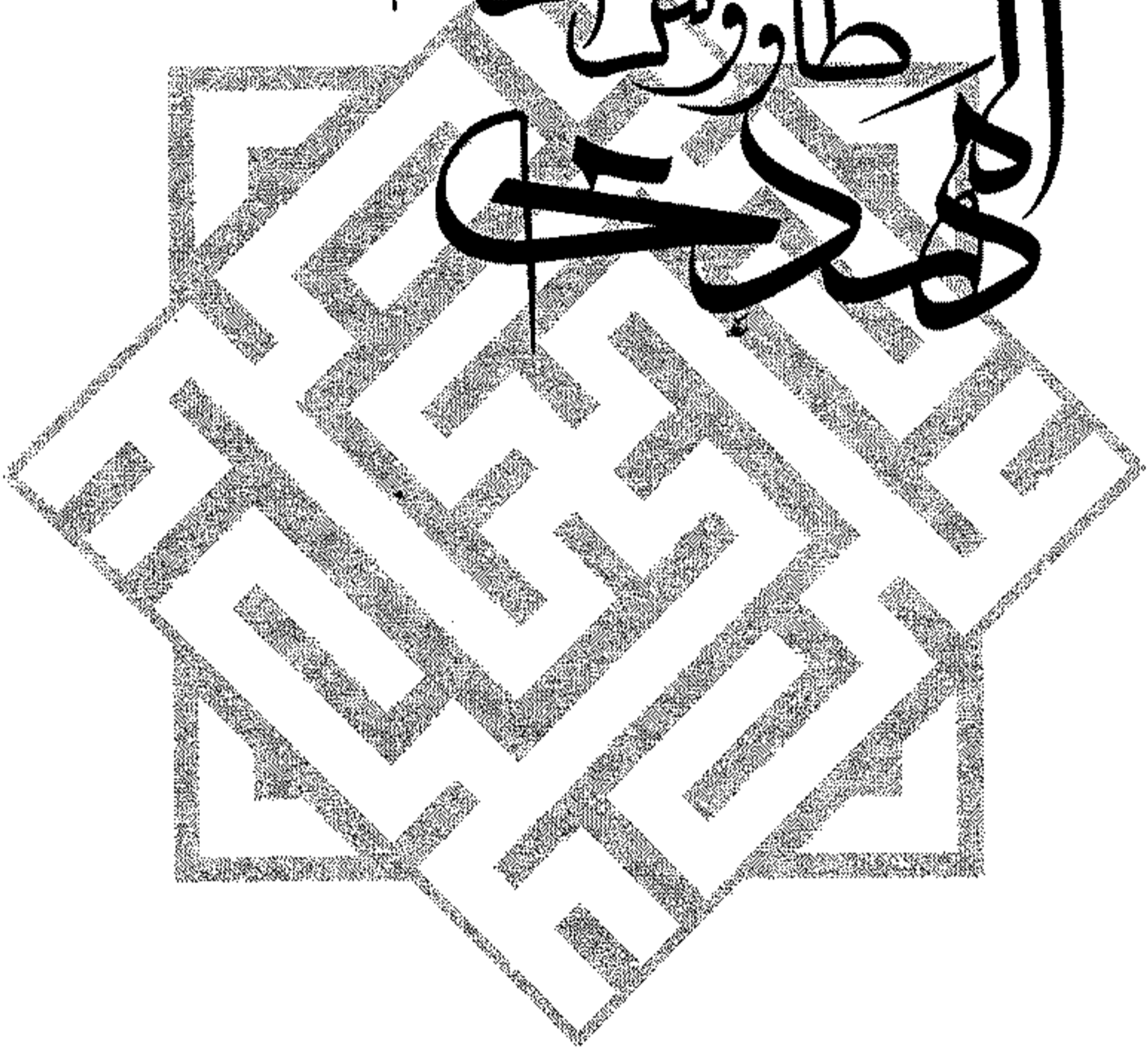
- ۶۰ مردم گریان می شوند
- ۶۱ معرفی علما بد در آخرالزمان
- ۶۲ حال مردم آخرالزمان در کلام امام حسن عسکری علیه السلام
- ۶۳ حال زنان در آخرالزمان
- ۶۴ وای بر شهر ری از دو طرفش
- ۶۵ امام حسین و ظهور امام زمان
- ۶۶ پیشرفته شدن وسایل
- ۶۶ انتقال صدا و تصویر و همگانی شدن آن
- ۶۷ ظاهر شدن برکات زمین و گنج های آن
- ۶۹ آباد شدن شهرها و وسیع شدن جاده ها و مساجد
- ۷۰ فراگیر شدن دانش و حکمت و پیشرفت علمی
- ۷۱ پرنده ها هم به امامت مهدی گواهی می دهند
- ۷۲ روایات در مورد خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی
- ۷۳ نشانه های مختلف
- ۷۷ جنبش اصلاح طلبانه شخصیت یمنی
- ۷۸ ندای آسمانی
- ۷۹ روایات
- ۸۲ علی و خطبه مشهور بیان
- ۹۱ مشرده ظهور
- ۹۱ پیشگویی فردوسی
- ۹۳ پیشگویی خواجه حافظ شیرازی
- ۹۴ پیشگویی شاه نعمت الله ولی

۹۹ نسخه دوم شعر
۱۰۷ نسخه سوم
۱۱۰ نسخه چهارم
۱۱۳ نظرات و آینده‌نگری سید احمد علی خسروی
۱۱۴ قطعه اول
۱۱۵ قطعه دوم
۱۱۶ آینده‌نگری سید مهدی خسروی
۱۲۴ احادیث وارده مربوط به ظهور امام زمان حجت روی زمین
۱۲۴ حدیث اول
۱۲۴ حدیث دوم
۱۲۵ حدیث سوم
۱۲۵ حدیث چهارم
۱۲۶ حدیث پنجم
۱۲۷ حدیث ششم
۱۲۸ حدیث هفتم
۱۲۹ حدیث هشتم
۱۲۹ حدیث نهم
۱۳۰ حدیث دهم
۱۳۵ وقایع زمان ظهور مهدی موعود از زبان روایات
۱۳۵ حدیث اول
۱۳۵ حدیث دوم
۱۳۶ حدیث سوم

۱۳۷	حدیث چهارم
۱۳۷	حدیث پنجم
۱۳۷	حدیث ششم
۱۳۸	حدیث هفتم
۱۳۸	حدیث هشتم
۱۳۹	حدیث نهم
۱۳۹	حدیث دهم
۱۴۱	سیمای حضرت حجت در قرآن
۱۴۱	آیه اول
۱۴۱	آیه دوم
۱۴۲	آیه سوم
۱۴۳	آیه چهارم
۱۴۳	آیه پنجم
۱۴۴	آیه ششم
۱۴۵	آیه هفتم
۱۴۷	آیه هشتم
۱۴۸	آیه نهم
۱۴۹	آیه دهم
۱۵۰	آیه یازدهم
۱۵۱	آیه دوازدهم
۱۵۲	آیه سیزدهم
۱۵۳	آیه چهاردهم

۱۵۴	آیه پانزدهم
۱۵۴	آیه شانزدهم
۱۵۵	آیه هفدهم
۱۵۷	آیه هجدهم
۱۵۸	آیه نوزدهم
۱۵۹	آیه بیستم
۱۶۱	راه وصال به امام زمان
۱۶۱	تکلیف اول
۱۶۲	تکلیف دوم
۱۶۳	تکلیف سوم
۱۶۳	تکلیف چهارم
۱۶۴	تکلیف پنجم
۱۶۵	تکلیف ششم
۱۶۶	تکلیف هفتم
۱۶۷	تکلیف هشتم
۱۶۷	تکلیف نهم
۱۶۸	تکلیف دهم
۱۷۰	اشک فراق
۱۷۱	یوسف آل محمد
۱۷۳	اشک فراق
۱۷۴	فُلك ولا

الطائفة الأولى
من أهل البيت



درد دل

یا بقیة الله:

از فراق تو گلستان عشق، رنگ پاییز به خود گرفته و
عشق‌ها یکی یکی پر پر می‌شوند و معشوق را - که تویی -
نمی‌بینند مبادا من هم به جمع آن عاشق‌ها پیوندم و جمال تو
را ببینم! از تو درس مهربانی و از خودگذشتگی آموختیم. ای
معلم ایثار و مهربانی!

بگذار جمال زیبایت را که سال‌هاست پشت نقاب مخفی
داشته‌ای، امروز بی‌واسطه نقاب زیارت کنیم!

مولایم!

زندگی بدون تو آهنگ فراق است و مرگ؛ و با تو، آوای
دل انگیز یک رهگذر! زندگی نعمة وصال است؛ زندگی تریاق
دردهاست؛ پس بیا و زندگی در کنار خود را برایمان به ارمغان
آرا! آرزوی ما ظهور تو و سرانجام مرگ است؛ چون مرگ
غنیمتی برای قلب‌های شکسته است.

مگذار روحمان اینگونه پژمرده گردد.

سیدی!

تمام چشم‌ها منتظر تو هستند. همه اهل دنیا می‌خواهند

فرش زیر پای مرکبت باشند. نمی‌دانیم چرا نمی‌آیی؟

عزیزم!

به خدا سوگند! دنیا را آذین می‌بندیم، اگر لحظه آمدنت را

بدانیم.

مهدی زهرا، امام زمان!

آه یتیمان را می‌شنویم و مظلومیت کسانی را می‌بینیم که در

مقابل ظلم و کفر ظالمان سر خم کرده‌اند.

امروز کودکان بی‌گناه از ظلم ظالمان زیر خروارها خاک

پنهان می‌شوند و هزاران نوجوان روی دست‌های مردم راهی

گورستان می‌شوند و هزاران جوان آرزو به دل می‌مانند و فقط

سوختنشان را مادرانشان به نظاره می‌نشینند.

یوسف زهرا!

امروز زنان را به اسارت می‌گیرند و با شکنجه و دریدن

حیا و عفتشان آنقدر به آنها فشار روحی و روانی وارد می‌کنند

که هزاران بار آرزوی مرگ از خدا می‌نمایند.

امروز دنیا بر انسان‌ها حکومت می‌کند و سوار بر قدرت بر

مستضعفان و مخصوصاً شیعیان و مسلمانان می‌تازد پس ای

عَجَبُ الْعَالَمِ
فَرَجُكُمْ الشَّرِيفُ



عزیز زهرا بیا و دنیا را از حکومتش برکنار نما و بر مسند
حکمروایی بنشین!

مولای من!

امروز زمین از شدت ظلم و فساد و آزار و اذیت انسان‌های
بی‌گناه به زبان آمده و لب به شکایت می‌گشاید، ظلم‌ها از
حدشان تجاوز کرده‌اند طوری که نمی‌شود برایش حد و مرزی
تعیین نمود. دنیا عرصه را بر انسان‌ها تنگ کرده و همه را در
منجلاب انداخته؛ چه از نظر فقر و چه از نظر ثورت. هر کسی
به دردی گرفتار شده و زیادی گرفتاری مردم باعث شده که
کمتر به یاد و فکر شما باشند یا نه! شاید هم عده‌ای بر اثر
زیادی فشار و درد خودشان را به شما نزدیک‌تر کرده‌اند به هر
حال ای چاره ساز دردها و ای شفای درد مریضان و ای مرهم
دل‌های غمدیده بیا و چاره‌ای بیندیش و انسان‌ها را از این همه
درد و مشقت و گرفتاری رهایی بده!

مهدی! ای نوبهار زندگی!

تو را به حق مادرت! آن کسی که در غربت تو شیون
می‌کند و انتظارت را می‌کشد تا تو - میوه دلش - از سفر باز آیی
و در آغوشت کشد تا زخم سال‌های دوری را التیام بخشد و
گریه‌ها و دلتنگی‌ها را از یاد ببرد و سختی کنایه‌های دشمنان و
همه رنج‌ها را بیرون بریزد و بگوید: این است پسر من؛ نور

نشانه های ظهور امام زمان

۱۵

عجل الله تعالی
فرجه الشریف

دیده من؛ عشق سال‌های انتظارم؛ حال آمده، تا انتقام بگیرد،
انتقام خون جوانانی که در راه خدا شهید شدند، انتقام شهدای
کربلا، انتقام حسین و فرزندان، انتقام حسین و یارانش و
انتقام همهٔ مظلومان جهان را.

مهدی جان!

ای دشت شقایق‌ها! ای قلبت آبی آسمان پر نور و ای
نگاهت عبور از کهکشان‌های دور! چه می‌شود آن نگاهت برای
ثانیه‌ایی مهمان قلب کوچک ما گردد و با آمدنت، خانهٔ قلبمان
را جلا دهی و روحمان را مصفا کنی؟ چه می‌شود دستانت
نوازشگرت نوازشگر ما شود و ما هم طعم نوازش را از دستانت
بچشیم؟ چه می‌شود که با لبخندت دنیای تاریک ما را روشنایی
بخشی؟^(۱)

عجائب المعالی
فروع الشریف



۱. در فراق بیقه الله، سمیه کاظمیان.

موقعیت منتظران حضرت مهدی علیه السلام قبل از ظهور

امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله دربارهٔ مقام منتظران ظهور دو علاقه‌مندان به ساحت مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام و آبای گرامی‌اش چنین نقل فرموده‌اند:

«طوبی لمن أدرك قائم أهل بيتي وهو معتد به قبل قيامه يتولى وليه ويتبرأ من عدوه ويتولى الأئمة من قبله أولئك رفقاء وذووا ودي ومودتي وأكرم أمتي علي وأكرم خلق الله علي»^(۱)

خوشا به حال کسانی که قائم از اهل بیت مرا درک کنند و اقتدای به آن حضرت می‌کنند (فرمانبرداری) پیش از قیامش، دوستان او را دوست می‌دارند و باب دشمنانش دشمن‌اند و از آنها تبراً می‌جویند و ائمه معصومین قبل از آن حضرت را دوست می‌دارند. اینان رفقای من و دوستان من و بهترین افراد امت من در نزد من بلکه بهترین مخلوقات خداوند برای من هستند [گوارا باد بر صاحبان این نعمت (ولایت)].

حذیفه می‌گوید: «دیدم رسول معظم اسلام پردهٔ کعبه را گرفته و گریه می‌کند. عرض کردم یا رسول الله! چه چیزی شما

نشانه‌های ظهور امام زمان

۱۷

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ

را به گریه آورده است؟ خداوند چشم‌های تو را نگریاند.
فرمودند:

ای حذیفه! دنیا از بین رفته یا مثل این که تو در این دنیا
نبودی. عرض کردم پدر و مادرم به قربانت باد! آیا علایمی
هست که دالّ بر وقوع چنین وضعی در دنیا باشد؟ فرمود: آری،
ای حذیفه! مطالبی که می‌گویم به قلبت بسیار و با چشمت بین
و باب انگشتانت شماره کن:

- ۱- وقتی که امت من نماز را ضایع کنند.
- ۲- از شهوات پیروی کنند.
- ۳- خیانت در میان مردم زیاد شود.
- ۴- امانت و امانتداری کم شود.
- ۵- مشروبات الکلی بنوشند.
- ۶- فضا تاریک شود (ممکن است به خاطر آلودگی فضا به
معصیت یا دود ناشی از بنزین و غیره باشد).
- ۷- به واسطه خشکسالی، آب قنات‌ها و چاه‌ها کم شود-
کما این که الان شده است-.
- ۸- آسمان و این فضای لایتناهی غبارآلود شود (ممکن
است کنایه از ظلم‌های جهانی باشد مانند جنگ‌های جهانی از
قبیل دو جنگ اول و دوم و جنگ‌های پراکنده).
- ۹- امنیت از راه‌های زمینی و هوایی برداشته شود (نظیر

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْعَلِيِّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



هوایما ربایی، آدم ربایی).

۱۰- و مردم همدیگر را سب و لعن کنند.

۱۱- خانواده‌ها در دامن فساد سقوط کنند (مانند

بی‌حجابی، رقاصی، قمار و غیره).

۱۲- مردم در زندگی گرفتار تجملات و مدپرستی شوند و

سرانجام قناعت و میانه‌روی متروک گردد.

۱۳- افراد جامعه نسبت به یکدیگر بدبین شوند و سوءظن

و عدم اعتماد بر جامعه سایه افکند.

۱۴- سال‌های دنیا پست و خوار شود.

۱۵- دختکاری زیاد شود و محصولاتها اندک شود.

۱۶- قیمت‌ها بالا رود (نرخ اجناس مورد لزوم به طور

سرسام آوری بالا برود تا جایی که زندگی را تبدیل به جهنم سوزان کند).

۱۷- بادهای زیاد شود (طوفان‌ها و تندبادها مرتباً در دنیا

زیان‌های سنگین جانی و مالی به بار آورد).

۱۸- پرده از روی باطن مردم برداشته شود (و جنایتکاران

و دنیاپرسان و جاه طلبان شناخته شوند، یا بدان آشکار شوند یا علایم ظاهر شوند).

۱۹- عمل شنیع لواط علنی شود (کما این‌که در انگلستان

با گذراندن قانونی از تصویب مجلس لواط بلامانع شده است).

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

۲۰- خلاف، پسندیده شود.

۲۱- تجارت و کاسبی دچار سختی و تنگی شود و اشیا

مورد درخواست کم شود.

۲۲- تمام برنامه‌ها را با کمال گشتاخی و خودسری بر

مبنای هوای نفس پیاده کنند.

۲۳- ناسزا و فحش دادن به پدر و مادران را وسیله

سرگرمی و مزاح قرار دهند.

۲۴- آشکارا ربا بخورند و کوچک‌ترین ترسی از خداوند

نداشته باشند.

۲۵- بی‌عصمتی و زنا در میان مردم رواج پیدا کند.

۲۶- خشنودی و راضی بودن از زندگی و برنامه آن بسیار

کن شود.

۲۷- افراد سفیه و نادان زمام امور را به دست گیرند.

۲۸- خیانت به انواع و اقسام مختلف در میان همه طبقات

زیاد شود.

۲۹- امانت را بی‌اهمیت بدانند و به آن بی‌اعتنا باشند و

افراد امین کم شوند.

۳۰- افراد از اخلاق و کار خویش تعریف کنند.

۳۱- نادان‌ها به دلیل نادانی خویش مشهور شوند.

۳۲- مردم خانه‌های خود را بیارایند و دیوارهای آن را

عَجَبٌ لِّمَن يَّرَىٰ
فَرْجَهُ لَسِيئَةً



زینت دهند.

۳۳- قصرها و خانه‌ها بلند ساخته شود.

۳۴- باطل را به لباس حق جلوه دهند.

۳۵- زشتی دروغ از بین برود به حدی که لباس راستی بر

آن بپوشانند.

۳۶- اگر کسی در ارش صحت عمل داشته باشد او را

ضعیف بدانند.

۳۷- پستی و لثامت و سرزنش یکدیگر را به حساب عقل

بگذارند.

۳۸- گمراه بودن و راه کج رفتن را هدایت بشمارند.

۳۹- بیان را کوری بدانند (اگر به وسیله بیان، حقایقی گفته

شود که به نظر آنها خوش نیاید بگویند این شخص کور است

و واقعیت دنیا را نمی‌بیند).

۴۰- خموشی را بی‌خردی بدانند.

۴۱- دانشمند اگر بخواهد از علم خویش به نفع خود و

جامعه حرف بزند او را جاهل و عملش را نادانی بدانند.

۴۲- نشانه‌ها بسیار شود و علامت‌ها یکی پس از دیگری

ظاهر گردد.

۴۳- تحقیق نکرده سخنان دور از حقیقت بگویند.

۴۴- آسیای مرگ بر سر جامعه بچرخد (جنگ‌های

نشانه‌های ظهور امام زمان



عجائب‌الغیب
قرآن‌الکریم

خانمانسوز به راه بیندازند و افراد بی گناه را قتل عام کنند. مانند
بمباران مناطق مسکونی و غیر نظامی و...).

۴۵- مردم از نظر بینش و دید قلبی کور شوند و حقایق را

نبینند.

۴۶- کارهای ناپسند بر اعمال خوب غلبه پیدا کند.

۴۷- محبت نسبت به یکدیگر و صلۀ رحم از دل‌های مردم

برداشته شود.

۴۸- تجارت و بازرگانی زیاد شود و مردم کارهای باطل و

ناچیز را نیکو بدانند.

۴۹- جان خود را به یکدیگر به خاطر شهوت‌های زیادی

که دارند، بذل کنند.

۵۰- کارهای بزرگ را آسان بشمارند (نظیر جنگ با

دولت‌های بزرگ).

۵۱- از پوشیدن پوست‌های حیوانات حرام گوشت باکی

نداشته باشند.

۵۲- جامه‌های نرم و زیبا و نازک بپوشند (و بدن آنها از

روی لباس پیدا باشد).

۵۳- رغبت به دنیا پیداکنند و آن را بر آخرت مقدم بدانند.

۵۴- رحم از دل‌های همه مردم برود (اعم از زمامدار،

تاجر، کاسب، زن، شوهر و غیر آنها).

عَنْكَرُ الْعَمَالِي
وَرَجْمُ الشُّبُوتِ



۵۵- فساد جنبه عمومی پیدا کند.

۵۶- قرآن را به بازی بگیرند.

۵۷- اموال بیت المال را مال شخصی خود بدانند یا حقوق

شرعیه مال خود را ندهند و بگویند مال خودمان است.

۵۸- مسرکات را با تغییر نام حلال بدانند.

۵۹- در وقت دادن زکات مال خود خیانت کنند.

۶۰- ریا را به نام خرید و فروش و اجاره دادن محلی از

مقروض بگیرند.

۶۱- در فسق و فجور مردها با مردها و زنها با زنها

برابری کنند.

۶۲- به نافرمانی از خداوند مباحات کنند.

۶۳- دل‌های مردم پر از تکبر و نخوت شود و ظلم و جور

در پادشاهان و نادانی در مردم ظاهر شود.

۶۴- در چنین وضعی دیندار باید دین خود را بردارد و از

این طرف به آن طرف و از قلعه به آن قلعه و از این دره به دره

دیگر بود تا سلامت دین داشته باشد.

۶۵- از اسلام باقی نماند جز اسمی و از قرآن باقی نماند

جز رسمی (قرآن در دل‌ها کهنه شود و فقط اسم و رسمی از آن

باقی بماند).

۶۶- قرآن بخوانند در حالی که از گلوگاه و استخوان ترقوه

نشانه های ظهور امام زمان

۲۳

عجل الله تعالی
فرجهما السیف

و گردن نگذرد و از وعده‌های خداوندی و وعیده‌های آن عملاً در میان آن مردم خبری نباشد و از خداوند نترسند و به یاد او نباشند و از ناسخ و منسوخ قرآن بی‌خبر باشند.

۶۷- در این حالات مساجدشان آباد باشد اما دل‌هاشان از تقوا و ایمان تهی.

۶۸- علما و دانشمندان آن زمان بدترین مردم روی زمین باشند و تمام فسادها و فتنه‌ها از ناحیه آنها برخیزد و بازگشت همه آنها (فتنه‌ها) به سوی خود ایشان است.

۶۹- مردم خیر و نیکوکار و مراکز خیر از بین برود اما اهل شر و فساد بمانند.

۷۰- مردم به خداوند عالم در کارهایشان بی‌اعتنا باشند و اعمالشان از روی تحقیق نباشد.

۷۱- تنها محبوب مردم دینار و درهم باشد (ثروت دنیا از هر راهی که بیاید، حلال یا حرام، مانعی نداشته باشد).

۷۲- هر قدر ثروتشان زیاد شود باز بگویند فقیریم.^(۱)

جابر و رسول خدا ﷺ

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید:^(۲)

در حجت الوداع (آخرین حج) در خدمت رسول اکرم

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ



۱. نواب الدهور، ص ۲۹۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۴-۲۶۲؛ نشانه‌های ظهور او، ص ۵۹.

بودم. وقتی که پیامبر بزرگ اعمال واجب حج را تمام فرمودند به عنوان وداع به خانه کعبه نزدیک شدند، حلقه در خانه را گرفتند و باب صدای بلند که همه اهل مسجد الحرام و بازاریان صدای مبارکشان را شنیدند و اجتماع کردند، فرمودند:

ای مردم! بشنوید و به آنهایی که در اینجا نیستند برسائید. آنگاه وجود مقدس رسول خدا گریه کردند و از گریه آن بزرگوار همه به گریه افتادند و چون از گریه فارغ شدند فرمودند: ای مردم! خداوند شما را رحمت کند. مثل شما از امروز تا یک صد و چهل سال دیگر مانند درخت بی خار خواهید بود (ممکن است کنایه از زندگی آرام باشد) و دویست سال دیگر بر شما خواهد آمد که مانند درختی باشید که هم برگ دارد و هم خار دارد دیگر بعد از این مثل شما مانند درختی است که خارهای جانگداز دارد در این فصل از زندگی نمی بینید مگر پتادشاه ستمگر یا ثروتمند بخیل یا عالم دنیاپرست یا فقیر دروغگو یا پیرمرد زناکار یا بچه گستاخ یا زن نادان و احمق. آنگاه رسول خدا گریه کردند سلمان فارسی از جا برخاست و عرض کرد: یا رسول الله! به ما خبر بده کی خواهد شد. حضرت فرمودند: هر گاه علما و دانشمندان شما کم شوند و قاریان قرآن شما از بین بروند و زکات دادن متروک شود و منکرات در اجتماع شما رواج پیدا کند و در مساجد

نشانه های ظهور امام زمان



عَجَلُ الْعَالِي
قَرَحَمُ السَّبِيحِ



صداهاى شما بلند شود و کارهاى مربوط به دنیا را مقدم بر امور اخروى بلکه روى سر آخرت بگذارید و علم را زیر پای خود قرار دهید و سخن معمولی و همگانی شما دورغ، میوه و نقل مجالس شما غیبت و آنچه به دست می آورید حرام باشد. [ای سلمان!] در آن زمان بزرگان بر کوچکان رحم نمی کنند و کوچکان نیز احترام بزرگان را نگه نمی دارند [ای سلمان!] در این حالت، لعنت خداوند بر شما نازل می شود و سختی ها دامن شما را خواهد گرفت و از دین در میان شما جز لفظی باقی نمی ماند و آنگاه که شما دارای این صفات ناپسند شدید، منتظر وزیدن باد سرخ یا سنگباران شدن یا مسخ شدن باشید، به درستی که در کتاب خداوند عزّ و جلّ آمده است: «خداست که می تواند به وسیله عذاب های مختلف از بالا و پایین (سنگباران یا بادهای سخت) شما را مجازات کند یا شما را گروه گروه کند و بچشانند برخی از شما را آسیب برخی دیگر، بنگر چگونه آیه ها را گون گون می کنیم، شاید آنها فهم کنند».

در این لحظه عده ای از یاران از جای برخاسته و عرض کردند:

یا رسول الله! به ما خبر ده این جریانات کی خواهد بود: فرمودند:

«آنگاه که نماز را در وقت خودش نخوانند، متابعت از

شهوات کنند، شرب خمر کنند (زیرا قهوه خوردن گناه نیست) به پدران و مادران ناسزا بگویند، به دست آوردن مال حرام را غنیمت بدانند و زکات دادن را زیان و ضرر تلقی کنند، مرد از همسر خود اطاعت کند، درباره همسایه جفا کنند، با ارحام قطع ارتباط کنند، رحم از بزرگان برداشته شود و حیای کوچکان کم گردد، ساختمان‌ها را محکم بنا کنند، درباره نوکران و کلفت‌ها ظلم کنند. شهادتشان از روی هوا و هوس باشد، حکم آنها بر اساس ظلم باشد، مرد پدرش را لعنت کند، برادر نسبت به برادر حسد ورزد، شرکا در معاملاتشان به یکدیگر خیانت کنند، وفا کم شود، زنا شیوع پیدا کند، مردان خود را به لباس زنان بیاریند، پرده حیا از زن‌ها برداشته شود، تکبر دل‌های مردم را پر کند مانند سم‌های کشنده‌ای که در بدن‌ها جای می‌گیرد، کارهای خوب کم شود و جرایم و بدی‌ها ظاهر شود، واجبات الهی سبک پنداشته شود، با گرفتن پول صاحبان مال را بستایند، ثروت را در راه غنا و خوانندگی به مصرف برسانند از آخرت غفلت کنند و تمام توجه خود را به دنیا معطوف دارند، ورع و پرهیزکاری کم و طمع زیاد شود، هرج و مرج بالا گیرد، بندگان خدا در جامعه ذلیل و منافقان در میان مردم محترم باشند، مساجد از نظر ظاهر به وسیله اذان آباد اما دل‌های ساکنان آن تهی از ایمان باشد، قرآن را سبک بشمارند، انواع ختواری‌ها

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الشریف



درباره اهل ایمان اعمال کنند. در این هنگام می بینی که صورت این مردم چهره آدمی است اما قلب های آنان دل های شیاطین است (پر است از مکر و حيله و تکبر و امثال این صفات بد) سخنان آنان از عسل شیرین تر اما دل هایشان پر است از زهرهای کشنده. اینان گرگ های درنده ای هستند که به لباس آدمیان درآمده اند. در این حالات، روزی نیست که خداوند به آنها نفرماید آیا از رحمت من مغرور شده و به من جرأت پیدا کرده اید؟ تصور می کنید که من شما را بی فایده خلق کردم و بازگشت شما به سوی من نیست؟ به عزت و جلالم سوگند، اگر به خاطر بندگان صالح و با اخلاصم نبود یک آن به معصیت کاران مهلت نمی دادم و اگر ورع و پرهیزکاری بندگان با تقوا نبود یک قطره باران از آسمان فرو نمی فرستادم و یک برگ سبز از زمین نمی رویاندم. عجباً از مردمی که مال و ثروت را خدای خویش قرار داده اند و ارزوهای آنها طولانی است (با توجه به عمر کوتاه دنیا) و چشم طمع دارند که در جوار رحمت الهی باشند، و حال آن که به مقام قرب نمی رسند مگر به وسیله عمل صالح و عمل هم قبول نخواهد شد مگر با راهنمایی عقل.^(۱)

۱. نشانه های ظهور او، محمد خادمی شیرازی.

علامات ظهور امام زمان

رسول خدا فرمود: وقتی در شب معراج ملائکه مرا به آسمان بردند خداوند به من وحی فرمود: یا محمد! (یک سری از مطالبی را بیان فرمود تا این که رسید به اینجا) من از صلب علی بن ابیطالب یازده نفر مهدی که همه آنها از ذریه تو از دخترت بتول می باشند و آخرین آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند و او کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند درحالی که زمین از ظلم و جور پر شده است و من به وسیله او مردم را از هلاکت نجات می دهم و به وسیله او مردم را از ضلالت هدایت می کنم و به وسیله او کوران و مریض ها را شفا می دهم.

بعد من گفتم: خدای من آن، در چه زمانی خواهد بود؟ خداوند عالم فرمود: زمانی که علم برطرف گردد و جهل ظاهر شود و قرا (و گویندگان) زیاد شوند و لکن عمل کردن کم باشد و کشتار مردمان بسیار شود و فقها و دانشمندان هدایت کننده کم شوند و دانشمندان گمراه کننده و خائن بسیار می شوند و شاعر بسیار شود و امت تو قبرهای خود را مسجد بگیرند و قرآن را زینت کنند و مسجدها را به طلا زینت دهند و جور و فساد بسیار شود و منکر (یعنی کارهای بد) آشکار شود و امت

نشانه های ظهور امام زمان



تو را به آن کارهای بد، امر کنند و مدرم را از کارهای خوب
نهی کنند و مردان به مردان و زنان به زنان اکتفا کنند و
فرمانروایان کافر باشند و دوستان ایشان فاجر و (معصیت کار)
باشند و کمک کاران آنها ظالم باشند و اصحاب رأی از آنها
فاسق باشند.

در آن زمان سه موضع از زمین فرو می رود یکی در مشرق
و یکی در مغرب و یکی در جزیره العرب و خوابی در شهر
بصره پیدا شود به دست یکی از ذریه تو که تابعین او مردمان
زنجمی هستند و مردی از فرزندان حسین بن علی خروج کند
و دجال از مشرق زمین از سیستان ظاهر شود و سفیانی ظاهر
گردد.

من گفتم: خدایا بعد از من چه فتنه ها واقع می شود خدا هم
فتنه و بلا بنی امیه لعنهم الله را به من خبر داد و فتنه های
فرزندان عموی من (بنی العباس) و آنچه تا روز قیامت واقع
می شود به من وحی فرمود و چون از معراج برگشتم همه آنها
را به پسر عمویم علی بن ابیطالب خبر دادم و ادای رسالت
کردم و خدا را حمد می کنم چنان که پیغمبران حمد کرده اند و
سایر مخلوقات قبل و بعد از من تا قیامت حمد کرده و
می کنند. (۱)

۱. کمال الدین، شیخ صدوق، خلاصه ای از مطالب دین اسلام در احوالات امام زمان.

نشانه‌های ظهور

روایاتی که در مورد نشانه‌های ظهور حضرت مهدی علیه السلام رسیده و در کتاب‌های حدیث موجود است به سه بخش قابل تقسیم است.

۱- علایم و نشانه‌های عمومی است که از انحرافت گسترده فکری عقیدتی، علمی و ... که در سراسر جهان و کشورها و مراکز اسلامی پدید می‌آید و جامعه‌ها و تمدن‌های بشری را آلوده می‌کند، سخن می‌گوید. این بخش از نشانه‌ها و علایم به ظهور آن حضرت پیوند نخورده و مقارن با آن نیست، بلکه ممکن است ده‌ها سال پیش از ظهور آن گرامی، پدیدار گشته و جهانی شود.

۲- علایم و نشانه‌هایی است که نزدیک به ظهور امام زمان علیه السلام پدیدار می‌گردد اما نشانه این نیست که ظهور در همان سال خواهد بود، بلکه اینها انواع رخدادها و فتنه‌هایی هستند که پس از صدور این گونه روایات، به تدریج در طی قرون و اعصار تا هنگامه ظهور، پدید خواهند شد.

۳- علایم و نشانه‌هایی است که در همان سال ظهور آن اصلاحگر بزرگ یا یک سال پیش از ظهور آن بزرگوار، رخ خواهد داد که این بخش خود به دو بخش، تقسیم می‌گردد؛

الف) علایم و نشانه‌های غیر قطعی است و مفهوم آنها این

نشانه‌های ظهور امام زمان

۳۱

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
قَالَ لَمَّا رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ
قَالَ مَا أَرَى فِيهِ شَيْئًا مِنْ خَلْقِ الْمَلَائِكَةِ وَلَا مِنْ خَلْقِ الْبَشَرِ
وَلَا مِنْ خَلْقِ الْجِنِّ وَلَا مِنْ خَلْقِ الْإِنْسِ وَلَا مِنْ خَلْقِ الْفِطْرِ
وَلَا مِنْ خَلْقِ الْوَحْيِ وَلَا مِنْ خَلْقِ الْوَحْيِ وَلَا مِنْ خَلْقِ الْوَحْيِ

است که رخ دادن آنها حتمی نیست، بلکه ممکن است رخ دهد یا ندهد.

ب) علایم قطعی است که تردید ناپذیرند و به طور حتم روی خواهند داد.

عَلَىٰ سِرِّتِ
مَنْ جَمَّ الشِّرْكَاتِ
لِلَّهِ الْعَالِي



۱- نشانه‌های عمومی

از نزال بن سیره آورده‌اند که می‌گوید: علی علیه السلام برای ما سخن می‌گفت که: نخست سپاس خدا را به جا آورد و او را ستود و بر پیامبر و خاندانش درود فرستاد، آنگاه سه بار فرمود: «سلونی - ایها الناس! - قبل أن تفقدونی...»

یعنی مردم! تا مرا از دست نداده‌اید، هر آنچه می‌خواهید برسید. صعصه بن صوحان به پا خواست و گفت: «یا امیرالمؤمنین! دجال کی خواهد آمد؟»

علی علیه السلام فرمود: «بنشین! خدا سخن تو را شنید و منظورت را دانست برای خروج دجال نشانه‌ها و علایمی است که دسته دسته هر کدام پس از دیگری روی خواهد داد اگر می‌خواهی تو را از آنها آگاه سازم؟»

صعصه پاسخ داد: «آری! ای امیرمؤمنان!»

فرمود: «پس به خاطر بسیار و حفظ کن که اینها علایم و نشانه‌های آن است: هنگامی که مردم راه و رسم و فرهنگ و

معنویت نماز را نابود ساختند و به پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و دروغ‌پردازی را روا شمردند و رباخوارگی و ربا را مباح دانستند و رشوه دادند و گرفتند و دین به دنیا فروختند و سفیهان و کم‌خوران را به اداره امور جامعه گماشتند و قعط رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون‌ها را آسان ساختند.

هنگامی که بردباری، ناتوانی شمرده شد. و بیدادگری، باعث افتخار گردید و زمامداران فاجر و بدکار! و وزیران، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت، خیانت پیشه ساختند و گویندگان و قاریان قرآن به فسق و گناه روی آوردند و شهادت‌های دروغین در جامعه پدیدار شد و کارهای زشت ناپسند و تهمت تراشی‌ها و گناه‌کاری و تجاوزگری علنی گردید، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ و جلد و تزیین گردید و مسجدها آراسته شد و مناره‌ها سر به آسمان سایید و اشارار مورد تجلیل قرار گرفتند و صف‌های جماعت فشرده و دل‌ها از هم دور شد و عهدها و پیمان‌ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا، در کسب و کار همسران خود شرکت کردند و به بازارها و مغازه‌ها و کارخانه‌ها سرازیر گشتند، صدای آواز فاسقان، همه جا پخش و به گوش‌ها رسید و هر چه گفتند و خواندند از آنان پذیرفته

نشانه های ظهور امام زمان





نشانه های ظهور امام زمان

شد، رهبری جامعه‌ها به دست اراذل وا گذاشته شد و با فاجر به خاطر ترس از شرارتش، مدارا گردید و دروغساز و دروغپرداز، تصدیق شد و خیانتکار، امین شمرده شد. هنگامی که کنیزان و آوازه خوان و رقاصه‌ها و آلات لهو و موسیقی به کار گرفته شد و نسل‌های آخرین به نسل‌های پیشین نفرین کردند و زنان بر زمین‌ها سوار شدند و تلاش کردن خود را شبیه مردان سازند و مخردان نیز خود را در ظاهر و اخلاق به سان زنان ساختند و شاهد بی‌آن‌که از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد و دیگری بر خلاف حق و عدالت و بدون آگاهی، به خاطر رفاقت با کسی به نفع او به دروغ گواهی کرد.

آنگاه که تفقه در دین و آموزش علوم دنی، نه برای خدمت به دین بلکه برای دنیا و قدرت و ریاست به کار گرفته شد و کار دنیا را بر کار آخرت برگزیدند و با ریا و تظاهر و عوام فریبی به گرگ‌های خونخوار لباس گوسفند آرام پوشانند، ظاهرهای مردم، آراسته، اما دل‌ها، عفونت بارتر از مردار متعفن و تلخ‌تر از گیاه تلخ و بد طعم گردید. آری! در این شرایط منحط و وخامت بار گناه آلود جامعه‌ها و تمدن‌های اسلامی و جهانی است که دجال ظاهر می‌گردد و در آمدن شتاب می‌کند.»^(۱)

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۵۲۶-۵۲۵؛ امام المهدی.

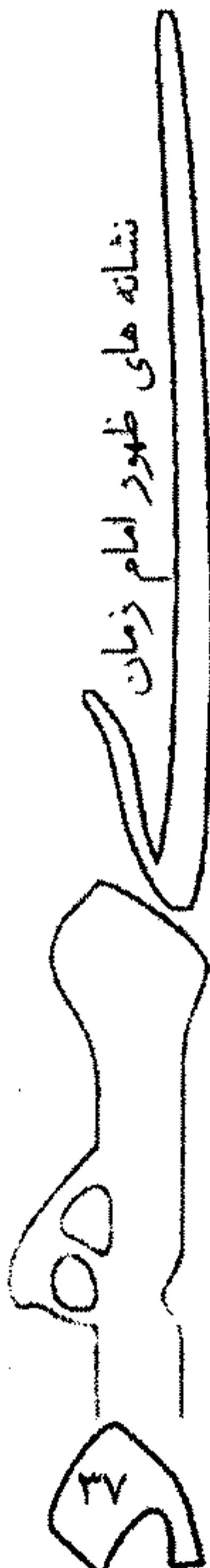
عجل الهمم
وخرجه الشريف



- گرفتن ماه در آخر ماه رمضان، برخلاف عادت.
- طلوع خورشید از مغرب.
- شکافته شدن زمین و فرو بردن تجاوزکاران.
- فرو رفتن زمین در مغرب.
- قتل نفس زکیه، پشت دروازه کوفه در زمره هفتاد نفر از شایستگان.
- بریده شدن سر مردی از بین هاشم میان رکن و مقام.
- آمدن پرچم‌های سیاه از طرف خراسان.
- قیام و جنبش یمنی.
- آشکار شدن مرد مغربی و تصرف شام به وسیله سپاه او.
- فرود آمدن ترک‌ها در جزیره.
- فرود آمدن رومیان در «رمله».
- طلوع ستاره‌ای درخشان و نورانی به سان ماه و آنگاه انعطاف خاص آن....
- پدیدار شدن سرخی در آسمان و گسترش آن در آفاق آسمان.
- پیدایش ستون آشتی در مشرق به مدت سه تا هفت روز.
- قیام امت عرب و برکنار شدن زمامداران عرب به وسیله ملت‌های خویشش و به دست گرفتن زمام امور کشورها به وسیله مردم.

- خروج جهان عرب از سیطره عجم.
- کشته شدن رهبر مصر به دست مردم.
- انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن.
- ورود پرچم‌های «قیس» و «عرب» به مصر و پرچم‌های «کنده» به خراسان.
- ورود سپاهی از سوی مغرب و رسیدن آنها به دروازه شهر «حیره».
- آدن پرچم‌های سیاه از سوی مشرق.
- شکستن دیوار فرات و جریان یافتن آب در کوچه‌های کوفه.
- خروج پیامبر دروغین.
- خروج دوازده امام دروغین.
- به آتش کشیده شدن مرد گرانقدری از بنی عباس بین «جلولاء» و «خانقین» ایجاد پل ارتباط میان «کرخ» و بغداد.
- وزش بادی سیاه در آغاز روز.
- زلزله‌ای که انبوهی را به زمین فرو می‌برد.
- ترس و ناامنی فراگیر که همه عرق و بغداد را فرا می‌گیرد.
- مرگ سریع و دردناک و نقص و زبان در اموال و جان و ثمرات.

نشانه‌های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الشریف



- آفت ملخ نابهنگام و به هنگام کشاورزی.
- برداشت کم محصولات زراعی.
- جنگ قدرت میان عجم و خونریزی بسیار در میان آنان.
- شورش بردگان بر ضدّ برده‌داران و کشتن آنان.
- مسخ شدن گروهی از بدعت گذاران و به صورت میمون و خوک درآمدن آنان و تسلط کشورهای عقب مانده به کشورهای زورمند و ثروتمند.
- طنین افکن شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش جهانیان به زبان‌های گوناگون.
- پدیدار شدن چهره و سینه‌ای در کره خورشید.
- زنده شدن گروهی از مردگان و بازگشت آنان به دنیا به گونه‌ای که مردم آنان را شناخته و با آنان دیدار می‌کنند.
- آنگاه به پایان این سلسله رخدادهای شگرف و شگفت و اعجاب‌انگیز به وسیله ۲۴ روز رگبار باران پیاپی که زمین را پس از مردنش زنده می‌سازد و برکاتش را پدیدار می‌کند و پس از آن همه آفت‌ها، رنج‌ها و دردها از حق طلبان و حق پذیران و شیعیان حضرت مهدی علیه السلام زایل می‌گردد و آنگاه است که از ظهور آن گرامی در مکه مکرمه و بیت الله آگاه می‌گردند و با شور و شوق و درایت و اخلاص برای یاری او می‌شتابند.^(۱)

پنج علامت حتمی قیام امام زمان

در غیبت نعمانی، ابن بصیر می گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت شوم، قیام امام زمان، در چه وقت خواهد بود؟ حضرت فرمود: «ما اهل بیت وقت برای ظهور تعیین نمی کنیم، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده: کسانی که وقت تعیین می کنند دروغگو هستند. ولی ای ابی بصیر! قبل از ظهور پنج علامت است؛ اول آنها ندا در ماه رمضان، دوم خروج سفیانی، سوم خروج خراسانی، چهارم قتل زکیه و پنجم خسوف در پیدا می باشد، بعد حضرت فرمودند:

حتما! قبل از ظهور دو طاعون می آید، طاعون سفید و طاعون قرمز. از حضرت سؤال کردیم: معنی آن دو طاعون چیست؟ حضرت فرمود: طاعون سفید، قحطی و گرسنگی است و طاعون قرمز، جنگ و خونریزی می باشد.

و حضرت مهدی علیه السلام قیام نمی فرمایند تا این که شب جمعه ۲۳ ماه رمضان از آسمان به اسم او فریاد زده شود. گفتم: آن فریاد چگونه صدایی است؟ حضرت فرمود: او را به اسم و اسم پدرش می خوانند و می گوید: فلانی پسر فلانی قائم آل محمد صلی الله علیه و آله است، حرف او را گوش کنید و اطاعت کنید. هیچ صاحب روحی نیست مگر این که آن صدا را می شنود از خواب بیدار شده و به حیاط منزل می دوند و زنان سر برهنه با نگرانی

نشانه های ظهور امام زمان

از منزل بیرون می‌دوند و خود امام هم آن صدا را می‌شنود و قیام می‌کند و آن صدای جبرئیل است.»^(۱)

سخنان امام باقر علیه السلام درباره ظهور ولی عصر علیه السلام

محمد بن مسلم می‌گوید: از امام باقر شنیدم که می‌فرمود: قائم ما یاری می‌شود و به کمک خدا پیروز می‌شود و زمین زیر ای او پیچیده می‌شود و زمین گنج‌ها و نعمت‌های خود را برای او ظاهر می‌کند و سلطنت و قدرت او شرق و غرب عالم را می‌گیرد و خدا به واسطه او دینش را زنده می‌کند، اگر چه مشرکان او را دوست نداشته باشند.

هیچ جای زمین آباد نمی‌ماند تا این که امام مهدی آبادش کند و عیسی مسیح از آسمان نازل شده پشت سر او نماز می‌خواند. عرض کردم: یابن رسول الله، چه وقت قائم شما خروج می‌کند؟

حضرت فرمود: «زمانی که مردان خود را شبیه زنان کنند و زن‌ها خود را شبیه مردان نمایند و مرد به مرد، و زن به زن اکتفا نماید هم‌جنس بازی رواج پیدا کند و زن‌ها بر زین و اسب سوار شوند و شهادت دروغ و ناحق پذیرفته شود و شهادت درست و حق پذیرفته نشود و خون ریختن نزد مردم آسان

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
يَعْقُوبَ بْنِ
يَعْقُوبَ بْنِ
يَعْقُوبَ بْنِ



۱. غیب نعمانی، ص ۲۸۹؛ سال ظهور، ص ۳۳-۳۴.

گردد و مرتکب زنا شوند و ربا بخورند و اشرار را از ترس احترام کنند. سفیانی از شام خروج کند و یمانی از یمن خروج کند و در پیدا خسوف واقع شود و جوانی از آل محمد سَلَامَةُ را بین رکن و مقام بکشند که اسم او محمد بن حسن معروف به نفس زکیه باشد. صیحه‌ای از آسمان بلند شود و بگوید که حق با مهدی و شیعیان علی است. در آن وقت است که قائم ما خروج می‌کند و پشت خود را به کعبه داده سیصد و سیزده نفر از یارانش در اطراف او جمع شده اولین کلامی که می‌گوید: این آیه را تلاوت می‌فرماید:

﴿ بَقِيتُ اللهُ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ ﴾^(۱)

و بعد می‌فرماید: من بقیت الله در زمین هستم. وقتی لشکریان او به ده هزار نفر رسیدند قایم می‌فرماید و هیچ معبودی در روی زمین غیر از خدا نمی‌ماند که در آن آتش افتاده می‌سوزد و این امر بعد از غیبتی طولانی واقع می‌شود. برای این که خدا خلق را امتحان کند و ببیند چه کسی او را در غیبت اطاعت کرده و ایمان می‌آورد.^(۲)

نشانه های ظهور امام زمان



۱. سوره هود، آیه ۸۶

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۱۹۱، ح ۲۴.

سفیانی چه کسی است؟

سفیانی از اولاد ابوسفیان می باشد و ما در او هند جگر خوار سات به همین خاطر او را سفیانی می نامند؛ سفیانی در روایات او را به ابن آكلة الاکباد نام برده می شود. نام او عثمان پدر او عبنسه از اولاد معاویه و از طرف مادر اردنی می باشد.

او از وادی «یابس» یعنی اردن می آید و در شام قیام می کند و در آن وقت شام درگیر است و سه گروه با هم جنگ می کنند که یکی از آنها همین سفیانی می باشد. سفیانی بر آنها غالب می آید، قدرت را به دست می گیرد و علت شلوغی و درگیری و جنگ در شام است که در عالم پیدا شده است. شرق و غرب با هم درگیرند. جنگ جهانی بر پا می شود و سفیانی در شام قدرت را به دست می گیرد و کارش بالا می گیرد. او دولت قدرتمند جهن اسلام می شود، از این رو تمام فرق اسلامی با او بیعت کرده هم پیمان می شوند و از اسلام و مسلمین دفاع می کند؛ ولی او باطنی کافر و غیر مسلمان دارد، هر چند ظاهرش مسلمان است و مسلمین را گول می زند؛ ولی شیعه که بینا و هوشیار است گول و فریب نمی خورد و زیر بار او نمی رود و با او بیعت نمی کند و در آن موقع تنها همت او تسلیم کردن شیعه می باشد و عمده شیعیان در آن زمان در عراق و ایران هستند و لذا لشگری تهیه دیده و به عراق می فرستد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
عَمْرٍو بْنِ شَرِيْفٍ



در آنجا کشتار می‌کند و اسیر می‌گیرد؛ ولی گروهی از شیعیان که در نظرها ناچیز می‌آیند با آنها درگیر شده اسیران را نجات می‌دهند.

ولی لشگری به مدینه و مکه می‌فرستد؛ زیرا می‌داند که امام زمان در آن ناحیه می‌باشد. در آن وقت امام ظهور فرموده و مأموریت به غیبت ندارد. هر کس نامش حسن و حسین، علی و از نام‌های شیعه باشد او را گرفته زندانی می‌کند و برای ایجاد ترس و وحشت سیدی را در دروازه مدینه به دار می‌آویزد تا این‌که امام را شناسایی می‌کند و می‌خواهد حضرت را بگیرد که امام ترسان از مدینه فرار می‌کند و به طرف مکه می‌رود و لشگر سفیانی حضرت را تعقیب می‌کند. لشگر به بیابانی بین مکه و مدینه که می‌رسد جبرئیل فریاد زده به زمین لگد می‌کوبد و زمین دهان باز کرده همه لشگر در زمین فرو می‌روند - این خسف در پیدا - در این میان دو نفر از لشگریان سفیانی نجات پیدا می‌کنند یکی به طرف شام فرار می‌کند و خبر فرو رفتن لشگر را به سفیانی می‌دهد و دیگری به مکه رفته خبر لشگر را به امام زمان می‌رساند. و در این موقع است که حضرت در مکه اعلام قیام می‌فرماید.^(۱)

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْكَ اللَّهُمَّ
فَرِحْنَا بِكَ

مدت حکومت سفیانی

امام صادق علیه السلام فرمودند: سفیانی بعد از آن که قدرت را به دست گرفت، پنج شهر را تصرف می نماید و به اندازه حمل زن؛ یعنی نه ماه حکومت می کند. فرمودند: «استغفرالله به اندازه حمل شتر حکومت می کند و امر سفیانی از اموری است که باید واقع شود.»^(۱)

سفیانی به دست امام زمان کشته می شود

معلی بن خنیس می گوید: «نامه های عبدالسلام بن نعین و سدیر و کسان دیگر را در زمان قیام ابومسلم خراسانی قبل از این که بنی عباس حکومت را به دست بگیرند خدمت امام صادق علیه السلام بردم و به حضرت عرض کردم: امیدوارم که در این حرکتها امر به دست شما بیفتد، شما وضع را چگونه می بینید؟ حضرت نامه ها را به زمین زد و فرمود: اف اف، یعنی اظهار تأسف کرده فرمود: من امام اینها نیستم! آیا نمی دانید امام قائم سفیانی را خواهد کشت.»^(۲) [سفیانی بعد از قدرت پیدا کردن بنی عباس و از بین رفتن آنها پیدا خواهد شد و هنوز سفیانی نیامده تا امام زمان قیام کند].



۱. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۵، ح ۷۱.

۲. اصول کافی، ج ۸، ص ۲۳۱.

ابن آكله الاكباد

معاویه بن سعید می گوید: «امام باقر علیه السلام از امیرالمؤمنین نقل می کند که فرمودند: وقتی سر نيزه ها در شام به هم رسیدند، آن آیه ای از نشانه های حق است. سؤال شد بعد از آن چه؟ فرمود: زلزله ای در شام واقع می شود که صد هزار نفر کشته می شوند و خدا آن را رحمت برای مؤمنین و عذاب برای کافران قرار داده وقتی آن واقعه اتفاق افتاد نگاه کنید به کسانی که با سواری های شهاب گونه ^(۱) - که پرچم آنها زرد رنگ است از طرف مغرب... [آمریکا و اروپا] - سر می رسند تا در شام اردو می زنند در آن هنگام منتظر باشید که یکی از روستاهای شام به نام حرشا فرو می رود، بعد از آن منتظر ظهور و قیام ابن آكله الاكباد سفیانی [از وادی یابس - اردن] باشید.» ^(۲)

نفس زکیه چه کسی است و چگونه کشته می شود؟

نفس زکیه شخصیتی است بزرگوار، از نزدیکان حضرت که با حضرت رفت و آمد دارد، مردم مکه او را می شناسند و چون او با حضرت ملاقات دارد و حضرت در آن زمان ظهور فرموده، حضرت قبل از قیامشان حضور دارند که همه می توانند

۱. شاید هواپیما باشد یا تانک یا وسایل جنگی است به رنگ خاصی.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۱۶.



حضرت را ببینند، اما نمی‌شناسند و حضرت در آن وقت مأمور به غیب نیست، لذا در مجالس مختلف حضرت با اطرافیان نزدیک خو نشست و برخاست دارد. در یکی از این نشست‌ها گفتگویی بین حضرت و حاضرین در مجلس می‌شود. سید حسنی معروف به نفس زکیه به حضرت عرض می‌کند: اگر قیام بفرمایند مردم مکه تسلیم خواهند بود و برای امتحان مردم در میان مردم رفته خبر از ظهور و قیام حضرت می‌دهد و مردم را به آن حضرت دعوت می‌کند؛ اما مردم می‌ریزند و او را کشته و سر او را برای سفیانی می‌فرستند.

یا مردم را به خود دعوت می‌کند و می‌گوید: من نایب امام زمان هستم و لذا او را می‌کشند.^(۱)

نفس زکیه و امام زمان علیه السلام

ابی بصیر می‌گوید: امام باقر علیه السلام در روایت طولانی حضرت مهدی به یارانش می‌فرماید:

اهل مکه من را نمی‌خواهند؛ ولی باید برای تمام کردن حجت و روشن شدن حقیقت کاری انجام دهم و لذا کسی را نزد آنها خواهم فرستاد سپس حضرت یکی از یاران خود را طلبیده به او می‌فرماید:

«برو به طرف اهل مکه و به آنها بگو من فرستاده فلانی -

یعنی امام زمان - هستم و حضرت می فرماید:

ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت، و ذریه محمد پیامبر شما و از دودمان انبیا هستیم. به ما ظلم شده حق ما را غصب کرده اند و از وقتی که پیامبر از دنیا رفت تا به امروز حق ما را ربودند. ما از شما برای به دست آوردن حق خود کمک می خواهیم ما را یاری کنید.»

آن جوان وقتی این کلمات را به آنها می گوید به سر او ریخته و بین رکن و مقام او را می کشند. و همان نفس زکیه است، وقتی این خبر به امام می رسد، به اصحاب خود می فرماید: «نگفتم که اهل مکه ما را نمی خواهند.» و دیگر چیزی نمی فرماید تا این که خروج می کند و می رود و در عقبه طوبا با سیصد و سیزده نفر مرد به عدد اصحاب بدر، و می آید به مسجد الحرام در مقام چهار رکعت نماز می خواند و پشت خود را به حجر الاسود داده، خدا را حمد و ثنا می کند و بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صلوات می فرستد و کلامی می فرماید هیچ کس نگفته است و اولین کسانی که دست به او داده و با او بیعت می کنند جبرئیل و میکائیل هستند و در کنار آنها رسول اکرم و امیرالمؤمنین حاضرند و آنها بلند شده، کتاب جدید را به دست او می دهند با مهری که هنوز خشک نشده است و به او

نشانه های ظهور امام زمان

۴۷

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



می فرمایند: به آنچه در این کتاب است عمل کن و آن روز بر
عرب بسیار سخت خواهد بود و سیصد نفر و قدری از اهل
مکه با حضرت بیعت می کنند و عدد که به حلقه رسید از مکه
قیام می فرماید.

سؤال شد: حلقه چیست؟ حضرت فرمود: «ده هزار نفر و
جبرئیل از طرف راست و میکائیل از طرف چپ حضرت پرچم
جلید^(۱) را باز می کند و آن پرچم رسول اکرم است که نامش
سحابه است و زره پیامبر که سابه است به تن می کند و
شمشیر رسول اکرم که ذوالفقار است را به دست می گیرد و قیام
می کند.»^(۲)

قم در زمان ظهور

قم جزء بلاد مشرق است و مقصود از مشرق، قم می باشد.
امام صادق علیه السلام فرمودند: «خدا شهر کوفه را حجت بر شهرهای
منطقه و مؤمنین آنها را حجت بر مردم دیگر شهرهای منطقه
قرار داده است و شهر قم را حجت بر تمام شهرها و اهل قم را

۱. جلید، اسم پرچم رسول خدا بود که در روز بدر جبرئیل برای حضرت آورده
است و در هیچ جنگی آن را بلند نمی کردند مگر پیروز می شدند و نام دیگر آن
سحابه می باشد.

۲. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

حجت بر تمام مشرق و مغرب از جن و انس روی زمین قرار می‌دهد و خدا نمی‌گذارد اهل قم مستضعف در دین بمانند، بلکه آنها را موفق می‌دارد و دین و اهل دین در قم از نظر مادی ضعیف و ذلیل هستند که اگر اینگونه نباشد، مردم به آنجا ریخته خرابش می‌کنند و دیگر حجتی باقی نمی‌ماند و اگر حجت روی زمین نباشد، آسمان و زمین آرام نمی‌گیرند و خدا دیگر احتیاجی به انسان‌ها نخواهد داشت و بلا از قم و اهل آن دور است و زمانی می‌رسد که قم و اهل آن حجت بر تمام خلایق روی زمین می‌شود و این حجت در زمان غیب واقع می‌شود و تا ظهور امام زمان ادامه پیدا می‌کند و اگر این حجت نباشد لساخت الارض باهلها [یعنی زمین اهل خود را در خود فرو می‌برد] و ملائکه بلا را از قم و اهل قم دور می‌کنند و هیچ جباری قصد آن نمی‌کند، مگر این که قاصم الجبارین [یعنی: شکننده ظالمین و جبارین] او را به گرفتاری و بدبختی گرفتار می‌کند و با دشمنی درگیرش می‌کند و مشغولش می‌سازد.

و جبارین در حکومت و قدرتشان قم را فراموش می‌کنند، همان گونه که خدا را فراموش کرده‌اند.»^(۱)

در مقابل امام صادق علیه السلام صحبت از کوفه به میان آمد و گفته شد که امروز مجمع شیعیان است.

نشانه های ظهور امام زمان



۱. بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۲۱۲؛ سال ظهور، ص ۱۵۱-۱۵۲.



حضرت فرمود: بله، همین گونه است که شما می‌گویید، اما به زودی کوفه از مؤمنین خالی می‌شود و علم از آنجا جمع می‌شود و در شهری به نام قم گسترده می‌گردد و آنجا معدن علم و فضل می‌شود، و در منطقه قم ایران، کسی که دین و حق را نداند پیدا نمی‌شود حتی دختران در پرده حق و دین را می‌شناسند.

و این در نزدیکی قیام حضرت حجت است و خدا قم و اهل قم را قایم مقام حجت قرار داده است و اگر نبود حقانیت قم، زمین اهل خودش را در خود فرو می‌برد؛ زیرا حجت اگر نباشد زمین نخواهد ماند.

بعد، علم از قم به تمام روی زمین شرق و غرب آن خواهد رسید و خدا به واسطه آن حجت را بر روی زمین تمام می‌کند و روی زمین که علم و دین را نداند، نباشد. بعد امام زمان ظاهر می‌شود و دوسيله انتقام و غضب حضرت حق می‌گردد، زیرا خدا حجت را بر خلق تمام می‌کند و وقتی خلق زیر بار نرفت در آن وقت است که خدا انتقام می‌گیرد.^(۱)

علی و خطبه ذی قار و علایم ظهور

فَبَعَثَ اللَّهُ غَزًّا وَ حَلًّا مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلهِ بِذَلِكَ ثُمَّ إِنَّهُ

سَيَأْتِي عَلَيْكُمْ مِنْ بَعْدِي زَمَانٌ لَيْسَ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ شَيْءٌ أَخْفَى
مِنَ الْحَقِّ وَلَا أَظْهَرَ مِنَ الْبَاطِلِ وَلَا أَكْثَرَ مِنَ الْكِذْبِ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى
وَرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَلَا يَسَعُ عِنْدَ أَهْلِ ذَلِكَ الزَّمَانِ سِلْعَةٌ
أَبْوَرَ مِنَ الْكِتَابِ إِذَا تَلَى حَقًّا تِلَاوَتَهُ وَلَا سِلْعَةٌ أَنْفَقَ بَيْعًا وَلَا أَعْلَى
ثَمَنًا مِنَ الْكِتَابِ إِذَا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَلَا يَسَعُ فِي الْعِبَادِ وَلَا فِي
الْبِلَادِ شَيْءٌ هُوَ أَنْكَرُ مِنَ الْمَعْرُوفِ وَلَا أَعْرَفُ مِنَ الْمُنْكَرِ وَلَا يَسَعُ
فِيهَا فَاحِشَةٌ أَنْكَرُ وَلَا عَقُوبَةٌ أَنْكَى مِنَ الْهُدَى عِنْدَ الضَّلَالِ فِي ذَلِكَ
الزَّمَانِ فَقَدْ نَبَذَ الْكِتَابَ حَمَلَتُهُ وَتَنَاسَاهُ حَفَظَتُهُ حَتَّى تَمَالَتْ بِهِمْ
الْأَهْوَاءُ وَتَوَارَثُوا ذَلِكَ مِنَ الْآبَاءِ وَعَمِلُوا بِتَحْرِيفِ الْكِتَابِ كَذِبًا وَ
تَكْذِيبًا فَبَاغَوْهُ بِالْبَخْسِ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ فَالْكِتَابُ وَأَهْلُ
الْكِتَابِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ طَرِيدَانِ مَنفِيَّانِ وَصَاحِبَانِ مِصْطَحِبَانِ فِي
طَرِيقٍ وَاحِدٍ لَا يَأْوِيهَا مَوْوٌ فَحَبَّذَا ذَانِكَ الصَّاحِبَانِ وَاهَا لَهُمَا وَلِمَا
يَعْمَلَانِ لَهُ فَالْكِتَابُ وَأَهْلُ الْكِتَابِ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ فِي النَّاسِ وَ
لَيْسُوا فِيهِمْ وَمَعَهُمْ وَكَيْسُوا مَعَهُمْ وَذَلِكَ لِأَنَّ الضَّلَالَةَ لَا تُوَافِقُ
الْهُدَى وَإِنْ اجْتَمَعَا وَقَدْ اجْتَمَعَ الْقَوْمُ عَلَى الْفِرْقَةِ وَافْتَرَقُوا عَنِ
الْجَمَاعَةِ قَدْ وَلَّوْا أَمْرَهُمْ وَأَمْرَ دِينِهِمْ مَنْ يَعْمَلُ فِيهِمْ بِالْمَكْرِ وَالْ
مُنْكَرِ وَالرُّشَا وَالْقَتْلِ كَانَتْهُمْ أُمَّةُ الْكِتَابِ وَلَا يَسَعُ الْكِتَابُ إِمَامَهُمْ
أَمْ يَبْقَى عِنْدَهُمْ مِنَ الْحَقِّ إِلَّا اسْمُهُ وَلَمْ يَعْرِفُوا مِنَ الْكِتَابِ إِلَّا حَظَّهُ وَ

نشانه های ظهور امام زمان

۵۱

عجالتاً اللہ تعالیٰ
فرجہم لشیرت

زِبْرَةَ يَدْخُلُ الدَّاخِلُ لِمَا يَسْمَعُ مِنْ حُكْمِ الْقُرْآنِ فَلَا يَطْمَئِنُّ جَالِساً
 حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الدِّينِ يَنْتَقِلُ مِنْ دِينِ مَلِكٍ إِلَى دِينِ مَلِكٍ رِيَالٍ إِلَى
 طَاعَةِ مَلِكٍ وَ مِنْ عُهُودِ مَلِكٍ إِلَى عُهُودِ مَلِكٍ فَاسْتَدْرَجَهُمُ اللَّهُ
 تَعَالَى مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ وَ إِنَّ كَيْدَهُ مَتِينٌ بِالْأَمَلِ الرَّجَاءِ حَتَّى
 تَوَالَدُوا فِي الْمَعْصِيَةِ وَ دَانُوا بِالْجَوْرِ وَ الْكِتَابِ لَمْ يُضْرَبْ عَنْ شَيْءٍ
 مِنْهُ صَفْحاً ضَلَالاً تَائِهِينَ قَدْ دَانُوا بِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ أَدْنُوا
 بِغَيْرِ دِينِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الضَّلَالَةِ خَوْبَةً مِنَ الْهُدَى (قَدْ بُدِّلَ فِيهَا
 مِنَ الْهُدَى) فَفَرَّوْهَا وَ عَمَّارُهَا أَخَابُ خَلْقِ اللَّهِ وَ خَلِيفَتُهُ مِنْ عِنْدِهِمْ
 جَرَّتِ الضَّلَالَةُ وَ إِلَيْهِمْ تَعَوَّدُ فَحُضُورُ مَسَاجِدِهِمْ وَ الْمَشْيُ إِلَيْهَا كُفْرٌ
 بِاللَّهِ الْعَظِيمِ إِلَّا مَنْ مَشَى إِلَيْهَا وَ هُوَ عَارِفٌ بِمِضْلَالِهِمْ فَصَارَتْ
 مَسَاجِدُهُمْ مِنْ فِعَالِهِمْ عَلَى ذَلِكَ النَّحْوِ خَرِبَةٌ مِنَ الْهُدَى عَامِرَةٌ مِنَ
 الضَّلَالَةِ قَدْ بُدِّلَتْ سُنَّةُ اللَّهِ وَ تُعَدِّتُ حُدُودَهُ وَ لَا يَدْعُونَ إِلَى الْهُدَى
 وَ لَا يَقْسِمُونَ الْفِيءَ وَ لَا يُؤْفُونَ بِذِمَّةٍ يَدْعُونَ الْقَتِيلَ مِنْهُمْ عَلَى ذَلِكَ
 شَهِيداً قَدْ آتَا اللَّهَ بِالْإِفْتِرَاءِ وَ الْجُحُودِ وَ السْتِغْنَا بِالْجَهْلِ عَنِ اللَّيْمِ وَ
 مِنْ قَبْلِ مَا مَثَلُوا بِالصَّالِحِينَ كُلِّ مَثَلَةٍ وَ سَمَّوْا صِدْقَهُمْ عَلَى اللَّهِ فَرِيَةً
 وَ جَعَلُوا فِي الْحَسَنَةِ الْعُقُوبَةَ السَّيِّئَةَ وَ قَدْ بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَيْكُمْ
 رَسُولاً مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ
 رَؤُوفٌ رَحِيمٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَنْزَلَ عَلَيْهِ كِتَاباً عَزِيزاً لَا يَأْتِيهِ

الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ قُرْآنًا
عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ
فَلَا يُلَهِّتْكُمْ الْأَمَلُ وَلَا يَطُولَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَجَلُ فَإِنَّمَا أَهْلَكَ مَنْ كَانَ
قَبْلَكُمْ أَمَدُ أَمَلِهِمْ وَتَغْطِيَةُ الْأَجَالِ عَنْهُمْ حَتَّى نَزَلَ بِهِمُ الْمَوْعُودُ. (۱)

خداوند برای هدایت و ارشاد شما پیامبرش را مبعوث به رسالت فرمود و بدانید که بعد از من دورانی خواهید داشت که در آن چیزی پنهان‌تر از حق نیست و نیز در آن زمان روشن‌تر از باطل چیز دیگری نخواهد بود. در این زمان متاعی کم ارزش‌تر از قرآن خدا در نزد این مردم نیست در صورتی که قرآن را به حق بخوانند و به آن عمل کنند، هیچ متاعی از نظر ارزش به پای کتاب خدا نمی‌رسد، اگر تحریف شود و برخلاف حق تفسیر گردد، به تحقیق، سودجویان از آن استفاده می‌کنند.

در این زمان و در میان مردم شهرها هیچ چیزی از معروف (کارهای خوب و خداپسند) زشت‌تر و منکرتر، و هیچ کاری و عملی از منکر (گناه) زیباتر نیست. در نظر مردم گمراه این زمان هیچ راهی بدتر از رفتن به راه حق نیست (پیمودن راه بندگی به معنی واقعی). در این عصر است که دانایان به قرآن آن را پس پشت می‌اندازند و نگهبانان قرآن آن را به دست فراموشی

نشانه های ظهور امام زمان

۵۳

عَلَّمَ الْقُرْآنَ
عَلَّمَ الْقُرْآنَ

می سپرند (البته در عمل نه به زبان) و هوای نفس آنها را به این سو و آن سو می کشد و این انحرافی است که آن را از پدران خود به ارث برده‌اند. آنان به دروغ قرآن را تحریف و تفسیر می کنند و حقایق آن را خلاف واقع دانسته، آن را به بهای کمی می فروشند و نسبت به آن بی رغبتند. پس قرآن و اهل قرآن در این عصر رانده شده از اجتماع هستند و در عین این که [بسیار کم‌اند و] در میان مردم از لحاظ ظاهری حضور دارند در معنا بیرون و بیگانه از این جامعه‌اند، و در حقیقت، به تبعیدشدگان شباهت دارند و کسی به آنها (قرآن و اهل آن) مکان نمی دهد (آنان را تحویل نمی گیرد). آفرین بر این دو یار موافق (یعنی قرآن و پیروان واقعی آن). در این زمان قرآن و اقلیت عامل به آن ظاهراً در میان جامعه هستند، اما در واقع بیرون از این مردم زندگی می کنند؛ زیرا راه سعادت و راه شقاوت و گمراهی یکسان نیستند اگرچه با هم در یک جا جمع شوند. مردم این زمان گرفتار جدایی و نفاق و از هماهنگی با حق بر حذرند و امور دینی و دنیوی خود را با افرادی برگزار می کنند که کارشان نیرنگ و زشتکاری و رشوه خواری و کشتار انسان‌هاست گویی خود را پیشوای قرآن می دانند و عملاً از رهبری قرآن محرومند از حق در میان آنها جز نامی و از قرآن جز جلد و کاغذ و نوشته‌های آن نمانده است. در این جامعه صدای قرآن و احکام

عَنْ مُحَمَّدٍ الْكَلْبِيِّ
قَوْلَهُ لَشَيْئَةٍ



آن برمی خیزد و بعضی به آن علاقه مند می شوند و در مجلس می نشینند، ولی آرام نگرفته از مجلس بیرون می شوند درحالی که از دین اسلام بیرون رفته اند (دیدن خلاف ها و شنیدن آن) از دین پادشاهی به مذهب حکمران دیگر می روند، همین طور از سوی این حاکم به سوی آن فرمانروا و از سوی آن حکومت به سوی حکومت دیگر و از فرمانبری حکمرانی به فرمانبری حکمران دیگر در رفت و آمدند (آری، چون پناهگاه اصلی «دین» را از دست داده اند). خداوند آنها را گرفتار استدراج خود می کند، یعنی به بدبختی و عقوبت خود می کشاند، اگرچه به ظاهر سرگرم دنیای خود هستند و به اصطلاح با خوشی زندگی می کنند و به راستی که آرزوها و امیدهای بیجا زندگی آنها را فرا می گیرد تا آنجا که فرزندان در معصیت به وجود می آورند (نسل آینده را پدید می آورند). در مقابل ناحق سر تسلیم خم می کنند و در عین حال خود را دیندار می دانند (آری، درین دلخواه اهل دنیا، نه آن دینی که خداوند فرستاده است). مساجد این مردم در این زمان از نظر ساختمان (کاشی کاری، فرش های قیمتی، بخاری، کولر و امثال اینها) آباد، اما از هدایت مردم به دین واقعی ویران است (تبلیغات درست برخلاف آنچه در واقع است پیاده می شود).

خوانندگان قرآن و آبادکنندگان مساجد زیانکارترین و

ناکام‌ترین خلق خدایند. اینان سرچشمه گمراهی‌ها هستند و بازگشت ضلالت و گمراهی نیز به سوی خود آنها خواهد بود. شرکت در مساجد اینها کفر به خداوند بزرگ است مگر برای آن افرادی که نسبت به گمراهی آنها شناخت داشته باشند.

بر اساس اعمال نادرست متصدیان امور دینی، مساجد، این پایگاه دینی، از نظر تقوا خراب و انباشته از گمراهی می‌شود و سنت‌های خداوندی را مبدل می‌سازند و حدود الهی را تغییر می‌دهند و مردم را به راه راست نمی‌خوانند و درآمد کشور اسلامی و اموال بیت‌المال را به صاحبان واقعی‌اش، یعنی مستحقان نمی‌دهند بلکه آن را در راه نامشروع و جنگ و خونریزی به مصرف می‌رسانند و در ارتباط با پناهندگان اسلام پیمان شکنی می‌کنند و کسانی را که در این مسیر ناحق از آنها کشته می‌شوند شهید می‌نامند و به خداوند افترا می‌بندند و او را انکار می‌کنند و از دانش به خاطر نادانی خود روی برمی‌گردانند در گذشته هم کسانی همچون اینان بودند که بندگان خوب خداوند را شکنجه می‌دادند و آنها را مثله می‌کردند (یعنی گوش و بینی آنها را می‌بریدند) و گفتار آسمانی و بر اساس مصلحت آن افراد را که از طرف خداوند می‌گفتند دروغ و ناحق می‌انگاشتند و در برابر کار خوب و شایسته کیفرهای ناصواب مقرر می‌کردند و حال آن‌که خداوند پیامبری را از میان شما

مبعوث کرد که نمی‌تواند رنج شما را ببیند (یعنی خوشی و رفاه شما را طالب است و همهٔ مسلمانان را دوست می‌دارد) و بر این پیامبر کتابی نازل شده است که نظیر ندارد [چون که جوابگوی تمام خواسته‌ها و نیازمندی‌های علمی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، تجاری، دامپروری، نظامی، سیاسی، اخلاقی، اجتماعی و سایر نیازهای دیگر شماست]. خداوند وعده فرموده است که باطل به هیچ نحو نمی‌تواند به قرآن حمله‌ور شود و تحریف در آن راه نمی‌یابد (از پیش رو و پشت سر، خداوند نگهبان قرآن است) و با این‌که از تمام گذشته‌ها خبر داده کوچک‌ترین خلافی در آن دیده نشده است و تاریخ دنیا نیز بر آن گواهی می‌دهد.

ابی حمزه ثمالی و امام باقر علیه السلام

فضل بن شاذان از ابی حمزه ثمالی چنین نقل می‌کند:
 «به امام باقر علیه السلام عرض کردم: خروج سفیانی حتمی است؟
 فرمودند: آری، صیحهٔ آسمانی نیز از علایم حتمی است، طلوع خورشید از مغرب حتمی است، اختلاف بین بنی عباس در رابطه، حکومت حتمی است، کشته شدن نفس زکیه حتمی است، قیام قائم آل محمد حتمی است. عرض کردم: ندای آسمانی چگونه است؟»

نشانه‌های ظهور امام زمان

۵۷

عجل الله تعالی فرجه الشریف

فرمود: اول به منادی از آسمان ندا می کند که حق با
علی علیه السلام و شیعیان اوست. در آخر وقت روز هم ندا می کند
که حق با عثمان و پیروان اوست. از شنیدن صدای دوم اهل
باطل در شک می افتند (آری، آزمایش است).^(۱)

ابوالجارود، یکی از اصحاب حضرت باقر علیه السلام می گوید آن
حضرت با آگاهی کامل از آینده قیام امام زمان فرمودند:

«زمانی که حضرت قائم قیام کند، به کوفه تشریف فرما
می شوند و بیش از ده هزار نفر از آنجا بیرون می آیند که آنها را
«بتریه» می گویند پس، به آن حضرت عرض می کنند: برگرد به
همان مکانی که بوده ای، ما نیازی به فرزندان فاطمه نداریم.
پس، شمشیر را می کشد و همه آنها را می کشد. سپس وارد کوفه
می شود و تمام افراد منافق و جنگجو را می کشد تا خداوند
متعال راضی گردد».^(۲)

مخفی ماندن نام خدا

علی بن ابیطالب فرمودند: «البته زمین از ظلم و جو پر
خواهد شد تا اندازه ای که کسی نتواند اسم خدا را بگوید مگر
آهسته و پنهانی و پس از آن خدا مردمان صالحی را می آورد که

۱. ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷.

۲. ارشاد مفید، ج ۳، ص ۳۴۷؛ نشانه های ظهور او، ص ۱۱۲.

پر کنند زمین را از قسط و عدل چنان که از ظلم و جور پر شده باشد»^(۱).

ریاست زنان و ریاست جوانان

از کتاب کافی کلینی است عبدالله بن سلیمان می گوید حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود امیرالمؤمنین فرمود: «البته زمانی خواهد آمد که مردمان فاسق و فاجر را تازه و خوب می دانند، و اشخاص پرروی شوخ را مقرب می سازند و اشخاص با انصاف را ضعیف می شمارند، یکی از حاضرین گفت در چه زمانی خواهد بود آن حضرت فرمود: زمانی که زنان و کنیزان تسلط پیدا کنند و امارات و فرمانروایی با بچه سالان باشد».

آتش در آسمان

از کتاب غیب نعمانی است که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام فرمود: موقعی که مردمان در صحرا عرفات هستند ناگهان مردی که بر شتر چابک و چالاکی سوار است می رسد و خبر مرگ خلیفه را به ایشان می دهد و در هنگام مرگ او فرج آل محمد و فرج جمیع مردم واقع خواهد شد، و آن حضرت فرمود: وقتی که علامتی در آسمان دیدید و آن علامت آتش

نشانه های ظهور امام زمان

۵۹

عجائب الالهی
فرجه السیرت

۱. امالی شیخ طوسی؛ دین اسلام در احوالات امام زمان.

بزرگی است که چند شب از طرف مشرق ظاهر می‌شود در آن هنگام فرج مردم می‌رسد و این آتش زمان کمی قبل از قیام قائم ظاهر خواهد شد.^(۱)

غربت اسلام

از کتاب کمال الدین صدوق است که امام صادق علیه السلام از پدران خود از رسول خدا روایت کرده که رسول خدا فرمود:
«الاسلام بدء غریبا و سيعود غریبا کما بدء فطوبی للغریبا»
یعنی اسلام از اول به حالت غریب شروع شد و به زودی به حالت غربت برمی‌گردد و خوش به حال غریبا (یعنی کسانی که غریب می‌شوند و در حال غربت اسلام دست از آن برندارند و ثابت قدم بمانند).

مردم گریان می‌شوند

از کتاب غیبت شیخ طوسی است محمد بن حنیفه (پسر حضرت علی علیه السلام) گفت: «از او پرسیدم (گویا مقصودش پدربرگوارشان باشد) که این مطلب کی واقع خواهد شد (یعنی ظهور امام دوازدهم) پس سر خود را حرکت داد و گفت چگونه این مطلب (به این زودی) واقع شود و حال آن‌که زمانه

عَجَلُ الْمَعَالِي
فَرِحَ الْمُسْلِمِينَ



هنوز فشار و سختی خود را وارد نساخته و برادران جفا نکرده‌اند چگونه واقع شود و حال آن‌که هنوز سلطان ظلم و ستم نکرده چگونه این مطلب واقع شود حال آن‌که هنوز آن زندیق (بی‌دین) از قزوین قیام نکرده که پرده (ناموس مردم) آنجا را بدرد (و یکفر صدورها) و حصار آن را تغییر دهد و به حجت آن را از میان ببرد».

هر کس از آن زندیق فرار کند او را چنگ می‌آورد و هر کس با او جنگ کند او را به قتل می‌رساند و هر کس از او کناره‌گیری کند فقیر شود و هر کس از او پیروی کند کافر گردد (چنان کار بر مردم سخت می‌شود) تا آن‌که مردم دو دسته می‌شوند یک دسته برای (از بین رفتن) دین خود گریه می‌کنند و دسته دیگر برای (از دست رفتن) دنیای خود گریه می‌کنند.

معرفی علما بد در آخرالزمان

از کتاب مجموعه ورام است که روایت شده: رسول خدا فرمودند در آخرالزمان علمایی می‌آیند که مردم را تشویق به زهد و بی‌ رغبتی به دنیا کنند ولی خودشان زاهد و بی‌ رغبت نمی‌شوند و مردم را ترغیب به آخرت می‌کنند ولی خودشان راغب نمی‌شوند و مردم را از معاشرت (رفت و آمد) با اولیا (و زمامداران) نهی می‌کنند و خودشان کناره‌گیری از آنها نمی‌کنند

و از فقرا دوری می کنند و ثروتمندان به خود نزدیک می نمایند
اینگونه علما جبار (متکبر) دشمن خدا می باشند.^(۱)

حال مردم آخرالزمان در کلام امام حسن عسگری علیه السلام

امام حسن عسگری علیه السلام فرمودند: «زمانی به مردم می رسد
که صورت های ایشان شاد و خندان می باشد و قلب های آنها
تاریک و غصه دار است سنت (یعنی راه و رسم دین) در میان
ایشان بدعت است (یعنی کاملاً با آن مواظبت می کنند) مؤمن در
میان ایشان حقیر است و فاسق (یعنی گنهکار) در میان ایشان
محترم است. امیران (و زمامداران) ایشان جاهل و ستمکاران و
علما ایشان به درب خانه ظالمین رفت و آمد می کنند اغنیا آنها
زاد (قوت) فقرا را می دزدند (یعنی زکات که حق فقرا و قوت
فقرا است نمی دهند و مانند آن است که مال آنها را بدزدی بوده
باشند) و کوچک تران بر بزرگتران تقدم می جویند (یعنی خود را
بهتر و مقدم بر آنها می دانند) هر جاهلی نزد ایشان خبیر و با
اطلاع به شمار می رود و هر حيله گری نزد ایشان فقیر است.»^(۲)

حریص شدن مردم به اموال دنیا

امیرالمؤمنین فرمودند: «زمان سختی به مردم می رسد که

عبداللہ العالی
ترجمہ اشرف



۱. خلاصه ای از مطالب دین اسلام در احوالات امام زمان.

۲. مستدرک الوسایل.

ثروتمندان مال دنیا را محکم برای خود نگهداری می کنند در صورتی که به این کار مأمور نیستند خداوند عالمیان فرموده: ﴿وَلَا تَسْوَأُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ﴾^(۱) یعنی فراموش نکنید که زیادی مال را در ما بین خودتان به یکدیگر بدهید (یعنی آن را از جهت حرص بر مال زکات و خمس و حقوق واجب و مستحب مال خود را نمی دهند و یا دست و دندان محکم آن را گرفته اند) مردمان بد را در آن زمان بلند مرتبه می کنند و مردمان خوب و نیکوکار را خوار و بی مقدار می شمارند و با درماندگان و بیچارگان (که می خواهند اثاث خود را از روی بیچارگی بفروشند) معامله می کنند در صورتی که رسول خدا از معامله مضطربین نهی فرموده است (یعنی باید به آنها کمک احسان کرد نه این که اثاث آنها را به قیمت یا کمتر از قیمت خریداری کرد).^(۲)

حال زنان در آخرالزمان

امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«در آخر زمان و موقع نزدیک شدن ساعت (یعنی ساعت ظهور امام) و آن زمان بدترین زمانهاست ظاهر می شوند زنانی

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۷.

۲. نهج البلاغه.

که سر و صورتشان باز است و تنشان برهنه است و باز نیست و آرایش خود را جلوه می‌دهند. و از دین خدا بیرون رفته‌اند و در فتنه‌ها (یعنی در امور جامعه) داخل می‌شوند و به شهوات راغب می‌باشند و به سوی لذت‌ها شتاب و سرعت می‌کنند و حرام‌های دین خدا را حلال می‌شمارند (اینگونه زنان) همیشه در جهنم مخلد خواهند بود (خلاصی نخواهند داشت).^(۱)

وای بر شهر ری از دو طرفش

در کتاب چهاردهم بحار الانوار علامه مجلسی است که عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام پرسید بلاد جبل کجاست که روایت به ما رسیده که وقتی امر امامت به شما بازگشت کند بعضی از آن به زمین فرومی‌رود آن حضرت فرمود در آن بلاد جبل موضعی هست که آن را دریا می‌گویند و قم نامیده می‌شود و آنجا معدن شیعیان ما می‌باشد.

اما (شهر) ری پس وای بر آن (از صدمه‌ای که) از دو طرفش (به آن) می‌رسد و این (و امانی) که در ری هست از جهت قم و اهل قم می‌باشد. از آن حضرت پرسیدند دو طرف ری کجاست فرمود: یکی بغداد و دیگری خراسان است شمشیر (و جنگ) اهل بغداد و خراسان در آنجا به یکدیگر خواهد

نشانه‌های ظهور امام زمان

رسید و خداوند تعجیل در عقوبت (و عذاب) اهل ری می کند و آنها را هلاک خواهد کرد پس اهل ری پناه به قم می برند و اهل قم آنها را جای می دهند و بعد از آن منتقل به موضعی می شوند که در دستان نامیده می شود.^(۱)

امام حسین و ظهور امام زمان

محمد بن صامت می گوید:

«از امام حسین علیه السلام پرسیدم: آیا برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام نشانه‌هایی هست؟ فرمود: آری. عرض کردم: چیست؟ فرمودند: هلاکت بنی عباس، قیام سفیانی (از شام) و فرو رفتن در سرزمین پیدا (نزدیکی مکه معظمه لشکریان سفیانی به زمین فرو می روند). عرض کردم: فدایت شوم، می ترسم این امر به طول انجامد. فرمودند: این سه نشانه منظم یکی بعد از دیگری خواهد آمد.»^(۲)

عمیره بنت نفیل از امام حسن یا از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمودند:

«امری که [به آن] چشم دوختید (ظهور مهدی ما) محقق نخواهد شد مگر بعد از به وجود آمدن نشانه‌های زیر:

نشانه های ظهور امام زمان

۶۵

عَنْ عَمِّ السَّيِّدِ
عَنْ عَمِّ السَّيِّدِ

۱. کتاب تاریخ قم.

۲. عقد الدرر، ص ۴۹.



۱. بیزاری جستن مؤمن و مسلمان از برادر خویش.
 ۲. آب دهان به صورت یکدیگر می اندازند.
 ۳. بعضی شهادت بر کفر بعضی دیگر می دهند.
 ۴. بعضی از مسلمانان دیگری را لعن می کنند.
- می گوید: عرض کردم: پس خیری در این زمان نخواهد بود؟
- فرمودند: این طور نیست، تمام خیرات و خوبی ها در این زمان است. چون قائم ما قیام می کند و تمام صفات مذمومه ذکر شده را از بین می برد.^(۱)

پیشرفته شدن وسایل

انتقال صدا و تصویر و همگانی شدن آن

از امام صادق علیه السلام نقل می کنند که ایشان فرمود: هنگامی که قائم ما قیام کند خداوند آنچه را گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنها و قائم (رهبر و پیشوای ایشان) نامه رسان نخواهد بود.

با آنها سخن می گوید و سخنش را می شنوند و او را می بینند در حالی که او در مکان خویش است (و آنها در نقاط

دیگر جهان).^(۱)

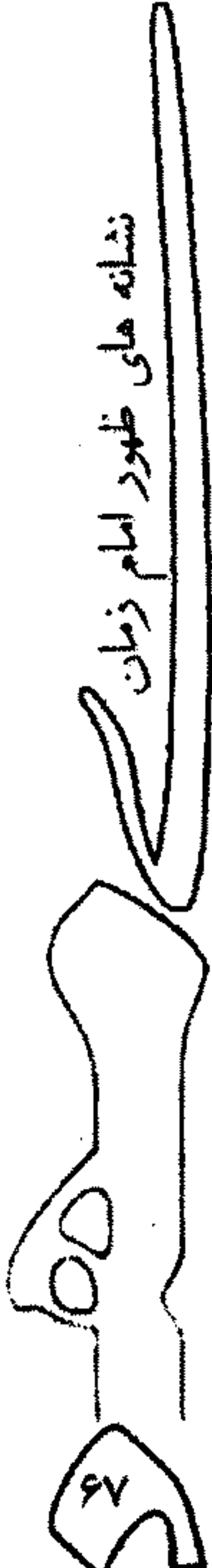
یعنی وسایل انتقال «صدا» و «تصویر» به طور همگانی و ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می‌گیرد آنچنان که چیزی به نام اداره پست در عصر حکومت او شیئی زائد محسوب می‌گردد. و مسائل جاری این حکومت، بدون نیاز به کاغذبازی، آنچنان که راه و رسم دنیای امروز است و شاید نیمی از وقت و نیروی انسانی را تلف کرده و گردش همه کارها را کند می‌سازد و رسیدن حق را به حق داران به تأخیر می‌اندازد حل و فصل می‌شود. امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مؤمن در زمان قائم درحالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می‌بیند. همچنین کسی که در غرب است برادرش را در شرق می‌بیند.»^(۲)

ظاهر شدن برکات زمین و گنج‌های آن

در زمان ظهور امام زمان هم مسأله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می‌رسد و هم تمام منابع زیرزمینی کشف و مورد استفاده قرار می‌گیرد و درآمد سرانه افراد آنقدر بالا می‌رود که در هیچ جامعه‌ای فقری پیدا نمی‌شود و همه به سر

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱. روضه کافی.

۲. منتخب الاثر، ص ۴۸۳.

حدّ بی‌نیازی و خودکفایی می‌رسند.

بی‌شک اجرای اصول عدل و داد و جذب نیروهای انسانی به مسیرهای سازنده، چنین اثری را خواهد داشت زیرا گرسنگی و فقر و نیازمندی بر اثر کمبودها نیست بلکه نتیجه مستقیم و غیر مستقیم مظالم و تبعیض‌ها و بیدادگری‌ها و تلف شدن نیروها و هدر دادن سرمایه‌هاست. در حدیثی که در منابع اهل تسنن آمده است از ابوسعید خدری چنین نقل شده که: رسول خدا فرمود: «شمارا به ظهور مهدی علیه السلام بشارت می‌دهم. زمین را پر از عدالت می‌کند همان گونه که از جور و ستم پر شده است. ساکنان آسمان‌ها و ساکنان زمین از او راضی می‌شوند و اموال و ثروت‌ها را صحیح تقسیم می‌کند».

کسی پرسید: معنی تقسیم صحیح ثروت چیست؟

فرمود: «به طور مساوی در میان مردم».

سپس فرمود: «و دل‌های پیروان محمد را پر از بی‌نیازی می‌کند و عدالتش همه را فرامی‌گیرد تا آنجا که دستور می‌دهد کسی با صدای بلند صدا زند: هر کس نیاز مالی دارد برخیزد. هیچ کس جز یک نفر برنمی‌خیزد». سپس در ذیل حدیث می‌خوانیم که امام دستور می‌دهد، مال قابل ملاحظه‌ای به او بدهند، امام او به زودی باز می‌گردد و پشیمان می‌شود که چرا

عَمَلٌ لِّلْمُتَّقِينَ
فِي جَنَّاتٍ أَسْفَلِ السَّمَاوَاتِ



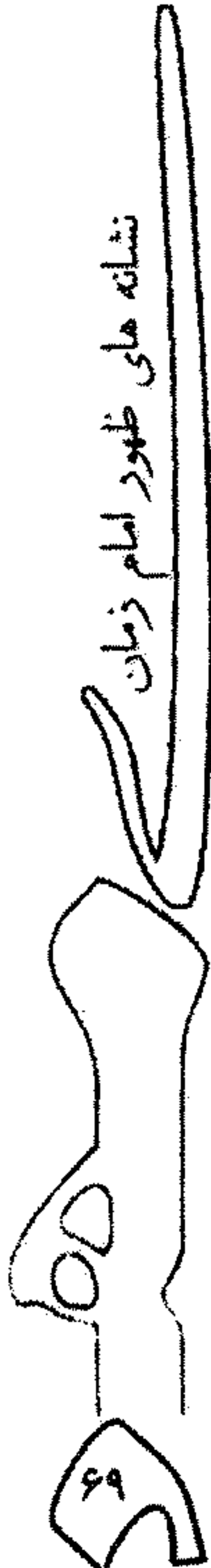
آزمند و حریص بوده است.^(۱)

آباد شدن شهرها و وسیع شدن جاده‌ها و مساجد

در روایات و اخبار آنچه مورد بهره قرار می‌گیرد این است که در زمان حکومت امام زمان شهرهای بسیار وسیع و آباد جاده‌های وسیع و مساجد بزرگ (اما ساده و بدون زرق و برق) ساخته خواهد شد و نظارت کاملی بر طرز ساختمان خانه‌ها، به گونه‌ای که کمترین مزاحمتی برای مردم دیگر نداشته باشد می‌کند. در حدیثی از امام صادق علیه السلام می‌خوانیم در پشت کوفه مسجدی بنا می‌کند که یک هزار در دارد، و خانه‌های کوفه به نهر کربلا و حیره می‌رسد.^(۲)

می‌دانیم فاصله میان این دو شهر هم اکنون بیش از ۷۰ کیلومتر است از امام باقر علیه السلام می‌خوانیم: «هنگامی که قائم قیام می‌کند مساجد در عصر او همگی دارای دیوارهای کوتاه و بدون کنگره خواهد شد همان گونه که در عصر رسول خدا بود. جاده‌های بزرگ و اصلی را توسعه می‌دهد و به ۶۰ ذراع می‌رسد. و تمام مساجدی را که در مسیر قرار دارند (و مزاحم مردم هستند به فرمان او) خراب می‌شود. و تمام دریچه‌ها و

نشانه‌های ظهور امام زمان



عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
عَنِ الشَّيْخِ

۱. انورالابصار فی مناقب آل بیت النبی المختار، ص ۱۵۷-۱۵۶.

۲. بحارالانوار، ج قدیم، ج ۱۳.



روزنه‌هایی که به راه‌ها گشوده می‌شود (و مزاحم عبور و مرور مردم است) ویران می‌سازد و بالکن‌های (مزاحم) و فاضل آب‌ها و ناودانی‌هایی که در راه (عبور مردم) باز می‌شود می‌بندد.^(۱) و نیز در حدیثی طولانی از امام صادق نقل شده که فرمود: «او کوفه را ۵۴ میل توسعه می‌دهد تا آنجا که عمارات آن به کربلا می‌رسد، و کربلا مرکز و کانون بسیاری از فعالیت‌ها می‌گردد.»^(۲)

فراگیر شدن دانش و حکمت و پیشرفت علمی

در زمان حکومت مهدی موعود آن حضرت به همه مردم دانش و حکمت می‌آموزند تا آنجا که زنان در خانه‌ها، با کتاب خدا و سنت رسول خدا قضاوت می‌کنند و قدرت عقلی توده‌ها تمرکز می‌یابد و مهدی به تأیید الهی، خرده‌های مردمان را به کمال می‌رساند و فرزاندگی را در همگان پدید می‌آورد.^(۳) از نظر علمی بشر به قدری ترقیمی‌کند که مسافرت به آسمان‌ها معمول خواهد شد. چون در حدیث دارد که علم و دانش ۲۷ فرمول است که ۲۵ حرف را امام زمان رایج خواهد کرد و بشر با تمام

۱. بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۸۶.

۲. همان، ص ۲۰۳.

۳. خورشید مغرب، ص ۳۸.

توقیات شگفت انگیزش دو حرف را کشف کرده است.

پرنده‌ها هم به امامت مهدی گواهی می‌دهند

امام علی علیه السلام می‌فرماید: ^(۱)

«مردی از فرزندان حسن با ۱۲ هزار سوار مجهز به دانش و ایمان و سلاح به حضرت مهدی می‌پیوندد و می‌گوید: عموزاده گرانقدر! شاید من از تو برای برانداختن ستم و بیداد و برقراری حق و عدالت برازنده‌تر باشم چرا که من از فرزندان حسن هستم و شما از فرزندان حسین و حسن بزرگ‌ترید.

امام مهدی علیه السلام پاسخ می‌دهد: من همان مهدی موعود هستم مرا نمی‌شناسی؟ او پاسخ می‌دهد: آیا بر صداقت گفتارت و اطمینان قلبی ما، نشانه یا معجزه و یا علامتی داری؟

حضرت مهدی علیه السلام به پرنده‌ای که در هوا در حال پرواز است می‌نگرد و پرنده با اشاره حضرت بر روی کف دست آن زرگوار فرود می‌آید و به قدرت آفریدگارش به امامت حضرت لی عصر گواهی می‌دهد.

آنگاه چوب خشکی را در گوشه‌ای از زمین خشک غرس کند و در دم سبز و پر طروات می‌گردد و به برگ و بار نشیند.



نشانه های ظهور امام زمان

عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ السَّمْعَانِيِّ

ملاحم بن طاووس، ص ۱۰۴؛ معجم احادیث الامام المهدی، ج ۳، ص ۲۷۰.



پس تخته سنگی را از صخره‌ای برمی‌دارد و آن را به دست توانای خویش می‌فشارد و پودر می‌کند و پس از آن خمیر می‌سازد و به سان شمع نرم می‌کند و جوانمرد «هاشمی و حسنی» حق طلبانه به پا می‌خیزد و می‌گوید: راستی که پیشوایی و کاروانسالاری امت و نجات تمدن و جامعه بشری در توان تو و زیباییه توست.

و آنگاه همه امکانات را تسلیم امام زمان می‌کند و سپاه خویش را تحت پرچم امام مهدی علیه السلام و فرماندهی او قرار می‌دهد.^(۱)

روایات در مورد خورشید گرفتگی و ماه گرفتگی

۱. امام باقر علیه السلام فرمود:

«دو نشانه جوی اندکی پیش از ظهور امام زمان در آسمان رخ می‌دهد؛ یکی گرفتن ماه در ۲۵ ماه و دیگری گرفتن خورشید در ۱۵ ماه فرآیند و حادثه جوی از فرود آدم به زمین تا کنون و تا هنگام رخداد، بی‌سابقه است و در آن هنگام که حساب ستاره شناسان و کیهان شناسان به هم می‌خورد».^(۲)

۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۵؛ معجم احادیث المهدی، ج ۳ و امام مهدی، ص ۵۰۳-۵۰۴.

۲. اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵؛ امام مهدی، ص ۵۰۵.

۲. از بدر بن خلیل اسدی آورده‌اند که گفت:

«نزد امام باقر بودم که از دو نشانه و علامت که پیش از قیام قائم پدیدار می‌گردد یاد کرد و فرمود:

دو نشانه است که از زمان آدم تا کنون بی‌سابقه است و تنها پیش از ظهور قائم پدید می‌آید و آن دو عبارتند از: گرفتن خورشید در نیمه‌ماه رمضان و گرفتن ماه، در آخر آن ماه، مردی که در آنجا بود، گفت: سرورم! ... نه! خورشید در آخر ماه می‌گیرد و ماه در وسط آن.

حضرت فرمود: آنچه تو می‌گویی درست است جریان طبیعی این گونه است اما این دو نشانه جوی ظهور مهدی همان است که گفتم و از زمان آدم تا هنگامه ظهور بی‌سابقه است»^(۱).

نشانه‌های مختلف

روزی امیرالمؤمنین علی بر فراز منبر رفت و خطاب به مردم فرمود:

«هان ای مردم! من پدر مهدی، همان قائم نجات بخشی هستم که واپسین حرکت تاریخ، به فرمان خدا برای اصلاح زمین و زمان به پا می‌خیزد. مالک اشتر به پا خاست و گفت: سالار ما! چه زمانی آن قائم شما قیام می‌کند؟

۱. غیبت شیخ طوسی؛ غیبت نعمانی و معجم احادیث المهدی.

نشانه‌های ظهور امام زمان



عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي
عَلِيٍّ

حضرت شروع کرد به شمردن نشانه‌های هنگام قیام و

ظهور امام زمان و از آن جمله فرمود:

.... وای بر شهر ری و کشتار سهمگین و به اسارت رفتن

زنان و سربریده شدن کودکان و اعدام مردان و فجایعی که در

آن روی می‌دهد.

وای بر جزیره «قیس» از شرارت عنصر هولناکی که با سپاه

خود در آنجا پیاده می‌شود، همه ساکنان آنجا را می‌کشد و یا

ترور می‌نماید.

به هوش باشید وای بر اهل بحرین از رخدادهایی که از هر

سو و هر مکانی یکی پس از دیگری در آن پدید می‌آید و در

نتیجه، بزرگان و مردان آن کشته می‌شوند و کودکانش اسیر

می‌گردند».

در اینجا هفت حادثه، یکی پس از دیگری رخ می‌دهد.

۱. حادثه اول، در جزیره‌ای از آن که در شاخ شمالی آن

قرار دارد و «سماهیچ»^(۱) نام دارد.

۲. حادثه دوم در نزدیکی شاخ شمال غربی آن.

۳. حادثه سوم میان «أبله»^(۲) و مسجد.

۴. حادثه چهارم میان کوه بلند و دو بلندی معروف به کوه

عَنْكَرُ الْعَالِي
قُرْبَهُ الشَّيْءُ



۱. نام یکی از بلاد بحرین است.

۲. نام محله‌ای است در چهار فرسخی بصره که اکنون جز شهر گردیده.

«حنوه».

۵. سپس به کرخ روی می آورد.

۶. حادثه ششم میان جنگل‌ها و درختان سدر طرف شط

«ماحی».

۷. بزرگ‌ترین این رخدادها در نقطه‌ای به نام «حورتین».

و علامت این رخدادها این است که یکی از سران عرب

در خانه‌اش در ساحل جزیره کشته می‌شود و سرش به دستور

حاکم آن جزیره، بریده می‌شود و آنگاه عرب به سوی او یورش

می‌برند و در نتیجه، مردان کشته می‌شوند و ثروت‌ها به غارت

می‌رود و از پی این هرج و مرج و آشفتگی‌هاست که عجم بر

عرب می‌شورد.

به هوش باشید! وای بر اهل «خطه» از رخدادهای گوناگون

و پیایی که در آن رخ می‌دهد.

اولین آنها در بطحا^(۱) رخ می‌دهد، حادثه دوم در دبیره^(۲)

حادثه سوم در صفصف^(۳) حادثه چهارم در ساحل آن و پنجمین

نشانه های ظهور امام زمان



عَمَّانُ الْمَعَالِي
قُرْبَةُ السَّبِيحَاتِ

۱. نام یکی از بخش‌های بطیحه است که میان واسطه و بصره قرار گرفته.

۲. نام روستایی در بحرین است.

۳. نام یکی از دره‌های شهر افکان است که منسوب به یعلی بن محمد است مراصد

اطلاع.



در بازار قصاب‌ها، ششم در شاهراه آن، هفتم در میان زراخه^(۱)
هشتم در جرّازه^(۲) و حادثه دیگر در مدارس و دیگری در
تاروت.^(۳)

به هوش باشید! وای بر حال بغداد از مرگ و کشتار و
هراسی که از ری به سوی آن متوجه می‌گردد و همه اهل آن را
فرامی‌گیرد، آنگاه که شمشیر در میان آن فرود می‌آید و آنچه
خدا بنخواهد کشته می‌شود.

و از نشانه‌های آن، از جمله این است: آنگاه که حکومت
روم ضعیف گردد و عرب بر آنجا سیطره یابد و فتنه‌ها به سان
راه یافتن مورچه در میان مردم راه یابند، عجم در آن شرایط بر
ضدّ عرب شورش می‌کند و بصره را می‌گیرد.

به هوش باشید! وای بر فلسطین و آنچه از فتنه‌های طاقت
فرسا و سهمگین که در آن واقع می‌گردد.

به هوش باشید! وای بر جهانیان و فتنه‌ها و رنج‌هایی که در
آن زمان همه کشورها از غرب گرفته تا مشرق و شمال تا
جنوب، همه جا را می‌گیرد، برخی بر برخی مسلط می‌گردند و
جنگ‌های پایان ناپذیر بر جهانیان سایه می‌افکند، همه اینها به

۱. نام محله‌ای است در هر لیبید، مراصد اطلاع، ج ۲، ص ۶۶۱.

۲. نام یکی از بخش‌های بطیحه است که میان واسطه و بصره قرار گرفته.

۳. ظاهراً صحیح آن تاران است که اسم یکی از جزایر دریای سرخ است.

خاطر عملکرد ظالمانه خود مردم است و پروردگارت به
بندگانم ستم روا نمی‌دارد.^(۱)

جنبش اصلاح طلبانه شخصیت یمنی

یکی دیگر از نشانه‌های قطعی ظهور امام زمان جنبش
اصلاح طلبانه شخصیت «یمنی» است. نام و داستان شخصیت
یمنی در روایات بسیاری و در شمار نشانه‌های قطعی ظهور،
آمده است اما چیزی که باعث تأسف بسیار است، این است که،
روایات مورد نظر به دلیل اختصار از معرفی کامل او ناتوان
است و ما نیز در این مورد تنها به ترسیم یک روایت بسنده
می‌کنیم.

از امام باقر علیه السلام آورده‌اند که ضمن روایتی طولانی در این
مورد از جمله فرمود: «خروج سفیانی و شخصیت یمنی و سید
خراسانی در یک سال، یک ماه و یک روز خواهد بود و درست
به سان دانه‌های تسبیح، یکی پس از دیگری خواهد آمد. در
آستانه ظهور حجت هیچ پرچمی هدایت یافته‌تر از پرچم
شخصیت یمنی نخواهد بود.

پرچم او، پرچم هدایت و درستی است چرا که او مردم را
به امام زمان دعوت می‌کند، هنگامی که این شخصیت اصلاح‌گر



۱. الزام الناصب، ج ۲، ص ۱۹۱-۱۸۹؛ امام المهدی، ص ۵۱۵-۵۱۳.

خروج می کند فروختن سلاح را تحریم می نماید.

هنگامی که او به پا خاست با او به پا خیزید چرا که اگر پرچم هدایت و عدالتی را دیدید روی گردانی از آن برای مسلمان، شایسته و مشروع نیست از این رو، هر کس از پیوستن به جنبش مرد یمنی سرباز زند، اهل آتش خواهد بود چرا که او به حق فرامی خواند و به راه مستقیم و بی انحراف دعوت می کند.^(۱)

ندای آسمانی

ندا، یا خروج آسمانی، از بارزترین نشانه‌ها و روشن‌ترین علامت‌ها و نیرومندترین دلایل و براهین، بر ظهور دگرگون‌ساز و نجات بخش حضرت مهدی علیه السلام است.

این خروج و ندای آسمانی، به سان اعتراف آسمان و آسمانیان به حقانیت قیام قائم و اثبات واقعیت عظیم و پرشکوهی است که قرآن شریف و پیامبر گرانقدر اسلام و خاندان پاک و پاکیزه‌اش از آن نوید داده‌اند.

یکی از آن خروج آسمانی، ندایی است که در زمان ظهور مهدی موعود به گوش همه اهل عالم می‌رسد، و جالب این که هر جامعه‌ای ندای آسمانی را به زبان و لغت خودش می‌شنود.

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَلَيْهِ السَّلَامُ



۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۲؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۵ و امام‌المهدی، ص ۵۵۸.

ولی آنچه که حایز اهمیت است این است که نداهای آسمانی طبق روایات و احادیث به دست آمده متعددند و از نظر قالب و روح با هم تفاوت دارند و هم این که زمان طنین افکند نشان هم با هم فاصله دارند.

اولین ندایی که از آسمان به گوش‌ها خواهد رسید در ماه رجب طنین افکن می‌شود.

دومین و سومین ندا به ترتیب در ماه رمضان و ماه محرم شنیده می‌شود.^(۱)

روایات

۱. امام صادق علیه السلام درباره ندای آسمانی می‌فرماید: «الصيحة التي في شهر رمضان تكون ليلة الجمعة، لثلاث و عشرين مَضِين من شهر رمضان».^(۲)

یعنی: آن خروش آسمانی که در ماه رمضان پیش از ظهور طنین می‌افکند در شب جمعه، شب ۲۳ رمضان خواهد بود.

۲. ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام پرسید که: «فَكَيْفَ يَكُونُ النُّدَاءُ؟»

آن ندای آسمانی چگونه خواهد بود؟

۱. امام المهدی، ص ۵۲۱.

۲. اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

حضرت فرمود:

«نداکنده‌ای، در آغاز روز از آسمان ندایی سر می‌دهد که هر جامعه و ملتی به زبان و فرهنگ خویش آن را می‌شنود. ندا این است: جهانیان به هوش باشید که حق با علی و در راه و رسم علی و شیعیان حقیقی آن گرامی است. آنگاه ابلیس در عصر همان روز ندا می‌دهد که: مردم! به هوش باشید که حق در راه و رسم سفیانی و پیروان اوست. و اینجاست که باطل گرایان به آفت شک و تردید گرفتار می‌گردند.»^(۱)

۳. امام باقر علیه السلام درباره ندای آسمانی می‌فرماید:

«نداکنده‌ای از آسمان به نام قائم آل محمد ندا می‌دهد و همه کسانی که در شرق و غرب عالم هستند می‌شنوند، خفته‌ای نمی‌ماند جز این که بیدار می‌گردد و ایستاده‌ای جز این که می‌نشیند و نشسته‌ای جز این که وحشت‌زده به پا می‌خیزد. پس درود خدا بر کسانی که از آن ندای آسمانی پند و اندرز گیرند چرا که نداگر اول جبرئیل است و ندا، ندای اوست.»

آنگاه فرمود: «این ندا، در ماه مبارک رمضان، شب جمعه و در شب ۲۳ ماه خواهد بود از این رو در آن تردید نکنید، آن را



۱. غیبت شیخ طوسی، ص ۲۶۶؛ اکمال الدین، ج ۲ و بحار الانوار، ج ۵۲.

باشنویید و اطاعت کنید و در پایان روز ندای ابلیس طنین می‌افکند که می‌گوید:

به هوش باشید که فلانی مظلوم کشته شده.

تا بدین وسیله بذر تردید بیفشند و مردم را به فتنه افکند و آن روز تردیدکنندگان حیرت زده‌ای که به آتش دوزخ سقوط کنند، بسیارند بنابراین، هنگامی که ندای آسمانی را در ماه رمضان شنیدید در آن تردید نکنید چراکه ندای فرشته امین است و علامت آن این است که به نام قائم و پدر گرانقدرش ندا می‌دهد، ندایی که دوشیزگان در سراپرده خویش آن را می‌شنوند و پدران و برادران خویش را برای حرکت از خانه و پیوستن به امام تشویق می‌نمایند آنگاه فرمود این دو ندا به ناگزیر پیش از ظهور قائم خواهد بود»^(۱).

۴. امام رضا علیه السلام فرمود:

«در ماه رجب سه ندا از آسمان طنین می‌افکند.

یکی می‌گوید: به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران

است.

دومی می‌گوید: هان ای مؤمنان! آن حادثه نزدیک شونده

نزدیک شد.

و سومی می‌گوید: خداوند آن گرامی را فرمان ظهور داده

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
عَنِ ابْنِ سَعْدٍ

۱. غیبت نعمانی، ص ۲۵۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۰ و امام المهدی، ص ۵۲۳.

است، پس سخنان او را بشنوید و فرمان او را گردن نهید»^(۱).

۵. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«جبرئیل در ندای خویش می گوید: هان ای بندگان خدا! آنچه می گویم بشنوید، این مهدی آل محمد است که از مکه ظهور کرده است، او را پاسخ گوید و فرمانش را اطاعت کنید»^(۲).

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



علی و خطبة مشهور بیان

امیرالمؤمنین در خطبة مشهورش به نام «بیان» که برخی از رخدادهای و فتنه های آینده را ترسیم می کند، که فرازهایی از آن را می آوریم:

به هوش باشید! وای بر کوفه! این شهر و دیار شما و آنچه در واپسین حرکت تاریخ و آخرالزمان در آستانه ظهور مهدی، از سفیانی بر آن وارد می گردد.

او از ناحیه «هَجْر» (شهری در یمن) با سپاهی گران که سرکرده های قوی هیکل و درشت خو و سیاه پوست که حرف نخست نامش «شین» است و آن سپاه سفاک در فرماندهی می کند، وارد شهر شما می گردد.

۱. غیت شیخ طوسی؛ بحار الانوار، ج ۵۲.

۲. الزام الناصب.

وای بر کوفه! و از فرود او به خانه‌های شما! او حریم شما را غاصبانه مالک می‌شود و کودکانشان را بی‌رحمانه سر می‌برد و به زنانتان بی‌شرمانه اهانت روا می‌دارد. عمر او طولانی و شرارت او بسیار و جنگجویان او به سان شیر درنده و بی‌باکند. آگاه باشید که سفیانی سه بار به بصره یورش می‌برد و وارد آنجا می‌گردد. عزیزان آن سرزمین را به ذلت می‌کشد و زنانش را به اسارت.

نشانه خروج سفیانی، اختلاف سه پرچم و برخورد آنهاست.

پرچمی از مغرب که وارد مصر می‌گردد و در آنجا جنایات بسیاری مرتکب می‌شود. و پرچمی از بحرین از جزیره اوال از سرزمین فارس به اهتزاز و پرچمی از شام.

این فتنه، یک سال ادامه خواهد یافت و پس از آن مردی از فرزندان عباس خروج می‌کند و اهل عراق می‌گویند: گروه پابرهنگان یا بیدادگران و اصحاب آرا مختلفه آمدند.

اهل شام و فلسطین دچار دلهره می‌گردند و به سوی سردمداران شام و مصر روی می‌آورند و به آنان گفته می‌شود. شما بروید و پسر فرمانروا یعنی سفیانی، را بخواهید و او را یاری بطلبید.

آنان سفیانی را دعوت می‌کنند و او با خواست آنان موافقت

نشانه های ظهور امام زمان



عجلت تعالی
فرجه الشریف



می نماید و در نقطه‌ای از دمشق به نام حرستا (روستایی در مشرق غوطه) فرود می آید و همه دایسی‌ها و بستگان فکری خویش را در آنجا گردمی آورد و در بیابان خشک که منطقه‌ای از دمشق است، گروه‌های متعددی طرفدار دارد که به او می پیوندند.

سفیانی دعوت آنان را اجابت می کند و روز جمعه به همراه همه آنان در دمشق به مسجد می رود و برای نخستین بار بر فراز منبر قرار می گیرد.

و در نخستین منبر خویش آنان را دعوت به جهاد می کند و آنان نیز با شنیدن سخنانش با او دست بیعت می دهند که دستورات او را، خواه مطابق میل باشد یا نباشد، نافرمانی نکنند. سپس به نقطه‌ای به نام غوطه (باغ‌هایی که دمشق را احاطه کرده‌اند) می رود و همه مردم برگرد او اجتماع می کنند و اینجاست که سفیانی در رأس گروه‌هایی از مردم شام، خروج می کند و سه پرچم به اختلاف می پردازند.

۱. پرچمی از ترک و عجم که سیاه رنگ است.

۲. پرچمی زرد رنگ که پرچم فرزندان عباس است.

۳. پرچمی از سفیانی و سپاه او.

در نقطه‌ای به نام «بطن ازرق» پیکار سختی در میان آنان

رخ می دهد و شصت هزار کشته بر زمین می ماند و سفیانی

پیروز می‌گردد و مردم بسیاری را قتل عام می‌کند و سرزمین و مراکز قبایل را به تصوف درمی‌آورد و در میان آنان نخست عادلانه رفتار می‌کند به گونه‌ای که می‌گویند: هر آنچه از بیدادگری سفیانی به ما گزارش شده بی‌اساس است.

اما به خدای سوگند! آنان دروغ می‌گویند و نمی‌دانند که امت محمد از شرارت و شقاوت سفیانی، به چه فاجعه و بیدادی گرفتار می‌گردد. چرا که اگر می‌دانستند چنین پندار ساده لوحانه‌ای در مورد او نداشتند و او را عدالت خواه نمی‌گفتند.

به هر حال او کوتاه مدتی با آنان خوشرفتاری می‌کند و عدالت را پیشه می‌سازد، آنگاه نخستین حرکت او آغاز می‌گردد که به سوی حمص (شهری که میان دمشق و حلب، واقع شده است) که مردم آن در سخت‌ترین شرایط روزگار می‌گذرانند، می‌رود از فرات عبور می‌کند و به دروازه مصر می‌رسد و به نقطه‌ای که قریه سبا قرار دارد.

در آنجا رخدادهای عظیم و پیکار سهمگینی خواهد داشت که خبر آن همه جا منتشر می‌گردد و دل‌ها از خشونت و شقاوت او لبریز از ترس و دلهره می‌گردد و شهرها یکی پس از دیگری، در برابر او سقوط می‌کند. سپس مستانه و مغرورانیه به دمشق باز می‌گردد و مردم به او نزدیک می‌شوند و او سپاهی گران به سوی مدینه گسیل می‌دارد و سپاهی دیگر به سوی مشرق، در

نشانه‌های ظهور امام زمان



عجائب الالهی
فی حقه السیرت



نشانه های ظهور امام زمان

بغداد ۷۰ هزار نفر را قتل عام می کند و شکم ۳۰۰ زن باردار را می شکافد. و آنگاه سپاه او به کوفه می رسد، چه اشکها از چشمان مرد و زن، جاری می شود.

اما سپاهی را که به سوی مدینه گسیل داشته است، هنگامی که به بیابان خشک و سوزانی می رسد، با خروش سهمگین جبرئیل روبرو می گردد و همه آنان جز دو تن را، زمین به فرمان خدا فرو می برد.

گروهی از شریف ترین فرزندان پیامبر از شرارت او به روم می روند و سفیانی از رهبر روم می خواهد که بردگان او را، به کشورش بازگشت دهد و او نیز آنان را دستگیر و بازگشت می دهد و سفیانی دستور می دهد گردن آنان را در گذرگاه شرقی مسجد جامع دمشق بزنند. و کسی هم بر این دستور بیدادگرانه چون و چرا نمی کند. آگاه باشید که از نشانه آن، تجدید حلقه ها و دیوارهای حفاظتی بر دور شهرهاست.

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: «دیوار دفاعی شام تجدید ساختمان می گردد، بر دور شهر «عجور» و حرآن^(۱) و بر شهر واسط^(۲) و بیضا دیوار دفاعی ساخته می شود بر اطراف کوفه زنجیره ای از دو دیوار دفاعی

۱. شهری است بزرگ از نواحی سودان.

۲. شهری است بین بصره و کوفه.

بنیاد می‌گردد. همین گونه بر شوشتر، ارومیه، موصل و همدان.
رقه^(۱) سرزمین تونس حمص و... هر کدام دیوار دفاعی یا
پایگاه‌های نظامی و امنیتی ایجاد می‌گردد.

هان ای مردم! به هوش باشید، آنگاه که سفیانی ظاهر گردد
رخدادهای سهمگینی روی خواهد داد. نخستین رخداد در
حمص خواهد بود به دنبال آن در حلب سپس در رقه، آنگاه به
ترتیب در سبا، رأس العین^(۲) نصیبین^(۳) و موصل، رویدادهای
عظیمی روی می‌دهد. سفیانی ۶۰ هزار نفر از مردم را به خاک و
خون می‌کشد. او همواره به کشتار خویش ادامه می‌دهد، به ویژه
هر آن کس که نامش محمد، علی، حسن، حسین، فاطمه، جعفر،
موسی، زینب، خدیجه و رقیه باشد و نشانی از دوستی خاندان
وحی و رسالت در او دیده شود، بی‌رحمانه و به خاطر کینه و
عداوتی که این عنصر تجاوزکار از خاندان پیامبر در دل پر
کینه‌اش دارد، کشته می‌شود، سپس به شام برمی‌گردد. در
نقطه‌ای برای نوشیدن شراب و ارتکاب گناه و معصیت
می‌نشیند و یاران و پیروانش را نیز به انجام گناه و جنایت فرمان
می‌دهد. از مجلس گناه برمی‌خیزد و در حالی که در دست

نشانه‌های ظهور امام زمان



عجلت العالی
قرن حتم السیوف

۱. شهری است در کنار رود فرات.

۲. شهری در سوریه.

۳. شهری بر سر جاده موصل به شام.



سلامی دارد دستور زنا می دهد و به یارانش می گوید با زنان مرتکب فحشا گردند، آنگاه شکم زنان را پاره کنند و کودکان را از رحم ها بیرون می کشند و آنها مرتکب چنین شقاوت ها می گردند و هیچ کس توان بازداشتن آنان از این پلیدی ها و شقاوت ها را در خود نمی بیند.

اینجاست که فرشتگان، پریشان حال می شوند و خدا فرمان ظهور قائم آل محمد و صاحب الزمان را که از نسل من می باشد، صادر می کند. بی درنگ خبر ظهور او در سراسر گیتی پخش می گردد و جبرئیل در آن هنگام بر فراز صخره ای در بیت المقدس فرود می آید و خطاب به جهانیان ندا می دهد که: ﴿

جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا ﴿^(۱)

یعنی: حق آمد و باطل و بیداد نابود گردید، راستی که باطل، نابود شدنی بود و می گوید: بندگان خدا! آنچه می گویم به گوش جان بسپارید.

مردم! این اصلاح گر بزرگ جهانی که ظهور کرده است، مهدی آل محمد است و اینک از مکه حرکت کرده است و ندای جهانی و آسمانی او را بشنوید و دعوتش را پاسخ گوید. ^(۲)

۱. سوره اسراء، آیه ۸۱

۲. امام مهدی؛ آیت الله فقیه سید محمد کاظم قزوینی.

۶. امام باقر علیه السلام از علی علیه السلام آورده است که:

«هنگامی که نيزه‌ها در شام درگير شدند، از نشانه‌ای از نشانه‌های ظهور، پرده برمی‌دارند».

پرسیدند: چگونه؟

فرمود: «زمین لرزه‌ای در شام رخ خواهد داد که صد هزار تلفات به جای می‌گذارد، خداوند آن را رحمتی برای مؤمنان و کیفری برای کافران قرار می‌دهد، هنگامی که چنین رخدادی به وقوع پیوست، چشم به راه مرکب‌های سیاه و سفید و سوارانی باش که با پرچم‌های زرد در مغرب وارد شام می‌گردند، آنگاه است که هنگامه آن حادثه بزرگ و مرگ سرخ است.

آنگاه که چنین رخدادی به وقوع پیوست در انتظار فرورفتن روستایی در منطقه دمشق به نام حرستا^(۱) باش و هنگامی که چنین رویدادی به وقوع پیوست، فرزند آن زن جگرخوار، سفیانی، از وادی یابس، آن بیابان خشک و سوزان، خروج می‌کند و وارد دمشق می‌گردد بر منبر مسجد جامع قرار می‌گیرد. و آنگاه که چنین شد دیگر در انتظار ظهور حضرت مهدی باشید».^(۲)

۷. محمدبن مسلم از امام باقر علیه السلام آورده که:

نشانه‌های ظهور امام زمان

۱۹

عجل الله تعالی فرجه الی

۱. نام منطقه بزرگ و آبادی در اطراف دمشق است که بر سر راه حمص می‌باشد.
۲. بحار الانوار، ج ۵۲؛ غیبت نعمانی، ص ۳۰۵ و امام المهدی.

«سفیانی، عنصری، سرخ روی، چشم زاغ و دارای موهایی
بور است هرگز لحظه‌ای خدا را نپرستیده و مکه و مدینه را
نمی‌بیند. و می‌گوید پروردگارا! انتقام من به آتش است».

یعنی، من انتقام خویش را خواهم گرفت اگرچه با ورود به
آتش باشد.

و مراد از آتش همان جنگ فراگیری است که سید هاشمی
علیه دودمان بنی امیه آغاز می‌کند، همان گونه که نعیم بن حماد
استاد بخاری نقل می‌کند که:

مردی از تبار بنی هاشم حکومت را به دست می‌گیرد و
شعله‌های آتش همین جنگ فراگیری است که سید هاشمی علیه
دودمان بنی امیه آغاز می‌کند، همان گونه که نعیم بن حماد،
استاد بخاری نقل می‌کند.

مردی از تبار بنی هاشم حکومت را به دست می‌گیرد و
شعله‌های آتش جنگ او، سراسر دودمان بنی امیه را فرا می‌گیرد
و جز اندکی از آنان، همه را از دم شمشیر می‌گذراند و غیر بنی
امیه را متعرض نمی‌شود. و آنگاه مردی از بنی امیه قیام می‌کند
و در برابر هر یک کشته از بنی امیه، دو نفر را به قتل می‌رساند
و جز زنان کسی را باقی نمی‌گذارد و آنگاه مهدی ظهور
می‌کند.^(۱)

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَرْثَدَانَ



۱. فتن بن حماد، ص ۷۵؛ معجم احادیث امام المهدی، ج ۱ و عقد الدرر، ص ۵۴.

مشرده ظهور

پیشگویی فردوسی

حکیم ابوالقاسم فردوسی توسی (۴۱۱-۳۲۰هـ.ق) شاعر شیعی و حماسه سرای بزرگ ایران، اشعاری ارزشمند در بیان اوضاع و احوال ایران در آخرالزمان فرموده است.

زمانه زمانی است چون بنگری

ندارد کسی آلت داوری

که این خانه از پادشاهی تهی

نه هنگام پیروزی و فرهی است

چو با تخت منبر برابر کنند

همه نام بوبکر و غمّر کنند

تبه این رنج‌های دراز

نشیبی دراز است پیش فراز

بپوشد از ایشان گروهی سیاه

ز دیبا نهند از بر سر کلاه

برنجد یکی، دیگری بر خورد

به داد و به بخشش همی ننگرد

ز پیمان بگردند، روز راستی

گرامی شود کژی و کاستی

بیاده شود مردم جنگجوی

سوار آن که لاف آرد و گفت و

نشانه های ظهور امام زمان



عَلَّمَ اللَّهُ الْقَالَ
قَوْلَهُ الشَّيْخِ

عَلَّمَ اللَّهُ الْعَالَمِينَ
قُرْآنَ الْكُرْآنِ



کشاورز جنگی شود بی هنر
ر باید همی این از آن، آن از این
نهان بدتر از آشکارا شود
بداندیش گردد پدر بر پسر
شود بنده بی هنر شهریار
به گیتی کسی را نماند وفا
از ایران، وز ترک، وز تازیان
نه دهقان، نه ترک و نه تازی بود
همه گنجها زیر دامن نهند
بود دانشومند و زاهد به نام
چنان فاش گردد غم و رنج و
زیان کسان از پی سود خویش

نژاد و هنر کمتر آید به بر
ز نفرین ندانند باز آفرین
دل شاهشان سنگ خارا شود
پسر بر پدر هم چنین چاره گر
نژاد و بردگی نیاید به کار
روان و زبانها شود پر جفا
نژادی پدید آید اندر میان
سرخنها به کردار بازی بود
بمیرند و کوشش به دشمن دهند
بکوشد از این تا که آید به کام
که شادی به هنگام بهرام گور
بجویند و دین اندر آرند پیش

چو بسیار از این داستان بگذرد

کسی سوی آزادگی ننگرد

بریزند خون از پی خواسته

شود روزگار مهان کاسته

چنین بی وفا گشت گردان سپهر

دژم گشت و ز ما بپرید مهر

ز راز سپهری کس آگاه نیست

ندانند کاین رنج کوتاه نیست

پیشگویی خواجه حافظ شیرازی

این چه شور است که در دور قمر

همه آفاق پر از فتنه و شر می بینم

هر کسی روز بهی می طلبد از ایام

علت آن است که هر روز بتر می بینم

ابلهان را همه شربت ز گلاب و قند

قوت دانا همه از خون جگر می بینم

اسب تازی شده مجروح به زیر پالان

طوق زرین همه در گردن خر می بینم

دختران را همه جنگ است و جدل

پسران را همه جنگ بدخواه پدر

هیچ رحمی نه برادر به برادر دارد

هیچ شفقت نه پدر را به پسر می بینم

پند حافظ بشنو، خواجه برو نیکی کن

که من این پند به از در و گوهر

نشانه های ظهور امام زمان



۹۳
عَنْكَ يَا عَلِيَّ
فَرِحَ السَّيِّدُ

پیشگویی شاه نعمت الله ولی

قدرت کردگار می بینم
حالت روزگار می بینم
حکم امسال صورتی اگر است
نه چو پیرار^۱ و پار^۲ می بینم
فا و را ذال^۳ چون گذشت از
بوالعجب کار و بار می بینم
در خراسان و مصر و شام و
فتنه و کارزار می بینم
گرد آئینه ضمیر جهان
گرد و زنگ و غبار می بینم
همه را حال می شود دیگر
گر یکی ور هزار می بینم
ظلمت ظلم ظالمان دیار
بی حد و بی شمار می بینم
قصه ای بس غریب می شنوم
غصه ای در دیار می بینم

عجل الی الله
فی جمیع الشیئ



۱. پیرار مخفف سال پیش از سال گذشته است.

۲. مخفف پار سال است.

۳. در متن دیوان چاپی بر اساس برخی نسخه ها عین و را ذال ثبت شده و ماده تاریخ

فا و را ذال که به سال ۱۳۸۱ اشاره دارد.

جنگ و آشوب و فتنه و بیداد
 غارت و قتل و لشکر بسیار
 بنده را خواجه و ش^۱ همی یابم
 بس فرومایگان بی حاصل
 هر که او یار یار بود، امسال
 مذهب و دین ضعیف می یابم
 سگه نور زنده بر رخ زر
 دوستان عزیز هر قدمی
 هریک از حاکمان هفت اقلیم
 نصب و عزل بتکچی^۴ و عمال

از یمین و یسار می بینم
 در میان و کنار می بینم
 خواجه را بنده وار می بینم
 عامل^۲ و خواندگار^۳ می بینم
 خاطرش زیر بار می بینم
 مبتدع افتخار می بینم
 در همش کم عیاری می بینم
 گشته غمخوار و خوار می بینم
 دیگری را دچار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ

۱. مانند آقا و سرور.

۲. کار گزار دولتی.

۳. مخفف خداوندگار به معنای والی، رئیس، سرور.

۴. بتکچی یا بیتکچی، ترکی مغول است، به معنی مأمور مالیات.

عَنْكَ اللَّهُمَّ
قَدْ خَمَّ السُّرُوتُ



هر یکی را دو بار می بینم
مهر را دل فگار می بینم
خصمی و گیر و دار می بینم
مانده در رهگذر می بینم
از صغار و کبار می بینم
چور ترک و تار می بینم
جای جمع شرار می بینم
بی بهار و ثمار می بینم
در حد کوهسار می بینم
حالیبا اختیار می بینم
شادی ای غمگسار می بینم
خرمی وصل یار می بینم

ماه را روسیاه می یابم
ترک و تاجیک را به همدیگر
تاجر از دست دزد بی همزاد
مکر و تزویر و حيله در هر جا
حال هندو خراب می یابم
بقعه خیر سخت گشته خراب
بعض اشجار بوستان جهان
اندگی امن اگر بود آن روز
همدمی و قناعت و کنجی
گرچه می بینم این همه غمها
غم مخور زآن که من در این

بعد امسال و چند سال دیگر
 چون زمستان پنجمین بگذشت
 نایب مهدی آشکار شود
 پادشاهی تمام دانایی
 بندگان جناب حضرت او
 تا چهل سال ای برادر من
 پادشاه و امام هفت اقلیم
 بعد از آن خود امام خواهد بود
 میم و حا و میم و دال می خوانم
 صورت و سیرتش چون پیمبر
 دین و دنیا از او شور معمور

عالمی چون نگار می بینم
 ششمش خوش بهار می بینم
 بلکه من آشکار می بینم
 سروری با وقار می بینم
 سر به سر تا جدار می بینم
 دور آن شهریار می بینم
 شاه عالی تبار می بینم
 که جهان را مدارا می بینم
 نام آن نامدار می بینم
 علم و حلمش شعار می بینم
 خلق از او بختیار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله فرجه
 عن العالمين
 ۹۷

ید بیضا که باد پاینده

باز با ذوالفقار می بینم

مهدی وقت و عیس دوران

هر دو را شهسوار می بینم

گلشن شرع را همی بسویم

گل دین را به بار می بینم

این جهان را چو مصر می نگرم

عدل او را حصار می بینم

هفت باشد وزیر سلطانم

همه را کامکار می بینم

عاصیان از امام معصوم

خجیل و شرمسار می بینم

بر کف دست ساقی وحدت

بیاده خوشگوار می بینم

غازی^۱ دوستدار دشمن کش

همدم و یار غار می بینم

تیغ آهن دلان زنگ زده

کنند و بی اعتبار می بینم

زینت شرع و رونق اسلام

محکم و استوار می بینم

گرگ با میش و شیر با آهو

در چرا برقرار می بینم

عجل الی تعالی
فرجه الشریف



^۱ رزمنده، جنگجو.

گنج کسرا و نقد اسکندر

همه بر روی کار می بینم

نعمت الله نشسته در کنجی

از همه بر کنار می بینم^۱

نسخه دوم شعر

قدرت کردگار می بینم

از نجوم این سخن نمی گویم

از سلاطین گردش دوران

هر یکی را به مثل ذره نور

سال تاریخ را چنین گویم

بعد از آن ائمه اطهار

از پس شاهی همه اینها

از بزرگی و رفعت ایشان

حالت روزگار می بینم

بلکه از سر یار می بینم

یک به یک را سوار می بینم

پرتوی آشکار می بینم

قدرت هشت و چار می بینم

دیگری را سوار می بینم

چند سلطان به کار می بینم

صفوی برقرار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الیوم

۱. کلیات اشعار شاه نعمت الله ولی، ص ۶۶۰-۶۵۷.

عَلَّمَ اللَّهُ
مَنْ شَاءَ



چند سلطان ز نسل او پیدا
آخر پادشاهی صفوی
از بخارا، هرات و بلخ و سرخس
باز بعد از خرابی ایشان
نادری در جهان شود پیدا
بیست و شش سال پادشاهی او
آخر عهد نوجوانی او
بعد از آن، دیگری فنا گردد
پادشاهی ز نو شود پیدا
بیست و پنج است پادشاهی او
چون نسلش بسی ولد ماند
پادشاهی چو کوه وقار

همه را برقرار می بینم
یکی حسینی به کار می بینم
لشکری بسی شمار می بینم
ساریانی به کار می بینم
قامتش استوار می بینم
تا به گردون غبار می بینم
قتل او آشکار می بینم
شاه دیگر به کار می بینم
تیغ او آبدار می بینم
سکاهش پر عیار می بینم
سر به سر روزگار می بینم
که محمد به نام می بینم

ده و هفت است پادشاهی او
 لیک آن شاه را زبانی هست
 لشکرش سی و سه صف برای
 عهد آن شاه کشور دوران
 یک تزلزل، یکی بود طاعون
 غارت و قتل شیعیان علی
 غین و شین چون که بگذرد از
 شهر تبریز را چو کوفه کند
 جنگ او در میان افغان است
 در سفاهان چو او پیاده شود
 چون به هم می‌رسند شاه و
 قتل آن شاه کشور دوران

اولش با وقار می‌بینم
 محرم هر نگار می‌بینم
 جنگ او آشکار می‌بینم
 دو بلا آشکار می‌بینم
 حال مردم فگار می‌بینم
 دست ایشان به کار می‌بینم
 این اساس آشکار می‌بینم
 شهر تهران خراب می‌بینم
 فتح او آشکار می‌بینم
 در ابرقو سوار می‌بینم
 قتل او آشکار می‌بینم
 در صف کارزار می‌بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از آن، آن دگر فنا گردد
پادشاهی ز سمت ترکستان
اربعین است پادشاهی او
دائم او را ز کثرت لیل
لیک آن شاه را زبانی هست
چون فریدون به تخت بنشیند
ملک تبریز و ملک تبرستان
صرصر^۱ دیگرش شود پیدا
مسکن فوت او در اسفاهان
حاکم قندهار مثل شتر
حکم دربارهاش صدور دهند

شاه دیگر به کار می بینم
دفع اشرار زار می بینم
دولتش کامکار می بینم
لیل او بی نهار می بینم
محرم او نگار می بینم
دولتش برقرار می بینم
پسرانش به کار می بینم
پای او در رکاب می بینم
بر سر مرغزار می بینم
بر دماغش مهار می بینم
سر او را به دار می بینم

عَجَلُ الْعَالِي
فَرَجَمُ الشَّرِيفِ



بعد از آن، دیگری فنا گردد
 که محمد به نام او باشد
 چارده سال پادشاهی او
 سال کز مرغ می شود پیدا
 بعد از او، آن دگر فنا گردد
 ناصرالدین به نصرت دوران
 کوکب روشنی شود پیدا
 از خراسان و ری، هم اسفاهان
 روز جمعه ز شهر ذی قعدة
 شاه دیگر به کار آید
 یازده سال پادشاهی او
 چارشنبه ز شهر ذی قعدة

شاه دیگر به کار می بینم
 تیغ او آبدار می بینم
 دولتش کامکار می بینم
 فوت او آشکار می بینم
 شاه دیگر به کار می بینم
 چارده هشت سال می بینم
 بلکه دنباله دار می بینم
 چه علمها به کار می بینم
 تن او در مزار می بینم
 شاهی اش ناگوار می بینم
 حالتش را فگار می بینم
 مرگ او آشکار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه الشریف

بعد از آن، دیگری فنا گردد
غین و ده دال چون گذشت از
گرد آینه هست سیر چهار
جنگ و آشوب و فتنه بسیار
غارت و قتل و لشکر بسیار
مرگ جهال را به یکدیگر
اندکی امن اگر بود آن روز
دولتش می رود به باد فنا
بعد از آن، چند سال دگر
چون زمستان پنجمین بگذشت
نایب مهدی آشکار شود
پادشاهی تمام دارندده

عجل الی الله
و جنت البقیع



نشانه های ظهور امام زمان

پسرش یادگار می بینم
بوالعجب روزگار می بینم
گرچه زنگ و غبار می بینم
از میان و کنار می بینم
از یمین و یسار می بینم
خضم درگیر و دار می بینم
در حد کوهسار می بینم
حال مردم فگار می بینم
عالمی چون نگار می بینم
ششمین خوش بهار می بینم
نوع عالی تبار می بینم
سروری با وقار می بینم

بندگان جناب حضرت او
 تا چهل سال ای برادر جان
 دور ایشان تمام خواهد شد
 سیدی را ز نسل آل حسن
 قائم شرع آل پیغمبر
 میم حامیم دال می خوانند
 صورت و سیرتش چو پیغمبر
 از کمر بند آن سپهر وقار
 سمت مشرق زمین طلوع کند
 رنگ یک چشم او به رنگ کبود
 شکر او بود ز اسفاهان

سر به سر تا جدار می بینم
 دور آن شهریار می بینم
 لشکری را سوار می بینم
 سروری را سوار می بینم
 به جهان آشکار می بینم
 نام او نامدار می بینم
 جلم و علمش شعار می بینم
 تیغ چون ذوالفقار می بینم
 کور دجال زار می بینم
 خری بر خر سوار می بینم
 هم یهود جمار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



هر قدم از خوش بود فرسنگ
صورتی پیش چشمه خورشید
آل سفیان همه طلوع کنند
سروری را که هست پاینده
هم مسیح از سما فرود آید
آل سفیان تمام کشته شوند
از دم تیغ عیسی مریم
مسکنش شهر کوفه خواهد بود
زینت شرع و دین از اسلام
کارداران نقد اسکندر
ترک اغیار صید خواهد بود
نه درودی به خود همی گویم

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



دور کردون غبار می بینم
به نظر آشکار می بینم
همه کس را فگار می بینم
باز با ذوالفقار می بینم
پس کوفه غبار می بینم
با هزاران سوار می بینم
قتل دجال زار می بینم
دولتش پایدار می بینم
محکم و استوار می بینم
همه در راه کار می بینم
خصم او در مهار می بینم
بلکه از سر یار می بینم

نعمت الله نشسته در کنجی

همه را در کنار می بینم

نسخه سوم

بقعه خیر و خیر را ویران

ناگهان شخصی از توابع لر

هست شاه و وکیل خوانندش

پادشاهی کند چو بیست و دو

بعد از آن لر، لر دگر آید

سگه از نو زند چو بر رخ زر

هشت سال است پادشاهی او

چون زمستان پنجمین گذرد

حال امسال صورت دگر است

پادشاهی به تخت نشسته

گلستان پر ز خار می بینم

حاکم و کامکار می بینم

کمترین خوشیار می بینم

کارش آخر به زار می بینم

ظالم و ناپکار می بینم

درهمش کم عیار می بینم

دولتش بی مدار می بینم

ششمش خوش بهار می بینم

نه چو پیرار و پار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجائب الاله تعالی
قرن چهارم شریف

عجل الی تعالیٰ
فرجنا لیسوف



آن حسن خلق و آن حسن نیت
فرد مردانۀ او او العزمی
میم از اول و دال از آخر
پادشاه تمام دانایی
گرگ با میش و شیر با آهو
ناگهان کشته می شود در خواب
این جهان را چو او کند بدرود
نوجوانی مثال سرو بلند
در امور شهی است بی تدبیر
احتساب و حساب در عهدش
ظلم پنهان، خیانت و خوبی
دولتش بی حساب می بینم

دولتش پایدار می بینم
باب عالی تبار می بینم
محرم هر نگار می بینم
نام آن نامدار می بینم
در همه کار و بار می بینم
در چرا برقرار می بینم
قاتل آن چهار می بینم
بن آخس یادگار می بینم
رستمش بنده وار می بینم
مکنش بخت یار می بینم
سست و بی اعتبار می بینم
بر اعظام شعار می بینم

در حقیقت شهی بود مظلم
علمای زمان او ز غرور
دایم اسبش به زیر زین تلا
چون فریدون به تخت بنشیند
نیست فصل الخطاب در عهدش
کار و بار زمنه وارونه
قسط و انصاف در زمانه او
در زمانش وفا و عهد درست
بس فرومایگان بی حاصل
کهنه رندی به کار برهمنی^۱
بخردی خوار و دانش و بینش

خفتنش بی شمار می بینم
عاری از گیر و دار می بینم
همه چون شهریار می بینم
کمتران را سوار می بینم
پسرانش قطار می بینم
فصل رامات وار می بینم
قحط، هم ننگ و عار می بینم
همچو هیمه به نار می بینم
همچو یخ در بهار می بینم
حاصل کار و بار می بینم
اندر این روزگار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْكَ الْمَوْلَى
وَجَدَ الشَّيْفَ

۱. برهمن: پیشوای روحانی آیین برهمنی.

عَمَلٌ كَالْعَالِي
قُرْآنٌ كَالسِّرِيتِ



متصف بر صفات سلطان است

بلکه ویرانه پر از گنج است

یار غار به است در اول

دویمش شیخ و زاهد ثانی

همچو مولا جلال دین مولا

گوهر شب چراغ بهر کمال

با کرامات و جامع آداب

از قماش و متاع چین و فرنگ

بر فلک رفته معنی قرآن

نسخه چهارم

قدرت کردگار می بینم

سر ناموس وار می بینم

لیک درویش وار می بینم

کش سعادت شعار می بینم

شاه خوش روزگار می بینم

هم جُنید اعتبار می بینم

شمس تبریز وار می بینم

آن ذر شاهوار می بینم

أصف روزگار می بینم

عالمی چون نگار می بینم

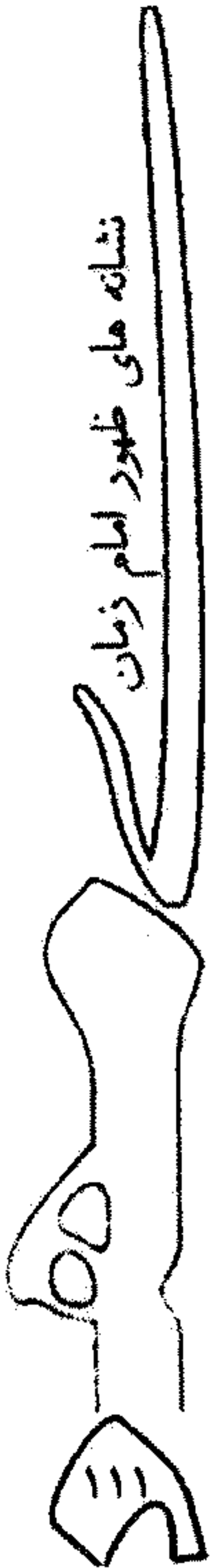
صورتش زر نگار می بینم

حالت روزگار می بینم

از نجوم این سخن نمی گویم
 غین و شین دال چون گذشت از
 از شهنشاه ناصرالدین را
 در شب شنبه ماه ذی قعدة
 بعد آن شه مظفر دین را
 از الف تا به دال می گویم
 چون گذشت از سریر دولت او
 در خراسان و شام و مصر و
 گرد آینه ضمیر جهان
 جنگ و آشوب و فتنه و بیداد
 غارت و قتل و لشکر بسیار
 بعد از این شه چو رفت، از پی

بلکه از کردگار می بینم
 بوالعجب کار و بار می بینم
 شیونی بی مدار می بینم
 تن او بر کنار می بینم
 تو بدان برقرار می بینم
 شهی اش را مدار می بینم
 تو بین من دو بار می بینم
 فتنه و کارزار می بینم
 گرد و زنگ و غبار می بینم
 در یمین و یسار می بینم
 در میان و کنار می بینم
 سیدی تاجدار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجائب القالی
قرن حرم السیوف

نایب مهدی آشکار شود

جنگ او در میان افغان است

بندگان جناب حضرت او

قلعه قندهار می گیرد

حاکم قندهار را چو شتر

شور و غوغای زن شود پیدا

اندکی دین اگر بود آن روز

چون زمستان پنجمین بگذشت

گرگ با میش و شیر با آهو

دور آن چون شود تمام به کام

بعد از این خود امام خواهد بود

پادشاه تمام دانی

بلکه من آشکار می بینم

لشکرش بی شمار بینم

سر به سر تاجدار می بینم

در گرفتن دو بار می بینم

بر دماغش مهار می بینم

بوالعجب کار و بار می بینم

در حد کوهسار می بینم

ششمش را بهار می بینم

به چرا سبزه وار می بینم

پسرش یادگادر می بینم

صاحب ذوالفقار می بینم

سروری با وقار می بینم

عَنْ مُحَمَّدٍ الْمُطَهَّرِ
قُرْبَانَ الشَّيْطَانِ

۱۱۲

نشانه علی ظهور امام زمان

ید بیضا چو باد پاینده

یسار با ذوالفقار می بینم

تُرک عیار مست می نگرم

ختم روز خممار می بینم

زینت شرع و رونق اسلام

محکم و استوار می بینم

گنج کسرا و نقد اسکندر

همه بر روی کار می بینم

صورت و سیرتش چو پیغمبر

علم و حلمش شعار می بینم

نعمت الله نشسته در کنجی

همه را بر کنار می بینم

نظرات و آینده نگری سید احمد علی خسروی

طیب و عالم فرزانه، حاج سید احمد علی خسروی که از دانشمندان روحانی و طبیبان مشهور دیار همدان، و علاوه بر علوم ظاهری به کمالات اخلاقی و معارف باطنی نیز آراسته بود، درباره آخرالزمان به کمک علم جفر مطالبی را به صورت شعر بیان نمودند که به آنها اشاره می کنیم.

نشانه های ظهور امام زمان

۱۱۴

عبدالکمالی
فرخنده نبوت

قطعة اول

هم ز اخبار و هم ز صفحه جفر

وضع ایران نزار^۱ می بینم

در هزار و چهار صد قمری

شورش می آشکار می بینم

از علامات حضرت مهدی

پهلوی بر کنار می بینم

دولتش چون که رفت، از پی آن

دعوتی آشکار می بینم

جامه فخر بر تن علما

جمله در افتخار می بینم

سختی و قحطی و گرفتاری

خلق ایران دچار می بینم

این همه رنج و محنت بسیار

در همین روزگار می بینم

مرد جبار حمله بر ایران

روی در این دیار می بینم

جنگ افتد چه در عرب، چه

کشته ها بی شمار می بینم

مردمان عراق را جمله

بعد از این جنگ، خوار می بینم

عَلَّمَ اللَّهُ الْعَالَمِينَ
مِنْ جَمَلِ شَرِيهِ



^۱. زار، ناتوان.

اثری از ظهور محبت حق

آن شه تاجدار می بینم

تا ظهور امام محبت حق

جنگ‌هایی به کار می بینم

تا هزار و چهار صد باسی

شیعه در انتظار می بینم

چون که سی رفت و سی و یک

نور حق آشکار می بینم

قطعه دوم

مؤمن بنگر چقدر خوارست و

ایران تو نظر نما چه زیر و زیر

کشتند علما و خلق آغشته به

عاقل نرود رهی که از دین به در

مأمور به صبر و کمک از حق

از ظلم ستمگری که از دین به در

این جور و جفا که می شود با

آثار ظهور حجت بن الحسن است

از خارجیان نماند ایران سالم

زیرا که چو لقمه‌ای است

لکن نتوانند فرو بردن آن

تا پیرهن جنبش خلقش به تن است

نشانه های ظهور امام زمان

۱۱۵

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
قَالَ لَمَّا رَأَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

تا سال غلثا^۱ جهان در آشوب

چندی که گذشت رو به وجه

زود است لباس فخر بر تن

این ملت بیچاره که در این وطن

آینده‌نگری سید مهدی خسروی

او یکی از دانشمندان فرزنان، فرزند حاج سید احمد علی خسروی است که در سال ۱۳۱۷ در همدان متولد شد و اکنون در این شهر به طبابت مشغول است. او اشعاری را از طریق محاسبات جفری والد و استاد بزرگوار خود و پیش بینی وقایع قبل از ظهور امام زمان سروده است.

چون نگه می‌کنم به صفحه جفر

سیدی گل‌گذاری می‌بینم

سیدی چون چراغ عالم‌تاب

دست او ذوالفقار می‌بینم

وارث مکتب جمیع رُسل

وعده کردگار می‌بینم

پیش از آن‌که بیاید این مرشد

صفحه را تار و مار می‌بینم

هر طرف دیده افکنم در برگ

عَلَّمَ اللَّهُ الْقَالَ
فِي حَمَلِ الشَّيْءِ



۱. این رمز، طبق حساب ابجد به سال ۱۴۳۰ هـ ق اشاره دارد.

۲. مژده ظهور، ص ۶۰.

عجل الله تعالی
فرجهما لشیب



حاجیان در طواف کعبه و من
در مدینه چو مکه و کوفه
خانقاه و بنای درویشان
پادشاهی دهند نسوان را
بانوان با لباس مردانه
زن و دختر سوار مرکبها
مردها با زنان نامحرم
گشته بسیار طفل نامشروع
مرگها بی مقدمه بسیار
نقص اموال و انفس و ثمرات
خشکسالی و قحطی و سختی
رحم فرزند بر پدر نکند

در مجالس به کار می بینم
اکثراً در شرار می بینم
هم طرب هم قمار می بینم
شبه بیست ضرار می بینم
علما غمگسار می بینم
در قضاوت به کار می بینم
همه دنبال کار می بینم
روی دریا کنار می بینم
این عمل افتخار می بینم
مرد و زن را دچار می بینم
در تمام دیار می بینم
من در این روزگار می بینم

پسران را چو گرگ خون آشام
قصرها مرتفع چو قصر بهشت
گرم و داغ است کوزه شیطان
شهرها را به هم کند نزدیک
بوالعجایب صنایعی مرموز
صورت غریبی شنو ز خطه شرق
کهکشان‌های قرب عالم را
من سفاین به گرد جو زمین
هر دینه که در دل خاک است
کفر چون ابر تیره پوشیده است
ظلم گسترده در تمام جهان

پیرها را چه زار می بینم
دختران را چو مار می بینم
آهنش پودر و تار می بینم
کوره را پر ز ناز می بینم
روی آهن قطار می بینم
در ید صنعکار می بینم
عکس او در کنار می بینم
دم دوربین لارا^۱ می بینم
هر زمان چارچار می بینم
خارج از خاک تار می بینم
شهر و ده را چه تار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



۱. لارا: مخفف لارج انگلیسی به معنی بزرگ و بلند است.

عَلَى الْوَقَالِ
مِنْ حَمَلِ الشَّيْطَانِ



از فشار و تظلم کفار
خون دل مؤمنین خورند و ظلوم
آتش سرخ در کف شیعه
خون چشمان مؤمن مخلص
شیعه مخلص علی غمگین
گر کسی دین خود نگه دارد
علم را از نجف به قم رانند
در میان جماعت علما
ملک ری را به دست می گیرد
حمله ور دشمنان بر او بسیار
چند سالی ز بعد رفتن او

عدل در انتظار می بینم
مؤمنین بی قرار می بینم
بر لب جویبار می بینم
چشم او اشکبار می بینم
مثل آب انار می بینم
حال او را نزار می بینم
منزلش توی غار می بینم
علمایی ز پارس^۱ می بینم
رجلی نامدار می بینم
دشمنش گرم کار می بینم
لشکرش آبکار می بینم

۱. پار: مخفف پارس و مراد از آن ایران است.

فاصله بین او و حجت حق
همه صفحه جهان ظلم است
نبض عالم به دست مردم غرب
پادشاهان کشور عربی
فتنه‌ها می‌کنند قوم یهود
من جوانان بیت مقدس را
بهر آشوب در اریکه شام
اسب‌های خرنده از فولاد
مرغ‌های جسیم فولادین
تخم مرغان چو از هوا افتد
ز آتش شبه آتش دوزخ
جنگ افتد چو در بلاد جهان

کعبه را نو بار می‌بینم
من دو هاشم تبار می‌بینم
فتنه را استوار می‌بینم
غرب را بسد شعار می‌بینم
جملگی چون حمار می‌بینم
قوم را لاشه خوار می‌بینم
سال‌ها تکه پار می‌بینم
لشکری جان شکار می‌بینم
هر طرف سد هزار می‌بینم
در هوا راهوار می‌بینم
ریشه کن سد چنار می‌بینم
خلق عالم دچار می‌بینم

نشانه های ظهور امام زمان



عجل الله تعالی فرجه لسیدنا

عجل الله فرجه
عن محمد بن سيرين

۱۲۲

نشانه های ظهور امام زمان

در بیابان و کوه و دشت و دمن

کشت و کشتار مفت و بی حاصل

فتح دیوار چین که قصه بود

اندر پی باد و بود و فصل خزان

بهر یاری منجی عالم

لشکر خطه خراسان را

خشم مؤمن به جوش می آید

اندرین گیر و دار و جنگ و

پشت این ابر تیره و تاریک

اولین روز از شروع بهار

روز قتل حسین و آدینه مست

هر یکی حکمتی است از نهضت

کشته‌ها بی شمار می بینم

خلق را در فرار می بینم

در دل قندهار می بینم

من شکست حصار می بینم

پیک فصل بهار می بینم

مردمی با وقار می بینم

لشکری ماندگار می بینم

جنبش از سبزوار می بینم

من شهی زر نگار می بینم

من مهی تاجدار می بینم

ظلم را روی دار می بینم

در شروع بهار می بینم

من در آن نور خانه کعبه

کهکشان را ز نور این محفل

با ظهور امام حجت حق

مردمان زمان آن حضرت

هر سه در یک مدار می بینم

قامت شهسوار می بینم

آن زمان شرمسار می بینم

عدل را برقرار می بینم

همه را کامکار می بینم

نشانه های ظهور امام زمان



احادیث وارده مرجوط به ظهور امام زمان حجت روی زمین

حدیث اول

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ



جابر بن عبدالله: از رسول گرامی نقل می کند که:
رسول خدا فرمود: «مهدی از فرزندان من است، اسمش
اسم من و کنیه اش کنیه من است، او اول غیبت می کند و پس از
غیبت ظهور می نماید.»^(۱)

حدیث دوم

امام باقر علیه السلام از رسول خدا نقل می کند که^(۲)
رسول خدا فرمود: «خوشا به حال کسی که درک نماید
قائم موعود را در حالتی که او را امام بدانند در زمان غیبت آن
حضرت پیش از قیام و ظهور او دوستی نماید با دوستان و
معتقدین به امامت آن حضرت در زمان غیبت، و دشمنی نماید
با دشمنان و منکرین آن حضرت و آن شخصی که معتقد به
امامت آن حضرت است در زمان غیبت از رفقای من هستند در
بهشت و کسانی هستند بر من در روز قیامت.»

۱. کمال الدین، ص ۱۶۷.

۲. همان.

حدیث سوم

ابن عباس از رسول خدا نقل می کند که:

«عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ خَلِيفَتِي مِنْ بَعْدِي وَمِنْ وَلَدِهِ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الَّذِي يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَجَوْرًا وَالَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ بَشِيرًا إِنَّ الثَّابِتِينَ عَلَيَّ الْقَوْلِ بِهِ فِي زَمَانٍ غَيْبَتِهِ لَأَعَزُّ مِنَ الْكِبْرِيتِ الْأَحْمَرِ؛ فَقَامَ إِلَيْهِ جَابِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ فَقَالَ: وَاللِّقَائِمِ مِنْ وَلَدِكَ غَيْبَةٌ؟ قَالَ: إِي وَرَبِّي وَ لَسِيْمَحِصَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَ يَمْحَقَ الْكَافِرِينَ»^(۱)

و تصریح می فرماید: پیغمبر اکرم به غیبت قائم موعود و قم یاد می کند که ثابتین بر عقیده خود که به وسوسه شیاطین متزلزل نمی شوند بسیار کم است و خداوند متعال خالص می فرماید مؤمنین را و نابود می فرماید کافرین و منکرین را.

حدیث چهارم

امام صادق علیه السلام از رسول خدا نقل می کند که فرمود:

«بزرگترین مؤمنین از حیث اطمینان و یقین، جماعتی هستند در زمان امام آخرین که پیغمبر را درک نکرده اند و امام و حجت هم از آنها محجوب به حجاب غیبت باشد و فقط ایمان

نشانه های ظهور امام زمان

۱۲۵

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۸-۲۸۷؛ اثبات الهداه، ۳، ص ۲۶۱.

و اعتقادات آنها به نقل آیاتی و اخباری بوده است که روی کاغذ نوشته شده است که ایمان این اشخاص اعظم است از ایمان کسانی که درک می کردند محضر پیغمبر و امام را».

حدیث پنجم

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا نقل می کند که:

رسول خدا به علی علیه السلام فرمود: «لازم است بر خدا که گمشدگان را داخل بهشت فرماید حضرت امیر می فرماید: مقصود پیغمبر از گمشدگان، کسانی هستند که در زمان فتنه ثابت مانده اند بر امامت آن شخص غایب از انظار مردمان در تحت حجاب مستور است».

پس آن جماعت اقرار دارند به امامت امام مخفی المکان و المستور عن الاعیان از انظار، و متمسک هستند به عروة الوثقی آن امام غایب، و منتظر هستند خروج آن حضرت و ظهور سلطنت الهیه را و روح ایمان و یقین در قلوب آنان راسخ و ثابت است. و به وساوس شیاطین غیر متزلزل هستند و صابر هستند بر اذیت کردن مرتدین ایشان را و مطیع و منقاد هستند فرمایشات معصومین را در موضوع قائم موعود و از مکان امام خود گم شده اند و از شناسایی شخص خود امام خود محروم هستند.

عَنْ رَسُولِ اللَّهِ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱۲۶

نشانه های ظهور امام زمان

حدیث ششم

امام صادق علیه السلام از آبای گرامی اش نقل می کند که رسول خدا فرمود: «قائم موعود اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است و شمائلش شمائل من است و سنت او سنت من است و اقامه می دارد مردم را بر ملت و شریعت من و می خوند مردم را به قرآن و کتاب پروردگار من. و هر کس منکر شود آن حضرت را در زمان غیبت آن حضرت، پس منکر شده است مرا. به خدا شکایت می کنم کسانی را که تکذیب می کنند مرا در امر قائم موعود، منکر می شوند قول مرا در شأن قائم موعود و گمراه می کنند امت مرا از طریقه قائم موعود که طریقه و رفتار آن حضرت، امامت و وصایت و غیبت است با این که خصوص پسر حضرت عسگری و نهمین از اولاد حسین و امام دوازدهم است که جمیع این صفات را پیغمبر فرموده و مضلین منکر می شوند قول پیغمبر را و تکذیب می نمایند آن حضرت را، و به وساوس شیطانی امت را گمراه می کند و جمیع این امور ظلم است در حق پیغمبر اکرم».

«وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ»^(۱)

نشانه های ظهور امام زمان

۱۲۷

عَجَلِ الْعَالَمِينَ
فِي حَجْمِ الشَّيْءِ

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۵؛ مراه العقول، ج ۴، ص ۲۵.

حدیث هفتم

امام زاده حضرت عبدالعظیم از امام محمد تقی از آبای گرامی اش و از علی علیه السلام نقل می کند که فرمود: ^(۱) برای قائم موعود غیبتی است که زمان او طولانی است و من می بینم شیعه را که متحیرانه در طلب آن حضرت هستند و نمی یابند آن حضرت را مثل انعامی که در بیابان درصدد تحصیل چراگاه متحیرانه گردش می کنند و هر کس ثابت بماند معتقد دینی خود و قلب او قاسی نشود به سبب طول غیبت امام خود (یعنی به وسوسه شیاطین از معتقد قلبی تجاوز نکنند) پس او در روز قیامت با من در یک درجه خواهد بود.

پس حضرت امیر بین فلسفه خفا ولادت و غیبت آن حضرت را می فرماید: که برای این است که در موقع ظهور بر گردن آن حضرت بیعتی برای احدی نباشد (یعنی در زمان تقیه و هدنه) که خداوند متعال برای مصالح بندگان مقرر فرموده است اگر حضرت حجت ظاهر گردد، ناچار باید طاغیان بیعت نمایند و مثل پدرانش ظاهر غیر مطا باشد با انقضا زمان هدنه و تقیه که خدا مقرر فرموده است برای امتحان بندگان و امهال آنها در نزول عذاب و غیر ذلک از مصالح که خود می داند، لذا آن

عبدالله
عبدالمعز
فرخنده السیرت



حضرت غیبت می فرماید تا انقضا زمان هدنه و تقیه که در موقع ظهور آن حضرت با احدی بیعت نکرده باشد.

حدیث هشتم

علی علیه السلام فرمود: ^(۱)

«به خدا قسم من و دو پسر من کشته خواهیم شد و خداوند تمبعوث می فرماید مردی را از اولاد من که می باشد در آخر الزمان و مطالبه خون ما را خواهد فرمود و آن امام آخرین هر آینه غیبت خواهد فرمود به جهت تمیز اهل ضلالت که به واسطه طول غیبت از شاهراه خارج می شوند، و جاهلین می گویند خدا را احتیاجی در آل پیغمبر نیست که قائل می شوند به انقطاع حجت و فترت در ائمه علیهم السلام».

حدیث نهم

سعید بن جبیر می گوید: ^(۲)

امام سجاد علیه السلام فرمود: «قائم موعود مخفی می شود ولادت او بر مردم تا این که می گویند او متولد نشده است، برای این که در موقع ظهور تا بیعت طاغیان بر گردن آن حضرت نباشد».

نشانه های ظهور امام زمان

۱۲۹

عجائب القالی
ترجمه لیبوت

۱. بحار الانوار، ص ۳۱.

۲. کمال الدین، ص ۱۸۶.

حدیث دهم

محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند که آن حضرت فرمود: در قائم موعود خصلت از پنج پیامبر وجود دارد.

اول: ظهور آن حضرت است بعد از غیبت به حالت و هیئت جوانی با کبر سن که مرور سنین و کبر سن تأثیر نمی کند در آن حضرت و خدا او را حفظ می فرماید از تغییر جسم و بدن برخلاف عادت جاریه در غالب افراد بشر، چنانچه خداوند متعال حفظ فرمود حضرت یونس را در شکم ماهی که پس از بلعیدن ماهی ظاهر شد به حالت جوانی. با آن که مقتضای عادت خورد شدن استخوان های آن حضرت، تحلیل رفتن او بوده در شکم ماهی ولی به قدرت کامله باری تعالی حضرت یونس به هیئت جوانی رجوع فرمود به قوم خود. همان طور که در سوره والصفافات می فرماید. و به درستی که یونس از پیغمبران بود وقتی که فرار کرد به کشتی که پر بود از مردم. پس کشتی به سبب موج دریا مشرف به غرق شد، و اهل کشتی گفتند. باید یک نفر را به شط بیندازیم تا کشتی از غرق شدن نجات یابد. پس به حکم قرعه یونس را انتخاب کردند و اسم یونس در قرعه درآمد و بعد او را در شط انداختند، پس ماهی او را در حالتی بلعید که یونس ملامت می کرد خود را که چرا درشتی نشسته و به قوم خود رجوع نکردم. ﴿ فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ

عَلَّمَ الْكَلِمَاتِ
فَرِحَمَ الشُّرُوطِ

۱۳۰

نقله های ظهور امام زمان

الْمُسَبِّحِينَ * لَلْبَيْتِ فِي بَطْنِيَةِ إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ ^(۱)

یعنی اگر نبود یونس از مؤمنین، مسَبِّحین، هر آینه به حکم عادت، شکم ماهی بود تا روز بعثت در حشر مردگان ولی چون از پیغمبران مسَبِّحین بود او را حفظ فرمودیم که خطاب شد به ماهی «انّی امّ اجعل عبّدی رزقاً لک و لکنّی جعلت بطنک مَسْجِداً له فلا تکسرنّ و لاتخذینّ له جِلدًا». پس به قدرت کامله در شکم ماهی محفوظ ماند. در مدت توقف در شکم ماهی اختلاف است. بعضی چهل روز گفته‌اند و بعضی کمتر «فَنَبِّذْنَاهُ بِالْعَرَا وَ هُوَ سَقِيمٌ وَ اَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ وَ اَرْسَلْنَاهُ اِلَى مِائَةِ اَلْفٍ وَ يَزِيدُونَ» یعنی: پس از درنگ در شکم، یونس را در زمین بی آب و علف انداختیم در حالت مرض که پوست بدن او نازک شده بود و چون طاقت تابش آفتاب را نداشت رویانیدیم بر یونس درخت کدو را که او را حفظ نماید از تابش آفتاب و فرستادیم او را به صد هزار امت و بیشتر.

مقصود از ترجمه آیات شریفه و تنظیم قائم موعود است به یونس در منع از تأثیرات طبیعت در جسم و بدن آن حضرت. شباهت داشتن حضرت حجت به حضرت یوسف در غیبت وجه دوم و خصیلت دوم آن حضرت است. همان طور که

نشانه های ظهور امام زمان

۱۳۱

عجل الله تعالی فرجه الشریف

یوسف غایب شد از نظر مردمان دیارش یعنی: برادران و عموم مردم کنعان، و بعد از مدتی که یوسف را برادرانش نشناختند ولی دو برادرانش را می‌شناخت، و دوری یوسف بر پدر بزرگوارش سنگینی عجیبی بر روی جسم و روان یعقوب وارد می‌ساخت در عین حال امید زنده بودن یوسف را داشت ولی مکانش را نمی‌دانست همین طور هم امام زمان غایب گردید و از منظر مردم پنهان شد. و دوری و فراقش بر مسلمانان سنگینی می‌نماید و همان طور هم ایشان مردم را می‌شناسند ولی مردم آن حضرت را نمی‌شناسند.

خصلت سوم مهدی موعود تولد پنهانی و مدت و طول غیبت حضرت می‌باشد که ولادت و غیبتش به حضرت موسی شبیه می‌باشد. همان طور که ولادت حضرت موسی به دور از چشم مردم و پنهانی بود و به خاطر سلامت ماندنش خداوند او را از جلوی چشم‌های فرعون و فرعونیان مخفی نگه داشت و وقتی هم که متوجه شدند قصد جانش را کردند لذا حضرت موسی فرار کرد و شیعیان حضرت در مدت غیبتش در خواری و اذیت فرعونیان بودند تا زمانی که خداوند متعال اذن و او تا موسی ظهور نماید و او آشکار شد و فرعونیان را هلاک نمود. هم چنین هم ولادت حضرت حجت مخفی بود از بنی عباس و وقتی بنی عباس قصد جانش را کردند حضرت به امر خداوند

عجل الله تعالی فرجه الشریف



غائب از منظرها شد و شیعیان حضرت در مدت غیبت او، در خواری و اذیت هستند تا زمانی که خداوند متعال اذن ظهورش را دهد و او ظهور نماید و انتقام خون مظلومان را از همه ظالمان بستاند. چرا که در زمان ظهورش، ذلت شیعیان مبدل به عزت خواهد شد. ﴿ وَثُرَيْدٌ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي

الْأَرْضِ وَنَجَعَلَهُمْ أَيْمَةً وَنَجَعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ ﴾^(۱)

که تنزیل آیه شریفه درباره حضرت موسی می باشد و تاویل آیه درباره حضرت حجت است و قضیه حضرت موسی از حیث ولادت و غیبت و اذیت شیعیان در مدت غیبت، تمام در قرآن مکرر ذکر گردیده است.

نخصلت چهارم اختلاف میان مردم است شبیه اختلاف مردم درباره حضرت عیسی، اما اختلاف در مورد حضرت عیسی. پس می فرماید: «حَتَّى قَالَتْ طَائِفَةٌ مَا وَلَدًا يَعِينُ مَرْدَمٌ فِي حَضْرَتِ عِيسَى سَهْ فَرَقَهُ شَدْنَدُ. عَدَاهُ يَ كَفَتُنْدُ: عِيسَى بَه دَنِيَا أَمَدَه اسْت عَدَه دِيْكَرَ كَفَتُنْدُ، اُو بَه دَنِيَا أَمَدٌ وَ مَرْدٌ وَ بَعْضَى دِيْكَرَ كَفَتُنْدُ: عِيسَى مَصْلُوبٌ شَدَ كَه اَيْنَ كَفَتَه يَهُودٌ وَ يَهُودِيَانٌ وَ كَافِرَانٌ بُوْدَه اسْت.»

شبه بودن اختلاف حجت با حضرت عیسی در همین

است که مردم بعضی‌ها می‌گویند او به دنیا نیامد عده دیگر
می‌گویند به دنیا آمد مرد و بعضی‌ها هم در غیبت و ظهورش
تردید دارند.

خصلت پنجم امام زمان شبیه رسول خدا می‌باشد همان
طور که رسول خدا از مکه غیبت فرمود و بعد از غیبت با
شمشیر ظاهر شد و کفار را به قتل رسانید و خداوند هم در این
امر یاریش فرمود همچنین هم حضرت مهدی علیه السلام بعد از غیبت
با شمشیر برهنه‌اش ظهور می‌نماید و دشمنان الهی را به قتل
می‌رساند و با شمشیر و رعب الهی یاری می‌شود.

عَنْكَ الْمَقَالِي
وَرَجَمَ الشَّيْبَانِي



حدیث سوم

امام صادق علیه السلام فرمود: (۱)

وقتی مهدی موعود علیه السلام قیام می کند زانی محصن را سنگسار می نماید و مانع الزکات را گردن می زند.

قانون جزایی رسول اکرم را که در کتب مفصله فقهیه ذکر شده است را تماماً اجرا می نماید. مثلاً شخصی که نماز را عمداً ترک کند دفعه اول او را به تازیانه تنبیه می نماید و تعزیر می کند. هم چنین در دفعه دوم با ضربه های تازیانه او را ادب می نماید و هم چنین در دفعه سوم، اگر بعد از سه مرتبه تعزیر و تأدیب باز ترک نماز نماید او را به قتل می رساند. هم چنین است مجازات نسبت بهب ترک سایر واجبات فروع دین مثل نماز، زکات، خمس، حج، جهاد، برای بار اول شراب خوار را به ضرب هشتاد تازیانه تأدیب می نماید و در مرحله دوم حد الهی را تکرار می کند و در دفعه سوم و چهارم حکم قتل او را صادر می نماید. حد زانی غیر محصن ابتدا صد تازیانه است و در دفعه چهارم قتل است. حد لاطی و ملوط هم قتل است.

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيٍّ

۱۳۶

نشانه ملی ظهور امام زمان

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۱.

حدیث چهارم

امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: ^(۱)

وقتی که قائم ما قیام کند، تقیه برداشته شود و شمشیر کشیده گردد و با مردم (متمرد) در داد و ستد جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد.

حدیث پنجم

امام صادق علیه السلام فرمود: ^(۲)

وقتی که قائم قیام کرد، هیچ نقطه‌ای از زمین نیست مگر این که آوای توحید و پذیرش رسالت پیامبر در آن بلند است.

حدیث ششم

ابان بن تغلب می‌گوید: ^(۳)

از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود:

عمر دنیا تمام نمی‌شود تا این که فریادی از آسمان بلند شود: ای اهل حق جمع شوید و همه در جایگاه صاف جمع می‌شوند و فریادی دوباره بلند می‌شود که: ای اهل باطل جمع

نشانه های ظهور امام زمان

۱۳۷

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
عَلِيِّ بْنِ أَبِي
نُجَيْمٍ السِّنِّيِّ

۱. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۲۸.

۲. اثبات الهداء، ج ۷، ص ۱۲۸.

۳. بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۰.

شوید و همگی آنها در جایگاهی صاف جمع می‌شوید، سؤال کردم: آیا این گروه می‌تواند داخل آن گروه شود؟ حضرت فرمود: نه، به خدا قسم.^(۱) و این معنی این آیه شریفه است که می‌فرماید:

﴿ مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ

الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ ﴾^(۲)

حدیث هفتم

از ابوسعید خدری نقل شده که از پیامبر نقل می‌کند که فرموده: «مهدی از ما اهل بیت است. مردی از امت من با شامه‌ای قوی زمین را همان طور که از جور پر شده بود از عدل پر می‌کند».^(۳)

حدیث هشتم

از عبدالرحمن نقل شده است که گفت: رسول خدا فرمود: «به راستی که خداوند مردی را از عترت من مبعوث خواهد کرد که دندان‌های پیشین او باز و متفاوت، پیشانی‌اش فراخ و نورانی

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



۱. همان، ص ۲۲۲، ح ۸۶

۲. سوره آل عمران، آیه ۱۷۹.

۳. بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۰-۷۴.

می‌باشد، زمین را از عدل مملو خواهد کرد، ثروت در زمان او به وفور خواهد بود»^(۱).

حدیث نهم

در ضمن حدیثی آمده است که جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا پرسید:

«ای فرستاده خدا، آیا برای فرزندان امام مهدی قیام کننده غیبتی است؟ فرمود: آری، به پروردگار سوگند، و این غیبت برای آن است که خداوند می‌خواهد در این باره از زندگی او (برهه غیبت) کسانی را که ایمان آورده‌اند، خالص گرداد و کافران را به تدریج در محاق زوال و نابودی برد»^(۲).

حدیث دهم

عملکرد امام زمان بعد از ظهور از زبان مولا علی علیه السلام^(۳)

۱. پس از دورانی که هدایت وحی تابع هوس‌های این و آن بوده است، او هوس‌ها را تابع هدایت وحی در عرصه جهانی می‌کند.

نشانه‌های ظهور امام زمان

۱۳۹

عجائب‌الغایب
قرن چهارم شریف

۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۴-۸۰.

۲. معجم احادیث المهدی، ص ۱۱۳.

۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۳۸.

۲. در حالی که به نام تفسیر، نظریه‌های گوناگون بر قرآن
تحمیل شده اندیشه‌ها را - در عرصه اسلامی - تابع قرآن
می‌کند.



سیهای حضرت حجت در قرآن

آیه اول

﴿الر * ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾^(۱)

هیچ تردیدی نیست و راهنمای پروا پیشگان است.

یحیی بن ابوالقاسم می گوید:

«از امام صادق علیه السلام از تفسیر این آیه سؤال کردم: حضرت

فرمود: مقصود از ایمان به غیب ایمان به حضرت بقیه الله است

که غایب خواهد بود.»^(۲)

آیه دوم

﴿فَتَلَقَىٰ آدَمُ مِن رَّبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ

الرَّحِيمُ﴾^(۳)

پس آدم کلماتی از پروردگارش دریافت داشت و خداوند

توبه او را پذیرفت؛ چرا که او توبه پذیر و مهربان است. مفضل

بن عمر می گوید: از امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه مخصوصاً

کلمات سؤال کردم که این چه کلماتی است؟ حضرت فرمود:

۱. سوره بقره، آیات ۲-۱.

۲. کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، باب ۳۳.

۳. سوره بقره، آیه ۳۷.



«آنها کلماتی بودند که آدم آنها را از پروردگار خویش دریافت کرد و بر زبان جاری نمود و خداوند توبه‌اش را پذیرفت و آنها عبارت بودند از این که فرمود: خدایا! از تو می‌خواهم به حق محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین علیهم‌السلام توبه‌ام را بپذیر. و خداوند توبه او را پذیرفت. به راستی که او توبه پذیر مهربان است. عرض کردم فرزند رسول خدا! معنای فرمایش خدای عزوجل از کلمه فَاتَّمَهُنَّ چیست؟ فرمود: دوازده امام را با قائم کامل گردانید نه امام آنها از فرزندان حسین خواهند بود.»

آیه سوم

﴿ لَّهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾^(۱)

و برای آنان [کافران و شرک گرایان] در دنیا رسوایی بزرگ و ر آخرت عذابی سهمگین خواهد بود. اسباط از سدای نقل کرده که گفت: منظور از آیه لَّهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ این است که به هنگام قیامت حضرت مهدی بیت المقدس به آغوش اسلام باز می‌گردد و تجاوزکاران به کیفر کردار زشت خویش می‌رسند و حضرت، آنان را از دم تیغ می‌گذرانند.

آیه چهارم

﴿وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ

وَسَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾^(۱)

و مشرق و مغرب از آن خداست؛ پس به هر سو رو کنید خدا آن جاست. به راستی که خداوند گشایشگر و داناست. روایت فوق‌الذکر مرسلأً از علی نقل شده که می‌فرماید: «آن کسی که فرشتگان در شبی ه همه امور مانند آفرینش، رزق و روزی، اجل، عمل، عمر، زندگی، مرگ، علم غیب آسمان‌ها و زمین و معجزات که اختصاص به خداوند و پاکان و روسولان او دارد مقدر می‌شوند، بر او نازل می‌گردند. آنها تجلی خداوند می‌باشند که خداوند خود فرموده: و به هر سو رو کنید خدا آن جاست، آنان ذخیره خداوند هستند یعنی مهدی در پایان این مدت می‌آید و زمین را از عدل و داد پر می‌کند، آن‌چنان که از ظلم و ستم پر شده است.»^(۲)

آیه پنجم

﴿هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِنَ الْغَمَامِ

نشانه های ظهور امام زمان

۱۴۳

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱. سوره بقره، آیه ۱۱۵.

۲. الاحتجاج، ج ۱، ص ۲۴۰؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۱۱۸.

وَالْمَلَيْكَةَ وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ^(۱)

آیا انتظار دارند که خدوند و فرشتگان در سایه‌هایی از ابرها به سوی آنان بیایند و همه چیز انجام شده و همه کارها به سوی خدا بازمی‌گردد.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ



جابر از امام باقر علیه السلام نقل کرده که درباره این آیه می‌فرماید: «حضرت قائم [هنگام ورود به عراق در میان هفت قبه نور فرود می‌آید و معلوم نیست که او در کدام یک از آنها قرار دارد].»^(۲)

آیه ششم

﴿ مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أُتْبِتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سُنْبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ ﴾^(۳)

کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند بذری هستند که خفت خوشه برویاند که در هر خوشه یک صد دانه باشد و خداوند آن را برای هر کس بخواهد دو یا چند

۱. سوره بقره، آیه ۲۱۰.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۰۳.

۳. سوره بقره، آیه ۲۶۱.

برابر می کند و خدا (از نظر قدرت و رحمت) وسیع و (به همه چیز) داناست.

فضل بن محمد جعفی گوید:

«از امام صادق علیه السلام درباره فرمایش خداوند متعال (مثل دانه ای که هفت خوشه رویاند) سؤال کردم. حضرت فرمود: منظور از حبه، حضرت فاطمه است و هفت خوشه، هفت نفر از فرزندان اوست که هفتمین آنها قائم است. [راوی گوید:] عرض کردم: آیا امام حسن علیه السلام نیز جزء این هفت نفر است؟»
حضرت فرمود: «امام حسن علیه السلام از ناحیه خداوند امام و پیشوایی است که اطاعتش واجب است ولی از خوشه های هفت گانه نیست بلکه اولین فرد آنان امام حسین علیه السلام و آخرین آنان قائم است. عرض کردم: این که خداوند فرمود: **فِي كُلِّ سُبُلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ** منظور چیست؟ حضرت فرمود: از هر یک از خوشه مردان آنها در کوفه یک صد نفر به وجود می آید و آنها جز این هفت تن نیستند.»^(۱)

آیه هفتم

﴿ يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ

نشانه های ظهور امام زمان

۱۴۵

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْقَائِلِي
فَرَجَّحَ السُّنَّةَ

خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذُكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ^(۱)

(خدا) دانش و حکمت را به هر کس بخواهد می‌دهد و به هر کس دانش داده شود، خیر فراوانی داده شده است و جز خردمندان (این حقایق را درک نمی‌کنند و) متذکر نمی‌گردند.

ابوبصیر روایت می‌کند که از امام باقر علیه السلام سؤال کردم که مقصود از آیه: و به هر کس دانش داده شود خیر فراوانی داده شده است چیست؟ حضرت فرمود: «مقصود از حکمت و دانش، شناخت امام و اجتناب از گناهان کبیره است و کسی که از دنیا برود و بیعت امامی بر گردنش نباشد مانند دوران جاهلیت از دنیا رفته و مردم معذور نیستند تا این که امام خویش را بشناسند، کسی که بمیرد و به امامت (امام زمان خودش) آشنا باشد تقدیم و تأخیر ظهور، به او زیانی نمی‌رساند او همانند کسی است که در خیمه و چادر حضرت با اوست، سپس فرمود: خیر، بلکه همانند کسی است که در رکاب او مبارزه کند، و بعد فرمود: خیر، بلکه - به خدا سوگند - همانند کسی است که در رکاب رسول خدا شهید شده باشد.»^(۲)

عَنْ أَبِي بصيرٍ
قَالَ سَمِعْتُ

۱۴۶

نشانه های ظهور امام زمان

۱. سوره بقره، آیه ۲۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۶.

﴿ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ ﴾^(۱)

آنها هستند که از او پیروی کردند و (در زمان و عصر او، به مکتب او وفادار بودند، همچنین) این پیامبر و کسانی که به او ایمان آورده‌اند از همه سزاوارترند و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.

عبدالاعلی جبلی گفت: «امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند، گویی به او [قائم] می‌نگرم که با پشت به حجرالاسود تکیه زده و آنگاه خدا را به حق خودش سوگند می‌دهد و سپس می‌گوید: ای مردم! هر کس درباره خدا با من محاجّه و بحث کند من سزاوارترین فرد به خدا هستم و هر کس درباره نسبت حضرت آدم با من بحث نماید، من سزاوارترین شخص به آدم هستم، ای مردم هر کس درباره نسبت با نوح با من اجتماع کند من سزاوارترین مردم به نوح علیه السلام هستم، ای مردم هر کس درباره ابراهیم با من اجتماع نماید من سزاوارترین فرد به ابراهیم می‌باشم.»^(۲)

نشانه های ظهور امام زمان

۱۴۷

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْثَدَةَ

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۸.

۲. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۵۶.

آیه نهم

﴿ وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ

وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ

وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ ءَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا

قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ ﴿٩﴾

و (به خاطر آورید) هنگامی را که خداوند، از پیامبران (و پیروان آنها) پیمان مؤکد گرفت، که هرگاه کتاب و دانش به شما دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می‌کند به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید! سپس خداوند به آنها گفت: آیا به این موضوع اقرار دارید؟ و بر آن پیمان مؤکد بستید؟ گفتند: آری اقرار داریم! خداوند به آنها گفت: پس گواه باشید! و من نیز با شما از گواهانم.

فیض بن ابی شبیه گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که این آیه شریفه را تلاوت می‌کرد و آنگاه خداوند عهد و پیمان پیامبران را گرفت که آنچه را از کتاب و حکمت برایتان آوردم. ... تا آخر آیه، فرمود، البته برای این که به رسول خدا ایمان بیاورید و علی علیه السلام را یاری کنید؟ فرمود: آری، از آدم گرفته تا کنون خداوند هیچ پیامبری و رسولی را مبعوث نکرد جز این که

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱۴۸

نشانه علی ظهور امام زمان

به دنیا برگردانده می شود تا در رکاب علی علیه السلام نبرد کند. ^(۱)

آیه دهم

﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا الْكِتَابَ الَّذِي نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ

مِن قَبْلِ أَنْ نَعْلِمَ سَ وُجُوهًا فَتَرُدَّهَا عَلَيَّ أَدْبَارَهَا ﴾ ^(۲)

ای کسانی که کتاب (خدا) به شما داده شده! به آن چه (بر پیامبر خود) نازل کردیم و هماهنگ با نشانه‌هایی است که با شماست ایمان بیاورید پیش از آن که صورت‌هایی را محو کنیم، سپس به پشت سرباز گردانیم.

جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آن حضرت درباره آیه شریفه فرمود: از لشکر سفیانی نجات نمی‌یابند و همه آنها در سرزمین پیدا به هلاکت می‌رسند (در زمین فرو می‌روند) مگر سه نفر از آنها که خداوند صورت آن سه نفر را به پشت سرشان برمی‌گرداند و این پیشامد و رخداد در زمان قیام حضرت قائم مهدی علیه السلام روی خواهد داد. ^(۳)

نشانه‌های ظهور امام زمان

۱۴۹

عجل الله فرجه
وآمنه

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۸۱.

۲. سوره نساء، آیه ۴۷.

۳. ینابیع الموده، ب ۷۱، ج ۵.

آیه یازدهم

﴿ وَإِنْ يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا

حَكِيمًا ۙ ﴾^(۱)

عَجَلُ الْعَالِي
فَرَحَمُ الشُّرُفِ



(اما) اگر (راهی برای اصلاح در میان خود نیابند و) از هم جدا شوند خداوند هر کدام از آنها را با فضل و کرم خود، بی نیاز می کند و خداوند دارای فضل و کرم و حکیم است. از امیرالمؤمنین علی علیه السلام نقل شده است که فرمود: صدیق اکبر با پرچم هدایت و شمشیر ذوالفقار و تازیانه، حرکت می کند؛ تا این که دوباره در زمین هجرت که کوفه است فرود می آید، مسجد کوفه را خراب کرده و دوباره آن را مانند اول از نو می سازد و خانه های ستگران را که در اطراف آن بنا شده است منهدم می کند. آنگاه به بصره می رود و به نزدیک دریا می رسد و صندوق (تابوت) و عصای حضرت موسی نیز همراه اوست بر دریا می خواند و می دهد، پس آب دریا می خروشد و بصره را غرق می کند تنها مسجد آن چون سینه کشتی بر سطح آب باقی می ماند. آنگاه به سوی حرور می رود و آنجا را آتش می زند و از باب بنی اسد می گذرد تا این که بر سر قبیله ثقیف که از نسل فرعون هستند فریاد می کشد. سپس به سوی مصر

رهسپار شده، در آنجا منبر می‌رود و برای مردم سخنرانی می‌کند و اهل زمین را به عدالت مژده می‌دهد و در عصر او آسمان می‌بارد، درختان میوه می‌دهند، زمین گیاه می‌رویاند و سرسبز و خرم می‌شود، حیوانات وحی هم دارای امنیت می‌شوند به گونه‌ای که همانند چهارپایان در گوشه‌ای از زمین می‌چرخند، علم در قلوب مؤمنین وارد می‌شود به نحوی که هیچ مؤمنی به علم دیگران نیازی ندارد. در آن هنگام این آیه تاویل می‌شود: **يُغْنِي اللَّهُ كُلًّا مِّنْ سَعَتِهِ** خداوند هر کس را با فضل و کرم خود بی‌نیاز می‌کند. ^(۱)

آیه دوازدهم

﴿ هُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ ۗ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ ﴾ ^(۲)

... آنها کسانی هستند که خدا نخواستہ دل‌هایشان را پاک کند در دنیا رسوایی و در آخرت مجازات بزرگی نصیبشان خواهد شد.

درباره این آیه شریفه از سُدی نقل شده که گفت: خواری آنها در دنیا این است که هنگامی که حضرت مهدی عجل الله فرجه قیام می‌کند و قسطنطنیه (استانبول) فتح می‌شود آنان را از دم تیغ

نشانه های ظهور امام زمان

۱۵۱

عجل الله فرجه
محمد بن عبد الله

۱. مختصر بصائر الدرجات، ص ۵۱۹.

۲. سوره مائده، آیه ۴۱.

می گذراند. (۱)

آیه سیزدهم

﴿ هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسِيٌّ

عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ ﴾ (۲)

او کسی است که شما را از گل آفرید، سپس مدتی مقرر داشت (تا انسان تکامل یابد) و اجل حتمی نزد اوست (و فقط او از آن آگاه است) با این همه شما (مشرکان در توحید و یگانگی و قدرت او) تردید می کنید.

حمران بن اعین از امام باقر علیه السلام درباره فرمایش خدای

تعالی: «ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسِيٌّ عِنْدَهُ» روایت کرده است

که آن حضرت فرمود: به راستی که دو اجل (زمان) وجود دارد:

یکی اجل حتمی و دیگری اجل مشروط. حمران گوید: عرض

کردم: اجل (زمان) قطعی کدام است؟ حضرت فرمود: آن

هنگامی که مشیت خدا در آن است حمران گوید: عرض کردم:

من امیدوارم که زمان سفیانی زمانی مشروط باشد. امام باقر علیه السلام

فرمود: خیر، به خدا سوگند! که زمان او قطعی و حتمی

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ
مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱۵۲

نشانه های ظهور امام زمان

۱. تفسیر التبیان للطوسی، ج ۱، ص ۴۲۰.

۲. سوره انعام، آیه ۲.

است»^(۱)

آیه چهاردهم

﴿ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ ﴾^(۲)

... پس شما منتظر باشید من هم با شما انتظار می‌کشم!
(شما انتظار شکست من و من انتظار عذاب الهی برای شما!).
محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که از آن حضرت
درباره فرج سوال کردم.

در پاسخ فرمود: «آیا نمی‌دانی که انتظار فرج از فرج [مایه
گشایش] است [زیرا] خداوند فرموده است: شما منتظر باشید
من هم با شما از منتظران خواهم بود»^(۳).

احمد بن احمد از امام رضا علیه السلام روایت کرده و گفت: «شنیدم
حضرت می‌فرمود: صبر و انتظار فرج، چقدر نیکو و زیباست.
آیا سخن عبد صالح را نشنیدی که فرمود: منتظر باشید که من
هم با شما منتظرم»^(۴).

نشانه های ظهور امام زمان

۱۵۳

عجلت العالی
قرن حتم النبوت

۱. الغیبه للنعمانی، ص ۳۰۱، ح ۴، ب ۱۸.

۲. سوره اعراف، آیه ۷۱.

۳. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۴. تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۲۰.

و کسانی که بعداً ایمان آوردند و هجرت کردند و با شما جهاد نمودند از شما هستند، و خویشاوندان نسبت به یکدیگر، در احکامی که خدا مقرر داشته، (از دیگران) سزاوارترند، خداوند به همه چیز داناست.

ثابت ثمالی از امام سجاد روایت می‌کند که فرمود:

«این آیه و خویشاوندان بعضی از آنها نسبت به بعضی سزاوارترند. در کتاب خدا، درباره ما نازل شده است. و این آیه نیز درباره ما نازل شده است: او کلمه توحید را، کلمه پایدار در نسل‌های بعد از خود قرار داد و تا روز قیامت، امامت در نسل حسین بن علی بن ابیطالب علیه السلام است و برای قائم ما دو غیبت است که یکی از دیگری طولانی‌تر است. اما غیبت اول شش روز یا شش ماه یا شش سال طول می‌کشد. و دومی آن قدر طولانی می‌شود که بیشتر معتقدان به آن از عقیده خود برمی‌گردند و بر آن عقیده ثابت نمی‌مانند، مگر کسی که یقینش قوی و معرفتش صحیح باشد و او از آنچه که ما واجب کنیم، در دل خود مشکلی ندارد و تسلیم ما اهل بیت است.»^(۱)

آیه هفدهم

﴿ يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۳؛ اثباه الهداه، ج ۳، ص ۴۶۷.

يُتِمُّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ * هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ

بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ

الْمُشْرِكُونَ ﴿١﴾

آنها می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا جز این نمی خواهد که نور خود را کامل کند، هرچند کافران ناخشنود باشند! او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین‌ها غالب گرداند، هرچند مشرکان کراحت داشته باشند.

شیخ بزرگوار قمی، در تفسیر خود می گوید:

«این آیه درباره قائم آل محمد علیه السلام نازل شد و او تنها امامی

است که خداوند او را بر همه ادیان پیروز خواهد نمود. او زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، بعد از آن که از ظلم و جور پر شده باشد و این از آیاتی است که تأویل آن بعد از تنزیل خواهد بود.» (۲)

ابوبصیر نقل می کند که امام صادق علیه السلام درباره این آیه: هُوَ

الَّذِي أَرْسَلَ ... فرمود: «به خدا سوگند! تأویل این آیه هنوز

نیامده و نخواهد آمد، تا قائم خروج کند. وقتی آن جناب خارج

عَنْ الْمَوْلَى
قُرْبَانَ السِّرِّفِ



۱. سوره توبه، آیات ۳۳-۳۲.

۲. اثباه الهداء، ج ۳.

شود، هیچ کافری به خداوند عظیم و مشرک به امام نماند، جز این که به خروج وی کراهت داشته باشد به طوری که اگر کافری در شکم سنگی باشد، سنگ فریاد برآورد: ای مؤمن! در شکم من کافری است، مرا بشکن و او را به قتل برسان»^(۱).

امام باقر علیه السلام فرمود: «به راستی تحقق این وعده خدا به هنگام قیام آل محمد خواهد بود آن روز است که اسلام فراگیر می شود و کسی در روی زمین نمی ماند، مگر این که به یکتایی خدا و رسالت پیامبر ایمان می آورد»^(۲).

آیه هجدهم

« وَيَقُولُونَ لَوْلَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةً مِنْ رَبِّهِ فَقُلْنَا إِنَّمَا الْغَيْبُ

بِاللَّهِ فَأَنْتَظِرُونَ إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ »^(۳)

می گویند: چرا معجزه ای از پروردگارش بر او نازل نمی شود؟! بگو: غیب (و معجزات) تنها برای خدا (و به فرمان او) است!

شما در انتظار باشید من هم با شما در انتظارم! (شما در انتظار معجزات بهانه جویانه باشید، و من هم در انتظار معجزات

۱. اثباه الهداه، باب ۳۲، ح ۲۳۹.

۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۳، ص ۲۵.

۳. سوره یونس، آیه ۲۰.

شما!).

یحیی بن ابوالقاسم گوید:

«امام صادق علیه السلام در تفسیر این قول خدای تعالی: **فَقُلْ إِنَّمَا**

الْغَيْبُ لِلَّهِ فرمود: مراد از غیبت در این آیه حجت قائم می باشد.»^(۱)

عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ
يَحْيَى بْنِ أَبِي
عَبْدَانَ

۱۵۸

آیه نوزدهم

﴿ وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴾^(۲)

و می گویند: «اگر راست می گویی، این وعده (مجازات) کی خواهد بود؟».

عبدالرحمن بن سلیط می گوید:

«امام حسین علیه السلام فرمود: از ما خاندان دوازدهمین آنها

حضرت مهدی علیه السلام خواهد بود که اولین آنها امیرالمؤمنین علی

بن ابیطالب علیه السلام است و آخرین آنها، نهمین نفر از فرزندان من

است و او امام قائم به حق است و خدای تعالی زمین را به

واسطه او پس از موت، زنده کند و دین حق را به دست او بر

همه ادیان غالب گرداند؛ گرچه مشرکان را ناخوش آید. او را

نشانه های ظهور امام زمان

۱. منابع الموده، ص ۵۰۸.

۲. سوره یونس، آیه ۴۸.

غیبتی است که گروهی [به واسطه آن غیبت] مرتد شوند و گروهی دیگر ثابت قدم باشند و اذیت شوند و به آنها بگویند اگر راست می‌گویید این وعده چه وقت عملی شود؟ بدانید که در دوران غیبت او بر آزار و تکذیب صابر باشد همانند مجاهدی است که با شمشیر پیشاوری رسول خدا مجاهده کرده است.^(۱)

آیه بیستم

﴿ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ ﴾^(۲)

ای لعنت خدا بر ظالمان باد!

از نشانه‌های ظهور، ندایی از آسمان است.

حسن بن محبوب نقل می‌کند که امام رضا فرمود: «به ناچار فتنه و آشوبی بسیار سهمگین و خونین روی خواهد داد که هر نوع خویشی و نزدیکی و دوستی ساقط خواهد شد و از بین می‌رود و این امر پس از مرگ سومین فرزند من است که اهل آسمان و زمین برای او اشک می‌ریزند و چه مؤمنانی که در فقدان آب روان، اسفناک و سرگردان و غمگین باشند، گویا آنها را می‌بینم که در بدترین حالات ندایی بشنوند که از دور و

نشانه های ظهور امام زمان

۱۵۹

عجائب الهمالي
فرجهم الشیخ

۱. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۷.

۲. سوره هود، آیه ۱۸.

نزدیک یکنواخت به گوش رسد، برای مؤمنان رحمت و برای کافران عذاب باشد. [راوی گوید] پرسیدم: این چه ندایی است؟ حضرت فرمود: در ماه رجب سه ندا از آسمان بلند شود:

اول: آگاه باشید! لعنت خدا بر ستمکاران. دوم: ای گروه مؤمنان! حادثه نزدیک، نزدیک شد. سوم: طرف چشمه خورشید بدن ظاهری ببینید او امیرالمؤمنین است که برای هلاکت ستمکاران برگشته است.^(۱)

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



راه وصال به امام زمان

تکلیف اول

«قال الباقر: هُوَ الْمُؤْمِنُ يَدْعُو لِأَخِيهِ بِظَهْرِ الْغَيْبِ فَيَقُولُ لَهُ الْمَلِكُ: آمِينَ وَ يَقُولُ اللَّهُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ: وَ لَكَ مِثْلًا مَا سَأَلْتَ وَ قَدْ أُعْطِيَ مَا سَأَلْتَ بِحُبِّكَ آيَاهُ»^(۱)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: «مؤمن برای برادر دینی خود در غیاب او دعا می کند؛ پس فرشته ای به او می گوید: آمین، و خداوند عزیز جبار می گوید دو برابر آنچه درخواست کردی، برای توست و آنچه را نیز برای او درخواست کردی، به خاطر محبتی که به او دادی، به تو داده شد».

پس تکلیف اول این که در دعاهای خود دعا برای امام زمان و فرجش را مقدم بر دیگران بدانیم که نشانه محبت زیاد ما به وجود مقدسش می باشد. هر چقدر دعا را قشنگ تر و با محتواتر در درگاه خداوند تعالی نماییم به مراتب به همان شایستگی دعا اجابتش هم زیباست و اجر و پاداشش به همان منوال برای صاحب دعا می باشد.

نشانه های ظهور امام زمان

۱۶۱

عجائب القادری
فرج من لدن رب العزت

۱. اصول کافی، ج ۲، کتاب الدعاء، باب الدعاء؛ بحار الانوار، ج ۹۳، ص ۳۸۸.

تکلیف دوم

«قال المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فی توقيعه الشریف: قد آذانا جهلاء الشيعة و خمائهم و من دینه جناح البعوضة أرجح منه»^(۱)

حضرت صاحب الامر مهدی موعود علیه السلام می فرماید:

«به تحقیق جاهلان و کم خردان شیعه و کسانی که پر و بال پشه، از دین داری آنان برتر و محکم تر است، ما را آزار می دهند».

اطاعت نکردن از فرامین گهربار معصومین علیهم السلام مخصوصاً ولی عصر امام زمان و رعایت نکردن تقوا و پرهیزکاری علت و سبب اصلی ناراحتی و آزار امامان معصوم مخصوصاً مهدی موعود می باشد. چرا که تمام معصومین تمام هستی خود را در راه اعتلای دین و دیانت گذاشتند و بی اهمیتی نشان دادن به هر کدام از دستورات آن موجب آزار روح و روان آن عزیزان می شود پس شیعه باید در مرحله اول تقوا و در مرحله دوم اطاعت و پیروی از دستورات و فرمایشات امامان معصوم مخصوصاً حضرت امام زمان را سرلوحه زندگی خود قرار دهد تا از او راضی باشند. چراکه رضایت آنان رضایت خداوند باری

عجل الله تعالی فرجه الشریف



۱. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۶۶؛ الاحتجاج، ص ۴۷۳.

تعالی می باشد.

تکلیف سوم

«قالَ النَّبِيُّ ﷺ: طُوبَى لِمَنْ أَدْرَكَ قَائِمَ أَهْلِ بَيْتِي وَهُوَ يَأْتِمُّ بِهِ غَيْبَتِهِ قَبْلَ قِيَامِهِ وَ يَتَوَلَّى أَوْلِيَاءَهُ وَ يُعَادِي أَعْدَاءَهُ، ذَلِكَ مِنْ رُقَقَائِي وَ ذَوِي مَوَدَّتِي وَ أَكْرَمِ أُمَّتِي عَلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.»^(۱)

پیامبر می فرمایند: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و قبل از قیام او و در غیبتش به او اقتدا کرده و دوستان او را دوست داشته و دشمنانش را دشمن بدارد. چنین کسی از رفقا و اهل مودت من بوده و در روز قیامت از گرامی ترین افراد امت، نزد من است.»

تکلیف چهارم

«قالَ جَابِرٌ لِمِامِ الْبَاقِرِ ﷺ: يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا أَفْضَلُ مَا يَسْتَعْمَلُهُ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ. قَالَ: حِفْظُ اللِّسَانِ وَ لُزُومُ الْبَيْتِ.»^(۲)

جابر از امام محمد باقر علیه السلام می پرسد: «ای پسر رسول خدا! بهترین کاری که مؤمن در زمان غیبت می کند، چیست؟ آن

نشانه های ظهور امام زمان

۱۶۳

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۶، باب ۲۵.

۲. کافی، ج ۲، ص ۴۵۶؛ بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۲۱۶.

حضرت فرمودند: نگهداری زبان و خانه نشینی.

به واضح مقصود امام می تواند تقیه و پرهیز از شهرت باشد. علی می فرمایند: «آن (عصر غیبت) زمانی است که در آن احدی نجات نمی یابد مگر مؤمنی که گمنام و بی اعتبار باشد، که اگر در مجلسی حاضر شود شناخته نشود و اگر غایب شود، جستجو نگردد و جویای او نباشند، آنها چراغ های هدایت هستند.»^(۱)

تکلیف پنجم

«قال رسول الله وَ فِي عَلِيٍّ نُزِلَتْ (وَالْعَصْرِ)»^(۲) وَ تَفْسِيرُهَا:

وَرَبُّ

عَصْرِ الْقِيَامَةِ، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ: أَعْدَاءَ آلِ مُحَمَّدٍ الْآ
الَّذِينَ آمَنُوا بِوَبَائِهِمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِمُؤَاَسَاةِ إِخْوَانِهِمْ وَ
تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ فِي غَيْبَةِ غَائِبِهِمْ»^(۳)

رسول خدا ﷺ می فرمایند: «سوره والعصر، درباره علی نازل شده است؛ تفسیرش چنین است: و سوگند به عصر قیامت! همانا انسان در زیان است؛ یعنی دشمنان آل محمد مگر آن

عَلِيٌّ
عَلِيٌّ
عَلِيٌّ



۱. نهج البلاغه (فیض الاسلام)، ص ۳۰۵.

۲. سوره عصر، آیه ۱.

۳. الاقبال، ص ۴۵۷.

کسانی که به ولایت ایشان ایمان آوردند و عمل صالح نمودند و با برادرانشان مواسات کردند و در زمان غیبت امام غیابشان یکدیگر را به صبر سفارش کردند.

تکلیف ششم

قال الصادق عليه السلام: «أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مِنْ أَنْتَظِرَ أَمْرِنَا وَ صَبِرَ عَلَي مَائِرِي مِنَ الْأَذَى وَالْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا»^(۱)

امام صادق عليه السلام می فرمایند: «آیا نمی دانی که همانا هر کس منتظر امر [ظهور] می باشد و صبر نماید بر آن چه از اذیت و ترس می بیند، او در آن در زمره ما خواهد بود».

امام صادق عليه السلام می فرمایند: «در جمیع امور خود، صبر و بردباری داشته باش»^(۲).

امام صادق عليه السلام می فرمایند: «رسول خدا فرمودند: به زودی زمانی بر مردم خواهد رسید که مالکیت و دارایی [حکومت] به دست نخواهد آمد، مگر با کشتن و تکبر و ستم، ثروت به دست نیامد، مگر با غصب و خست و دوستی مردم حاصل نشود، مگر با از دست دادن دین و پیروی هوای نفس، پس، هر کس آن زمان را دریابد و بر نداری و فقر صبر کند، در حالی که بر

نشانه های ظهور امام زمان

۱۶۵

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
عَنْ جَدِّهِ مُحَمَّدٍ

۱. کافی، ج ۸، ص ۳۷.

۲. کافی، ج ۲، ص ۸۹.



ثروت داشتن، توانایی داشته باشد و بر دشمنی صبر کند، در حالی که می‌تواند جلب محبت نماید، و بر خواری و ذلت صبر کند، در حالی که بر عزیز شدن قادر باشد، خدا به او ثواب پنجاه صدیق از تصدیق کنندگان مرا می‌دهد.»^(۱)

تکلیف هفتم

قال الصادق عليه السلام: «يا مُفَضَّلُ، لا تَوَقَّتْ فإِنَّ مَنْ وَقَّتْ لِمَهْدِينَا وَقْتاً فَقَدْ شَارَكَ اللهَ فِي عِلْمِهِ وَادَّعَى أَنَّهُ أَظْهَرُهُ [الله تعالی] عَلَي سِرِّهِ».^(۲)

امام صادق عليه السلام می‌فرمایند: «ای مفضل! برای ظهور وقتی نگذار؛ همانا هر کس برای ظهور مهدی ما وقتی تعیین کند، خود را در علم خداوند شریک دانسته است و مدعی شده است که خداوند متعال او را بر سر خویش آگاه ساخته است.»

راوی می‌گوید: «از امام باقر عليه السلام پرسیدم: آیا برای امر ظهور وقتی هست؟ فرمودند: وقت گذاران دروغ گفتند، وقت گذاران دروغ گفتند وقت گذاران دروغ گفتند.»^(۳)

۱. کافی، ج ۲، ص ۹۱.

۲. بحار الانوار، ج ۵۳.

۳. الغیبه (شیخ طوسی)، ص ۴۲۶.

تکلیف هشتم

قال الصادق: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ
وَلْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَمَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَهُوَ مُنْتَظِرٌ»^(۱)

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم باشد، باید منتظر او باشد و با پرهیزکاری و اخلاق پسندیده عمل نماید، در حالی که منتظر است».

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر شب و روز منتظر ظهور و امر صاحب خویش باش، به درستی که خدا هر روز در کاری است، و هیچ کاری او را از کار دیگر باز نمی دارد»^(۲).

و نیز حضرت می فرماید: «خوشا به حال شیعیان قائم ما، که در زمان غیبتش منتظر ظهور او، و در زمان ظهورش مطیع او هستند آنها دوستان خدا هستند؛ هم آنان که نه ترسی برایشان است و نه اندوهگین می شوند»^(۳).

تکلیف نهم

امام صادق علیه السلام می فرمایند: «هر کس سوره بنی اسرائیل را در هر شب جمعه بخواند، نمی میرد تا این که قائم را دریابد و از

۱. الغیبه النعمانی، ص ۲۰۰.

۲. الاقبال، ص ۲۰۱.

۳. کمال الدین، ص ۳۵۷.

نشانه های ظهور امام زمان

۱۶۷

عَنْ عَلِيِّ بْنِ
إِبْرَاهِيمَ السَّمَرَقَانِيِّ



اصحابش شود. و هر کس بعد از هر نماز واجب خواب، این دعا را بخواند، پس همانا او امام محمد پسر حسن عسگری علیه السلام و علی آبائه السلام را در بیداری یا خواب خواهد دید.

مطلع این دعا این است.

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ بَلِّغْ مَوْلَانَا صَاحِبَ الزَّمَانِ أَيَّمَا
كَانَ وَ حَيْثُمَا كَانَ...»^(۱)

امام صادق علیه السلام در فرازی دیگر می فرمایند:

«هرگاه یکی از شما آرزوی دیدار قائم را داشته اشد باید
ارزو کند او را در عاقبت دیدار نماید که همانا خداوند
محمد صلی الله علیه و آله را به عنوان رحمت مبعوث کرد و قائم را برای
عقوبت مبعوث می کند.»^(۲)

تکلیف دهم

خواندن دعا و درخواست دیدار حضرت مهدی از خداوند
متعال می باشد خواندن دعاهای گوناگون از جمله دعای عهد
می باشد که هر کس چهل صبا از این دعا را بخواند طبق
روایات از یاران امام زمان خواهد شد.

در دعای عهدی که از امام صادق علیه السلام روایت شده است،

۱. بحار الانوار، ج ۸۹ و ۸۶

۲. کافی، ج ۸، ص ۲۳۳.

می خوانیم: «اللَّهُمَّ ارِنِي الطَّلْعَةَ الرَّشِيدَةَ وَالْغُرَّةَ الْحَمِيدَةَ وَ اَكْحُلْ
نَظْرِي بِنَظْرَةِ رِيَالٍ مَنِي اِلَيْهِ».

بار خدایا! آن طلعت رشید و آن چهره نازنین را به من بنما
و دیده‌ام را به سرمه یک نگاه به او، روشن ساز.
بار خدایا! از تو مسألت دارم که ولی امرت را به من بنمایی
در حالی که فرمانش نافذ باشد.^(۱)

نشانه های ظهور امام زمان



اشک فراق

قسم سرورِها (سرورِها) - مشهور

می‌کنم ناله که از تو خبری نیست مرا
غیر تو را رهبر والا گه‌ری نیست مرا
مرغ بشکسته پر، کی شوم آزاد ز بند
تا بیایم به برت، بال و پری نیست مرا
ترسم آن روز ز حال دل محنت زده‌ام
شوی آگاه که دیگر اثر نیست مرا
مانده‌ام مات که با آن همه آقایی و مهر
از چه بر درگه لطفت گذری نیست مرا
نکشم دست ز دامن تو ای مونس
به خدا غیر تو یار دگری نیست مرا
روزم از هجر تو شام و شب و من
تا نیایی تو امید سحری نیست مرا
دلوازا، شب میلاد تو باشد شب قدر
که از این شب، شب فرخنده‌تری نیست
ساخت مهر تو مرا، از دو جهان
جز ولای تو ز دنیا، ثمری نیست مرا
سال‌ها شد که به هر جمعه، به امید
می‌کنم ندبه، که از تو خبری نیست مرا
گر سخن در خور وصف تو نگفتم
چه توان کرد، که جز این هنری نیست

عجل‌الفرج
محمد شریف



نازنینا به جز از موی سپید و رخ زرد
 تا نثار تو کنم سیم و زری نیست مرا
 مدح اجداد تو را گفتم و دانم به یقین
 که از این به، به دو عالم اثری نیست مرا
 «سروریم» گشته عجین مهر تو در آب
 بهتر از حب تو یکتا گهری نیست مرا

یوسف آل محمد

مرصوم علم اکبر خوشدل - تبراه

چون ظهور از امر حق، آن مهر انور می کند
 عالمی را از جمال خود منور می کند
 پرده دار غیب چون برگیرد از رخ پرده اش
 جلوه ها، بی پرده با فرمان داور می کند
 غیبتش مانند خورشید است اندر پشت ابر
 ابر، کی منع فروغ از مهر خاور می کند
 آفتاب آسا رساند فیض بر نیکو و زشت
 آری آن شه لطف چون مؤمن به کافر
 ز امر وی باران بیارد بر زمین از آسمان
 هم به یمش خلق را روزی مقرر می کند
 اولین مخلوق آدم بود و حجت زمین
 این جهان را خالی از حجت که باور
 جان اگر در تن نباشد، زندگی باشد محال
 آن ولی الله کار جان، به پیکر می کند

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
 فِي حَجَّةِ الْبَيْتِ

۱۷۱

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ
رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ



چون شود ظاهر نماید، تکیه بر بیت الحرام
پس جهان از نغمه الله اکبر می کند
درع داوودی به تن، درکف عصایی موسوی
هم به سر عمامه جدش پیمبر می کند
از سلیمان خاتم و در دست گیرد ذوالفقار
یعنی آن شه تکیه بر اورنگ حیدر می کند
این جهان پر ز ظلم و جور و شرک و فسق را
از دم تیغ دو سر، پر عدل یکسر می کند
البشارت ای گروه منتظر، کان منتظر
شام هجران را بدل بر صبح انور می کند
آید آن روزی که پاک از چهره ما شیعیان
گرد غربت را به دست فیض گستر
آید آن روزی که بیت الحزن را دارالسرور
از قدوم خویش آن شاه فلک فر می کند
یوسف آل محمد چون ز چه آید برون
خرگه اسلام را از ماه برتر می کند
کوری چشم حسودان، قره العین رسول
آید و ترویج از آیین جعفر می کند
گر زند طعنه ز طول غیبتش دشمن چه باک
کوری این قوم، عالم را مسخر می کند
فاصله گیرد انتقام خون جد خود حسین
یاری از آن خسرو مظلوم بی سر می کند
بهر خونخواهی خون جد مظلومش حسین
بی گمان خوشدل ز اهل جور کیفر

اشک فراق

مصدر اشواق سرشار کاشانر

ای برده یاد روی تو از دل قرارها
هر دم زند فراق تو بر جان شرارها
ترسم در انتظار تو ای منتهای حُسن
گردد سپید دیده چشم انتظارها
اشک فراق بس که به پای تو ریختم
از چشم من شدند خجل چشمه سارها
حاشا که بی ولای تو در پیشگاه دوست
گردد قبول طاعت شب زنده دارها
سیمای حق نمای تو تا چند در نهان
تا کی به جستجوی توام در دیارها
با آن جلال و مرتبه، گردون به صبح و شام
باشد به خوان جور تو از ریزه خوارها
روز الست، مهر تو، ای ماه، نقش بست
بر جای جای سینه ما، دل فگارها
بر ما ز انبیای سلف مژده داده‌اند
از غیبت و ظهور، وقایع نگارها
فرمود مصطفی، که کند قائم ظهور
یک روز مانده، گر بود از روزگارها
بنگر که در غیاب تو ای شمع جانفروز
گلزار دین چه می‌کشد از نیش خارها

نشانه های ظهور امام زمان



عَنْ مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

باز آی و داد مردم درمانده را بگیر
 با ذوالفقار خویش، ز دولت مدارها
 پیچیده بر نهال فضیلت سموم کفر
 از قلب‌های مرده بی بند و بارها
 از باغ، بانگ زاغ و زغن می‌رسد به گوش
 افسرده خاطرنند به بستان هزارها
 و احسرتا، که لشکر کفار آورند
 یورش به مسلمین، ز یمین و یسارها
 دانی که از فراق فلسطین دردمند
 بر ما چه‌ها گذشته به لیل و نهارها
 ای نور چشم عسگری ای حجت خدای
 ما و حمایت تو در این گیر و دارها
 خواهم ز کردگار که باشد گه ظهور
 و سرشار در رکاب تو از جان نثارها

فُلكِ ولا

شهر حسین آستانه پرست شاهر - شهر

گردیده‌ام ندیده رخ دلربای تو
 دل پر زند به سینه من در هوای تو
 چون غنچه غرق خون شوم چو بگذرد
 بر خاطر خيال لب جانفزای تو
 خواهم که جان پای ترا بوسه‌ها زخم
 در حیرتم که هست کجا جای پای تو



آینه بر جمال تو گشتند مهر و ماه
 که این سان منورند ز نور و ضیای تو
 یک جلوه بر دلم کن و دل را صفا بخش
 ای آنکه یافت مروه صفا از صفای تو
 گر عمر من کفاف دهد تا به روز وصل
 در حیرتم که هدیه چه ریزم به پای تو
 دستم تهی و نیست مرا آه در بساط
 شرمندهام چه پیشکش آرم برای تو
 یعقوب وار دیده شد از دوریت سپید
 ای صد هزار یوسف مصری فدای تو
 دائم یقین بنای ستم واژگون شود
 بر بام معدلت چو برآید لوای تو
 مولا بخوان تو آیه امن یجیب را
 زیرا که می‌رسد به اجابت دعای تو
 اول بیامدینه و بنما که در کجاست
 گم گشته قبر مادر درد آشنای تو
 برگوی مادرم دگر از درد و غم منال
 کامد طیب و بر کف دارد دواي تو
 برخیز تا حضور تو پرسم چرا عدو
 سیلی زده به عارض ایزد نمای تو
 جرمت مگر چه بود که بشکست پهلویت
 از ضرب پای، دشمن دور از خدی تو
 من مهدیم که هست هنوزم به گوش جان
 در پشت در به ناله چو برشد صدای تو

نشانه های ظهور امام زمان



عجل العالی
فرجه النبوت

من قتل محسن تو ز خاطر نبردهام
گریم به یاد کودک سیمین لقای تو
از موج غم به ساحل امید می‌رسد
شاهد که ساکن است به فلک ولای تو

اللَّهُمَّ عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ

عَجِّلْ لَوْلِيكَ الْفَرَجَ
قَدْ جَمَلْنَا لِيَوْمَ

